

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

۸۷

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۸ دی ۱۳۵۹ بهای ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- هسته های مقاومت، جماعتی برای سرکوب کارگران! ۳ صفحه
- رژیم جمهوری، با دهان به آمریکا فحش میدهد و با دست از او اسلحه می گیرد! ۷ صفحه
- گزارشی از اوضاع سیاسی عراق ۲۰ صفحه
- دوسایست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد ۵ صفحه
- انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال ۱۵ صفحه

آقای رفسنجانی و رسوائی ۲۰۰ میلیون تومانی

پس از آنکه سندتکان دهنده ۲۰۰ میلیون تومان خرید سلاح از خارج بوسیله آقای رفسنجانی از جانب سازمان مادر تاریخ ۵۹/۹/۱۹ منتشر شد هزاران نسخه آن دست بدست گشت، رژیم جمهوری اسلامی منتهای کوشش خود را بکار برد تا این رسوائی را برای توده ها توجیه کند.

اما توجیه و ما ستمالی "قضه"، - برای توده های زحمتکشی که به نان شتان محتاج اند، - برای توده های آواره ای که به اعتراف نما بنده خرمن شهر، در سربندر دهر و زبیه آوارگان غذا نداده بودند و کاراکتر آنها به گدا ئی کشیده بود،"

بقیه در صفحه ۳۰

آقای بهزاد نبوی: دود روغ و یک راست! ۱,۴۰۰,۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!

۲۹ صفحه

کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در دستگاه خلق

۱۱ صفحه

شکاف در "بالا" فرصتی دیگر برای پیشبرد انقلاب

ویژگی شرايطی که در آن سر میریم حدت با بی مبارزه طبقاتی و او جگیری با زهم بیشتر جنبش توده ای است و این نتیجه محتوم بحران اقتصاد ای حاکم بر جامعه، فقر و فلاکت روز افزون توده ها، ماهیت و عملکرد ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، افزایش آگاهی سیاسی و طبقاتی بیرونی را توده های تحت ستم است.

هر روز که از عمر این رژیم می گذرد، بر شدت بحران افزوده میشود و زحمتکشان بتدریج تومشان نسبت به کل رژیم عموما و به حزب حاکم خصوصا در حال فروریختن است این روند بویژه پس از شروع جنگ و تشدید فلاکت و افزایش چشمگیر بیکاری، گرانی و وضع بسیار رقت بار آوارگان و ساکنین مناطق جنگ زده و همزمان با آن تشدید خفقان و سرکوب حرکات اعتراضی و جنبش توده ای، همچنان قوس صعودی داشته و این خود رشد و گسترش جنبش توده ای را باعث گردیده است.

بقیه در صفحه ۲

حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان و امحکوم میکنیم

۸ صفحه

سیاست مجاهدین خلق در قبال لیبرالهای خیانت پیشه

۹ صفحه

پایگاههای نظامی و مستشاران امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه

۱۴ صفحه

راهپیمائی و اجتماع پیش از ۲۰۰۰ کارگر مناطق جنگ زده در تهران!

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیة از صفحه ۱ **سرمقاله** ♦♦♦

ما در هفته‌های پیش در همین ستون، بسنه ایما دستخلف این جنبش در میان کارگران و زحمتکشان اتا ره کردیم و گفتمیم تما می شوا همد و قرائن حاکمی از او جگیری بیش از پیش حرکات اعتراضی و جنبش توده‌ای در سراسر کشور است . آنچه که در همین یکی دو هفته اخیر در جا معلوم رخ داده است و از آن جمله اعتصابات کارگران دختالیات و شرکت و حدتشان ، تظاهرات و راه پیمایی کارگران مناطق جنگ زده در شهران ، حرکات اعتراضی و آوارگان در مناطق مختلف و متقابلا افزایش حملات سرکوبگرانه دشمن در کردستان و حمله به مجاهدین و مقاومت توده‌ها و نیروهای انقلابی در برابر این حملات و یورش - های ارتجاعی تاییدی است بر صحت تحلیل ما و بیان نکردیم موکراسی طبیعی توده‌ها ، کاشش شدید توهّم آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد گسترش باز هم بیشتر جنبش توده‌ای .

اکنون با دیدن تاشیر بلا واسطه این رشد و گسترش جنبش توده‌ای چه تغییراتی را در "بالا" و سیاستهای هیئت حاکمه نسبت به این جنبش بوجود می آورد و از آن میان کمونیستها با بدجه برخوردی با این سیاستها اتخاذ کنند . قانسون مبارزه طبقاتی به دشمن آموخته است که در برابر مقاومت و رشد گسترش جنبش توده‌ای جا ره‌ای جز بکا بردن چماق سرکوب توده‌ها ندارد و ایمن قاعده است که در تمام طول تاریخ مبارزه طبقاتی و در مورد تما می رژیمهای ارتجاعی مصداق داشته است و استثناء بردا رهم نیست . اما نکته اساسی ای که با دیدن این قانومندی و قاعده عمومی افزودن است که سرکوب همواره بیک شکل و شیوه و بیک درجه صورت نمی گیرد و این بستگی به سطح جنبش توده‌ای از یک سو و درجه وحدت و انسجام درونی دشمن و میزان قدرت او در سرکوب این جنبش از سوی دیگر دارد .

وجود بحران اقتصادی و فشار روزافزون جنبش توده‌ای ، تاشیر بلا واسطه خود را در "بالا" میگذارد و بحران در "بالا" را موجب میشود . با این ترتیب که جناحهای هیئت حاکمه ، علی‌رغم تما می جنبه‌های وحدتشان در سرکوب جنبش و حفظ و تثبیت حیات کل سیستم ، در برخورد با بحران عظیمی که آنها را فرا گرفته و اتخاذ راه - حلها و شیوه‌های مختلف فائق آمدن برای این بحران و سرکوب جنبش توده‌ای ، دچار اختلاف گردیده و بجان یکدیگر میافتند و این - - - - - تکاف میان آنها را عمیق و عمیق تر میکنند .

تا تیر متقابل بحران با نشین و بالا بر روی یکدیگر ، اتخاذ شیوه و سیاست متضاد را از سوی هیئت حاکمه موجب میشود : سیاست سرکوب جنبش توده‌ای (بعنوان شیوه اصلی) و در عین حال سیاست عقب نشینی محدود در برابر فشار روز -

افزون با نشین (بعنوان شیوه فرعی) ، طبیعی است که تما یل حکومت کنندگان جمهوری اسلامی همواره بر روی سیاست سرکوب دور میزند و ایمن ناشی از ما هیئت ضد خلقی و ناشی آنها از با سخگوشی به اساسی ترین خواستهای توده‌ها است ، لیکن اتخاذ این سیاست ، تنها زمند - سر - خورداری از قدرت متمرکز و فشرده ، ثبات و وحدت درونی هیئت حاکمه ، یعنی همان چیزی است که هم اکنون رژیم از آن برخوردار نیست و از اینرو ناگزیرا زتن دادن به سیاست عقب نشینی هر چند محدود در برابر فشار جنبش توده‌ای و بغا طر آرایش چهره گریه و سرکوبگرانه خود و جلوگیری از جدت یا بی تضادها و رانده شدن توده‌ها بسمت انقلاب قطعی است .

رژیم جمهوری اسلامی در همان زمان که از طریق وزارت کشور اعلام میدارد که "هرگونه راهپیمایی و تحمّن و اعتصاب بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفین را به داذگاه انقلاب معرفی و با توجه به مقررات زمان جنگ با آنها رفتار خواهد شد" (مطبوعات ۴ دیماه) و با امام جمعه تهران در خطبه نماز جمعه اش و بدنبال حمله نیروهای ارتجاعی و عوامل رژیم به دفتر مجاهدین ، نیرو - های انقلابی را با دنا سزا میگیرد و در شرایطی که ارتش و پاسداران در کردستان و دیگر مناطق کشور به سرکوب جنبش توده‌ای و کشتار توده‌ها و انقلابیون می پردازد تحت فشار جنبش توده‌ای ، ناگزیرا از تشکیل "هیئت بررسی شکنجه" و کنا رگذا شتن خلخالی جلا و چشمک زدن به مجاهدین و کوشش برای کنا ندن آنها بزرگ پرچم خود (✱) و سایر اقداماتی از این قبیل بوده است و هما نظور که در عمل نیز شا هد بوده - ایم ، رژیم در مقابل ما با شرایط شروع جنگ ایران و عراق ، قدرت و توانائی خود را در سرکوب و تشدید و اعاب و خفقان و بقول خودش اجبرای مقررات زمان جنگ از دست داده است .

روشن است که کمونیستها را ستین بسر خلاف رویزیونیستها و پورتونیستها به اختلافات درونی هیئت حاکمه و عقب نشینی های آن دل نبسته اند و حتی یک لحظه تضاد شتی نا پذیر خود را رژیم حاکم و مبارزه با آنها از یاد ندیده و نخواهند برد ، اما این بدان معنی نیست که کمونیستها ، این سالها را ندیده گرفته و از آن همچون بسیار مسائل دیگر بجا نا کتیکسی استفاده نکنند . بالعکس ، این وظیفه کمونیست ها است که از همین شکاف و اختلافات درونی هیئت حاکمه و از همین نا توانی و عقب نشینی ناشی که رژیم تحت فشار جنبش توده‌ای مجبور به انجام آنست ، حدا کثرا استفاده را نموده و با اتخاذ شیوه‌ها و تاکتیکهای جدیدی متناسب با شرایط حاضر و بویژه در ارتسلیخ و ترویج و افشاگری سیاسی و رهبری مبارزات توده‌ای ، بعد جدیدی به این فعالیت داده و مهر جنبش کمونیستی و

دموکراسیسم بیرونی را بر جنبش او ج - کیرنده توده‌ها بزنند .

در این رابطه ضروری است کلیه اعضا و هواداران دور و نزدیک سا زمان با استفاده هر چه بیشتر از شرایط و امکانات علنی و با یک حرکت گسترده و در عین حال تهاجمی ، نه تنها در کارخانه و روستا ویا مدرسه و اداره ، بلکه در هر محله و خیابان و بویژه در هر کجا که زحمتکشان حضور دارند ، اقدام به توضیح مواضع سا زمان ، تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراسی و افشای هیئت حاکمه و جریانات انحرافی رویزیونیستی و غیر آن در میان توده‌ها و در همین رابطه سا زماندهی و رهبری مبارزات آنها نمایند .

در این رابطه ضروری است رفقای هوا دار که تا کنون بدلیل شرایط جنگی ، قادیبه فسروش علنی نشیات و با بجا دسات در سراسر راهپیمایی و میا دین نبودند ، تحت هدایت مسئولین خود و رعایت تما می جنبه‌های تاکتیکی این فعالیت خود را از سر گرفته و میا به بیکهای انقلاب ، وظیفه فروش نشیات ، بخش اعلامیه و بوستر ، توضیح ایدئولوژی و سیاست کمونیستها ، دفاع از خط مشی و مواضع سا زمان و افشای هیئت حاکمه و جریانات انحرافی را بردوش گیرند .

در این رابطه ضروری است که رفقا با شرکت در تجمعاتی که بخصوص در مناطق شلوغ و توده‌ای شهران و شهرستانها حول بحث درباره مسائل جنبش موقعیت هیئت حاکمه و . . . تشکیل میشود به افشای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج مواضع سا زمان بپردازد و زنده در صورت امکان و مناسبت بودن شرایط دست به تظاهرات موضعی و محدود زده و با طرح شعارهای مناسب و بموقع رهبری آنها بدست گیرند .

رفقا! بگوئیم در شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه را احاطه کرده و او را در برابر رشد جنبش توده‌ای و فشار عظیم ناشی از آن بسنه نا توانی و ضعف کنا نده است ، و در شرایطی که جناحهای هیئت حاکمه و دیگر آلترنا تیوهای ارتجاعی میگویند ، به سرکوب و یا فریب توده‌ها برداخته و مانع از رشد گسترش انقلاب شوند - با استفاده از تما می امکانات موجود ، آلترنا تیو کمونیستی و بیرونی را بحمان توده‌ها و در رشد و تعمیق تما بیلات دموکراسی تیک توده‌ها و مبارزه با آلترنا تیوهای ارتجاعی و نا بگیری و در همین رابطه سا زماندهی و رهبری مبارزات توده‌ای لحظه‌ای درنگ نکنیم .

(✱) - مراجعه کنید به متن ما حبه خیر آیت الله منتظری ویا داذشتهای سیاسی در همین شماره پیکار

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشویم

جنبش کارگری



راهپیمائی و اجتماع پیش از ۲۰۰۰ کارگر مناطق جنگ زده در تهران

۳ - روز شنبه ۹/۲۹ کارگران بندر خم شهر (قسمت تخلیه و گمرک)، بعد از مدتها که درخواست سه ماهه حقوق به تعویق افتاده شان را کرده و نتیجه ای نگرفته بودند، به تهران آمدند. آنها ابتدا به اداره بنا در وکشتیرانی مراجعه میکنند و بعد از آنکه نتیجه ای عایدشان نمیشود، به وزارت کار مراجعه میکنند. کارگران که حدود ۲۰۰۰ نفر بودند، با بی توجهی مقامات وزارت کار مواجه میشوند. بنا بر این تصمیم میگیرند نزد نخست وزیر بزنند و لذا بصورت دستجمعی بسمت نخست وزیر راهپیمایی میکنند. بعد از رسیدن به آنجا مسئولان نخست وزیری سعی میکنند طبق معمول کارگران را سردوانده و متفرق کنند. اما زمانیکه با اراده استوار کارگران که تحت فشار ناشی از نبرد اخراج حقوقشان، از جنوب به تهران آمده اند، مواجه میگرددند، موافقت میکنند که چند تن از کارگران به نما بندگی از بقیه بداخل ساختمان بروند. اما نخست وزیر از پذیرفتن کارگران خودداری کرده و شخص دیگری را برای صحبت نزد نمایندگان میفرستند. هنگامیکه این امر با اطلاع کارگران میرسانند چشم کارگران برانگیخته شده و یک ربع به نخست وزیر وقت میدهند که اگر آنها را نپذیرد بزور وارد ساختمان خواهد شد. بنا بر این مقامات مجبور میشوند کارگران را بپذیرند و با آنها میگویند پول ندادیم و بروید ۱۵ روز دیگر بیاید!

بدنبال سردواندهای رژیم کارگران بندر
بقیه در صفحه ۲۵

هسته های مقاومت، چماقی برای سرکوب کارگران!

کارگران وادیت و آزار کارگران مبارز می برداخت، رژیم شاه همچون طرحهایی چون "طرح تا مین داخلی و پدافندی" را نیز بمنظور تسلط هر چه بیشتر بر کارخانجات و سرکوب کارگران به موردا اجرا میگذاشت. حال رژیم جمهوری اسلامی که در تمام زمینه های سرکوب درصداست تا روی رژیم چنانیتکا رشا هرا سفید کند، در نظر دارد تا از طریق تشکیل هسته هایی از کارگران و کارکنان نا آگاه، همان کارسواک را در کارخانجات جات آنجا مدهد. رهبران حزب جمهوری اسلامی که در غم افزایش تولید کارخانجات نشسته اند، بمنظور سرکوبی مبارزات کارگران که سود سرما بدهد ان را کم میکنند، چنین طرح ضد کارگری را به دولت پیشنهاد کرده اند و خود دست به سازمان - دهی آن زده اند.

"هسته های مقاومت" که وظیفه دفاع از منافع سرما بدهد ان را بعهده دارند، همچون دسته های شبه نظامی در کارخانه ها عمل کرده و وظیفه دارند هرگونه اعتراضی حق طلبانه ای را تحت عنوان بقیه در صفحه ۲۴

حزب جمهوری اسلامی که یکی از جناحهای رژیم را تشکیل میدهد، بدنبال کسب قدرت در اغلب ارگانهای دولتی بمنظور نفوذ در کارخانه ها و کنترول آنها، طرحی را مبنی بر تشکیل "هسته های مقاومت" در کارخانه ها، بموردا اجرا گذاشته است. بهشتی رهبر حزب در جلساتی که او در شهر بیرو و اوایل مهر امسال در کارخانه کارگران از مسئولین سپاه پاسداران و اعضای انجمنهای اسلامی تشکیل شده بود، طی سخنرانی خود اهداف این هسته ها را بیان کرد. حال ببینیم این دایره دست سرکوبگر چه خوابی برای کارگران دیده اند.

رژیمهای سرمایه داری برای حفظ حاکمیت خود و ادامه استثمای طبقه سرمایه دار، همواره به نیروهای مسلح و سرکوبگر خویش متکی هستند. این نیروها اشکال مختلفی دارند. مثلا رژیم شاهخان علاوه بر ارتش، پلیس و ژاندارمری، ساواک جهنمی را بوجود آورده بود که به شنا سایی افراد مبارز و تعقیب و شکنجه آنها می پرداخت. بیاد داری که چگونه شعبه ساواک در کارخانجات تحت عنوان "اداره حفاظت" به سرکوب مبارزات

انجمن اسلامی کارخانه ماشین سازی چه میکند

اما امروز:

۳ - انجمن اسلامی سنگ منافع کارگران را به سینه میزند و با طریقه "اصطلاح منافع کارگران" وضعیت کارخانه به "حسن صدر" نامه مینویسد.

۳ - انجمن اسلامی شروع به افشای ماهیت غلامرضا ثابت میکنند و دعا مینمایند که نقشی در انتصاب مدیران نداشته است.

ما میگوئیم

کدامش را باور کنیم؟! ولی ما ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و انجمن اسلامی را خوب میشناسیم و خوب میدانیم که اعمال فعلی آنها برای فریب کارگران و پوشاندن رسوایی شان میباشد. رسوایی که بخوبی چهره ضد کارگری انجمن اسلامی و ربا با نشان رانمایان میسازد عده ای از کارگران مبارز ماشین سازی تبریز (۵۹۹/۲۲)

کارگران مبارز!

دیروز:

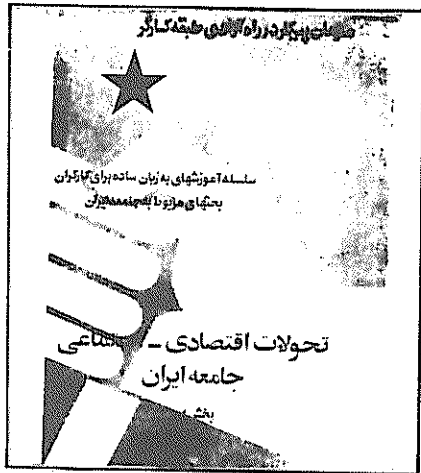
جمهوری اسلامی بر علیه شورای کارکنان ماشین سازی توطئه می چید و آنرا آمریکائی و ضد انقلابی مینامید و خواهان اداره امور کارخانه بدست مدیران و مسئولین انتصابی رژیم بود.

۳ - انجمن اسلامی غلامرضا ثابت را برادر ثابت خطاب میکرد و وی را بیرو خط اما میدانست.

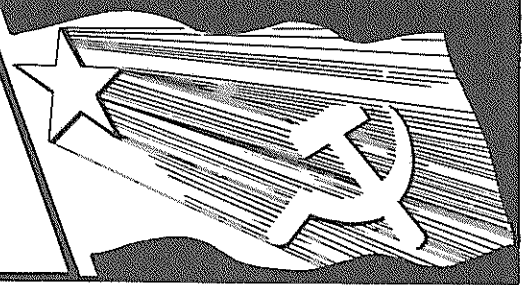
۳ - انجمن اسلامی هنگامیکه ثابت بخاطر خواستش ۱۸۰۰۰ تومان حقوق ماهانه کارخانه را ترک گفت، بیخ طراپیکه به اصطلاح "نیروهای ضد انقلاب" از این موضوع برای افشای ماهیت ثابت و رژیم ستفاده نکنند، خواستار بازگشت وی بسمت مدیریت بود.

۳ - انجمن اسلامی مدیرانی چون هاشمی، نادری، محبوب را انتصاب مینمود.

منتشر شد:



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های

تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۱۱)

ب- مشخصات تبلیغ

۷- تبلیغ، تعرضی است

در قانون چهارم تبلیغ (پیگار ۸۳) گفتیم، بیان حقایق، اصل اساسی تبلیغ است و گفتیم این مسئله ریشه در منافع تاریخی توده‌ها دارد. اما بیان حقیقت خود محتاج سبک بیکارانه جویانه است. حقیقت نرسولرزان نیست، حقیقت شجاع و ویران کننده دنیای کهن است. کسی که حقیقت را بیان میدارد، در واقع، "به کهنه" و "نظام پوسیده" تعرض میکند. این تعرض برای ارتقاء احساسات و روحیات توده‌ها ضروری است. بیان حقیقت چون بنگ آنچه را که با منافع تاریخی توده‌ها در تضاد است، افند، ویران میکند. جاقوی تیزی است که تضادها را میشکند و با هیبت و قوانین آنرا عریان میکند. ما ثوبه شیواشی در لژیوم سبک پیکار جویانه و تعرضی میگوید:

"از آنجا که ما میخواهیم شناخت حقیقت را به خلق بیاوریم و او را به مبارزه با خراطیر رها نشی خوبش برانگیزیم، به چنین سبک بیکار جویانه‌ای نیاز مندیم. جاقوی کند خون نمی ریزد." (۱) (تا کیدا زماست؟) تنها کسی سبک بیکار جویانه در تبلیغ را قبول ندارد که بیان صریح حقایق با منافع طبقاتی اش در تضاد است. رویزیونیستها خواهان آنچنان تبلیغی هستند که به نظام کهنه طبقاتی بورژوازی و بیروجرمانه بورژوازی را در هر لباسی (و از جمله رویزیونیسم) رسوا سازد، آنها مخالف تعرض تبلیغی به منظور افشای صریح و بلا واسطه ارتجاع هستند و میگویند: "سازمان خونی از ارتجاع ریخته نشود"، برشت در مورد تبلیغ رویزیونیستها ویا جریانی که دارای گرایشات نیرومند رویزیونیستی هستند میگوید:

"معمولاً لحن کلام کاملاً ملایم و شوکه آمیز است لحن کسانی که از ارتجان به مورچه هم نمی رسد، کسی که چنین مداخلاتی را پیشوند، اگر در بدبختی باشد، باز هم بدبخت تر خواهد شد. این زبان کسانی است که شاید دشمنان نشانند، اما بی شک همزمان مبارزه همسم نیستند. حقیقت رزمجوست..." (۲)

(۱) - ما تو، منتخب آنار، جلد چهارم، گفتگوی

هیئت تحریریه چین سری زینا تو

توده‌ها، به شکوه و کلابه، خواهش و تمنا از او می بردازند. آنارشیستها، تعرض را با ارباب اشتباه میگیرند و بجای بورژوازی تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تنها دودوهار راه می اندازند. شیوه ارباب نه کوشش برای بیان حقایق بلکه همانطور که ما شوم میگوید: "مرفا برای بستن دهان دیگران" و "پیروزمند به قمریا زگشتن است" درست است که با یستی به "مبارزه بی امان" و "حمله بی رحمانه" به دشمنان توده‌ها زد. اما این مطلقاً بمعنای ژست ارباب بخودگرفتن نیست. تعرض بیرحمانه میگوید ما با استلال و شیوه ای منطقی میگوید. ما ثودرباره‌نا درستی شیوه ارباب میگوید:

ساختیم و در این راه از سبکی کوبنده، گزنده و تعرضی سود جستیم، (البته میزان تعرض بستگی به سطح جنبش توده نیز دارد) آنگاه نتیجتاً هر دشمنی به دشمن برای توده‌ها گوارا خواهد بود

ج- انواع تبلیغ

هنگامی که از انواع تبلیغ سخن گفتیم میشود، طبیعی است که فوراً تقسیم بندی تبلیغ بدو نوع کتبی و شفاهی بذهن تداعی میشود. ماضین توضیح خلاصه این تقسیم بندی، به شرح انواع تبلیغ بر اساس چهار قانون تبلیغ میپردازیم تقسیم بندی تبلیغ بر اساس شکل آن، الف: تبلیغات شفاهی: سخنرانی، میتینگ، بحثهای چند نفره، سینما تلویزیون از انواع تیبیک تبلیغ شفاهی به شمار میآید. ب: تبلیغات کتبی: تراکت که تبلیغی ترین نوع تبلیغ کتبی به شمار می آید، (بخاطر قابلیت نفوذ در توده‌های گسترده)، اعلامیه، نشریات و جزوات تبلیغی، طرحها و نمايشگاهها عکس، آثار رهبری، ادبیات، داستان، شعر و... نیز از انواع تیبیک تبلیغ کتبی محسوب می شود. تبلیغ شفاهی بخاطر رابطه زنده و رودررویی که با توده‌ها ایجاد میکند، دارای تاثیر تبلیغی بیشتری است. اما گذشته از این انواع کاملاً

اگر رویزیونیستها، بجای تعرض به دشمنان توده‌ها، به شکوه و کلابه، خواهش و تمنا از او می بردازند، آنارشیستها، تعرض را با ارباب اشتباه میگیرند و بجای بورژوازی تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تنها دودوهار راه می اندازند.

چنین شیوه‌ای در باره هیچکس قابل تأکید نیست، زیرا که این تاکتیک ارباب در دشمن بکلی بی تاثیر است، و در باره رفتاری خود نیز جز زیان هیچ حاصلی ندارد. این تاکتیک است که طبقات استثماری زکسر و لمین پرولتاریا بر سیل عادت بکار می بردند، اما پرولتاریا احتیاجی به آن ندارد، برنده ترین و موثرترین سلاح برای پرولتاریا هیچ چیز دیگری بجز روش علمی جدی و بیکار جویانه نخواهد شد. حیات حزب کمونیست نه بر پایه ارباب بلکه بر اساس حقیقت مارکسیسم - لنینیسم، بر اساس جستجوی حقیقت از میان واقعیت و بر اساس علم و دانش استوار است. (۳)

و اتفاقاً بزرگترین ارباب بورژوازی، افشای تعرضی و بیان بیکار جویانه حقیقت است چرا که در غیر این صورت بورژوازی بطور منطقی افشا نمیگردد و در نتیجه از زیر تیغ حمله کوبنده پرولتاریا در امان میماند، البته هنگامیکه از نادرستی شیوه ارباب در تبلیغ سخن میگوئیم، به آن معنائست که به دشمنان توده‌ها دشنام نمیدهیم، بلکه این دشنام بایستی به همراه برخورد منطقی و استدلالی صورت گیرد، هنگامیکه با بیانی اصولی دشمن را افشا و رسوا

شناخته شده تبلیغ، با یستی به تقسیم بندی تبلیغ بر اساس قوانین تبلیغ پرداخت

۱- انواع تبلیغ بر اساس روحیات و سطح جنبش توده‌ها

در قانون اول تبلیغ گفتیم که با یستی روحیات و غیرا نیز توده‌ها را که در دورانیهای مختلف (رکود، اعتلا، موقعیت انقلابی) تغییرات چشمگیر میکند، بحساب آورد، این مسئله نه تنها در محتوا و شکل تبلیغ تاثیر اساسی خود را میگذارد، بلکه انواع متفاوت تبلیغ را نیز می طلبد، در دوران رکود، تبلیغات عمدتاً از طریق شبنا مه‌ها (تراکت) و اعلامیه و نشریات و بحثهای محدود انجام میگیرد، با وجگیری جنبش توده‌ها و غلبان احساسات انقلابی، این انواع تبلیغ، تحت الشعاع انواع بسیار اهمیت دیگر قرار میگیرد، سخنرانیها و بحثهایی با تعداد بسیار زیاد و بخصوص نظاهرات توده‌ای با شعارهای سیاسی، چنان تاثیر تبلیغی برجای میگذارد که دیگر انواع تبلیغ بهیچوجه نمیتوانند چنین تاثیر را داشته باشند. برای مثال نظاهرات توده‌ای بعد از اعتلا سال ۵۶، هر بار توده‌های بیشتری همراه میشد و چنان تاثیر تبلیغی می بخشید که هیچ چیز دیگری نمیتوانست جایگزین آن گردد. شعارهای انقلابی توسط این نوع

(۲) - برشت - پنج شکل درکشن حقیقت

(۳) - مائو - مبارزه علیه سبک الکوساری در حزب

خلق ها و مسئله ملی



مقابله مسلحانه زحمتکشان سروستان با ضد خلق

متن زیر گزارش مختصری است از مقاومت قهرمانانه مردم روستای "سیدآباد"، "لاچین" و "ایندرقاش" (که همین چندی قبل ۳۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند.) این گزارش بیا نگر تسلیم نا پذیری و اراده خلل ناپذیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیر یوغ هرگونه ستم و استعمار است.

جریان واقعی به این ترتیب بود که در روز ۵۹/۹/۱۳ ساعت ۸ صبح ستونهای اذنیروهای ارتشی، پاسداران و جاسوسان برای به اصطلاح "پاک سازی" و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم روستا از آنها با دبطرف دهات "سیدآباد"، "لاچین" و "ایندرقاش" حرکت کردند. ولی در هر روستا با مقاومت دلیرانه و یکپارچه مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند در این درگیری ها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجام میداد مردم قهرمانانه به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم نه تنها نتوانستند وارد روستاها شوند بلکه با دادن تلفات زیاد مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق نتوان از در هم شکستن اراده مردم و پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره زتیه "داشامجید" (تیه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر، ۳ خانه مسکونی را در محله "مجبورآباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مهاباد مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق بانیهروهای سرکوبگر رژیم شش نفر ارتشی به هلاکت رسیدند و یک پیشمرک دمکرات بنام "مصطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرک و ۲ نفر از اهالی سیدآباد در زخمی گردیدند. (به نقل از پیکار کردستان شماره ۳)

فاتوهای جمهوری اسلامی دهات سردشت را با ناپالم بمباران کردند

۵۹/۹/۶ - ساعت ۹ صبح دوفوتدفا نتو م جمهوری اسلامی بر فراز آسمان روستای میرثاوی - سردشت ظاهرا گشته و بعد از یک ما نورچهار بمب ناپالم بر روستای "بیلوک" و اطراف آن فرو ریختند، که در نتیجه آن دود غلیظی آسمان منطقه بقیه در صفحه ۸

مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزال همه خلقهای ایران امکانپذیر میدانند. (به نقل از پیکار کردستان شماره ۳)

دو سیاست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد سیاست حزب دمکرات دفاع از مالکان است

کرد در ارتجاع حاکم را از دیدگاه تا مین منافع طبقه کارگران و پیوند جنبش مقاومت با جنبش خلقهای سراسر ایران ارزیابی میکند، سیاستی که بر اساس ماهیت انقلابی خود مخالف هرگونه سازش با نیروها و رژیمهای ارتجاعی میباشد و تنها به توده های خلق اتکا مینماید.

۲- سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی که متکی بر ناسونا لیس بورژوازی بوده و برای تحقق خواسته های بورژوازی و ضد انقلابی خود حتی سازش با جلادان خلق کرد را نیز مجاز می داند. این سیاست در طی دو سال اخیر جنبش خلق کرد، مستقیم و غیر مستقیم بر خلق کردها ریزه زده است. کوشش های خائنانانه حزب دمکرات (که سرمدار این جریان است) در جهت سازش با رژیم بعث عراق نمونه بارز این سیاست ضد انقلابی میباشد.

بقیه در صفحه ۸

۱- اما به جنبش مقاومت خلق کرد تا پیروزی آن نیا زمند وجود یک مشی انقلابی و پیگیری است که بتواند مقاومت انقلابی توده های زحمتکش شهری و دهقانان ستم دیده روستاها را در استان رابراساس سیاستی انقلابی سازمان داده و پیش ببرد. اگر جنبش مقاومت خلق کرد، با وجود فرازونشیبها بی دروند حرکت خود تا بحال دوام آورده و به دستاوردهای ارزنده ای نیز تا بیل شده است بعلت حاکمیت مشی انقلابی و پیگیری است که توسط سازمانهای انقلابی خلق در حرکت بخش وسیعی از توده های زحمتکش خلق کرد متبلور است. اما با وجود این، طی دو سال گذشته همواره دو سیاست متفاوت در قبال جنبش مقاومت خلق کرد وجود داشته است:

۱- سیاست انقلابی که بیا نگر اساسی ترین خواسته های برحق خلق کرد بوده و پیروزی خلق

حملات گسترده پیشمرگان کومله به مزدوران رزگاری

ما در اینها یاد پیشمرگان شهید رفقا علی گلچینی صالح بوربوری و علی قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لوث وجود مزدوران وابسته به بعثت بشهادت رسیدند نگار می میداریم.

ما ضمن پشتیبانی از اقدامات انقلابی رفقای کومله در خلق سلاح و نایبودی مزدوران رزگاری معتقدیم عملیات سازمان یافته کومله بر علیه سپاه رزگاری که با پشتیبانی سرمد منطقه مواجه شدند نشاندهنده، ضدیت و دشمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. بعلاوه این اقدامات نشان میدهد که خلق کرد به هیچوجه وجود مزدوران و وابستگان به بعثت و اصولا هر نیرویی که بخواهد در این جهت قدم بردارد و جنبش مقاومت را به وجه الممالحه منافع ضد انقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی کند و قاطعانه آنها را طرد و نابود میسازد و جنبش مقاومت خلق کرد مبارزه ای عادلانه بوده و با هرگونه وابستگی مبارزه خواهد کرد خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروزی

در هفته های آخر با نماه پیشمرگان قهرمان کومله طی یک سری عملیات منظم، سپاه مزدور رزگاری را از بخشی از منطقه "ژاورو" (هورامان) یا اورامانات بیرون رانده منطقه را از وجود آنان پاک ساختند در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رزگاری خلق شده و دوتن از مسئولان آنان بنامهای "شیخ شهاب" و "شیخ رضوان" دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم به رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند آخرین عملیات پیشمرگان کومله علیه مزدوران رزگاری در تاریخ ۵۹/۸/۲۸ و ۵۹/۹/۳ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای "دهل" تسخیر شد و عده زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگه کومله در سنج رفیق علی گلچینی بنام سازمانی "ملاح..." و همرزمش کاک صالح بوربوری بشهادت رسیدند و خون خود را و شیشه پیروزی خلق کرد و همه خلقهای ایران ساختند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ **دو سیاست**

افشا و طرد ما هیت، سیاست، عملکرد دو کلیه حرکات جریان سازشکاری که میکوشد جنبش مقاومت را به انحراف و شکست بکشانند، از ضرورت‌های اولیه تعمیق جنبش مقاومت و پیشبرد آن است و بدون آن جنبش مقاومت خلق کرد نمی‌تواند تا پیروزی کامل بطور استوار به پیش رود. سیاست حزب دموکرات سیاست سازش است، چرا که مشی این حزب مبتنی بر دفاع و حمایت از مئودالها و مالکان میباید. حزب دموکرات بارها با اقدامات نیروهای انقلابی و دهقانان زحمتکش در مداره زمینهای مالکان و فئودالها تدبیرا مخالفت ورزیده است. سیاست فئودالی حزب دموکرات در دفاع از مالکان از سویی و سیاست‌های سازشکارانه و فئودالی او در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی و در جهت سازش با آن و زیر پا گذاشتن منافع اساسی خلق کرد از سویی دیگر، همواره توسط نیروهای کمونیست و انقلابی افشا شده است. بهمین خاطر بدنبال حضور فعال نیروهای کمونیستی، بویژه کومله و سازمان مادر کردستان، حزب دموکرات به دشمنی با آنان برخاسته و از هرگونه تبلیغ بر علیه آنها دریغ نورزیده است. دشمنی حزب با نیروهای انقلابی وقتی اوج میگردد که این نیروها به اقتضای خواسته‌های توده‌های دهقانان در روستاها، به مصاف در انقلاب زمینها و اموال مالکین و فئودالها و تقسیم و واگذاری آنها به دهقانان و یاشورا‌های دهقانی موجود در منطقه دست میزنند. طبیعی است که چنین اعمالی نمی‌تواند مورد خوشایند حزب دموکرات مالکین و فئودالهای منطقه بوده باشد! اخیرا نیز حزب دموکرات طی اقداماتی به محدود کردن فعالیت نیروهای انقلابی در انجام امور اجرایی نظیر مصافحه و تقسیم زمین برآمده است. خلق سلاح پیشمرگان برخی از نیروها از جمله این اقدامات بود. بیگانه کردستان در سوسیسم شماره خود طی مقاله‌ای به بررسی این عملکرد حزب دموکرات پرداخته است. بعلمت با رافشاگرانه این مقاله ما آنرا در اینجا می‌آوریم:

اخیرا "حزب دموکرات" در روستای "عزیزکنند" دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه‌کارگر" زد. بعد از این اقدام "حزب دموکرات" در اعلامیه‌ای بتاريخ ۵۹/۸/۲۲ به امضای تشکیلات مها باد خود، اخطار کرد که: "بعد از این اقدامات اجرایی کلیه سازمانها و گروهها و افراد متفرقه... جلوگیری خواهد کرد."

عمل حزب دموکرات و اطلاعیه‌ای که بدنبال آن صادر کرده است بیانشگرانه واقعیت است که حزب از مبارزه طبقاتی و آگاهی‌شده‌ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود به وحشت و هراس افتاده است. حزب دموکرات در روستای

"عزیزکنند" به این بهانه دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه‌کارگر" زده است که آنها در مداره زمینهای ارباب ده‌به‌توده‌های روستای مذکور، کمک کرده‌اند، اطلاعیه بعدی و تهدید و "خط و نشان" کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با توده‌هاست حقیقت این است که حزب دموکرات که "رسالت" دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران را بر عهده دارد، قائل است، نمی‌تواند شا هدا و ج گیری مبارزه طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه نیک میدانند اوج گیری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود "حزب" را به خطر می‌اندازد و توده‌ها را نسبت به این حزب، کسه امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ما هیت حقیقی خویش را پنهان کرده است، خواهد ریخت. از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و "قدر قدرتی" در کردستان پنهان نکند و در اطلاعیه مینویسد: "هیچ اقدامی جز با اجازه یا مشورت حزب دموکرات کردستان ایران مشروعیت اجرایی (!؟) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجال انگیز و مخالفت با مفاد این اعلامیه، بعهده فرد یا سازمان عمل کننده خواهد بود." این ترتیب حزب دموکرات سیاست خود را در قبال توده‌ها و نیروهای انقلابی بصراحت مینویسد: توده‌ها حق ندارند به مبارزه طبقاتی بپردازند! (۱) و در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مصافحه اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالها خون آنها را در شیشه ریخته‌اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نمونه‌ای از سلسله زور - کوششها و اجفاتی است که بر توده‌های خلسق کرد و بویژه بر زحمتکشان روا میدارد "سیستم مالیات گیری" حزب که با آزادیت توده‌های فقیر روستاها، اعمال میشود، و آنها را و میدارد تا به ازاء هر خرید و فروش به حزب "مالیات" و باج بپردازند، امروز در بسیاری از نقاط کردستان که حزب حضور دارد، بصورت یک امر عادی درآمد است (در منطقه شنویه و سردشت بویژه بعد از این زور کوششها بسیار شدید است) لیکن حزب با این اعمال خود، "تیشه به ریشه خود میزند، چه توده‌های انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند، مبارزه خلق کرد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه‌ای است در جهت نابودی ستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها و وظیفه دارند که مبارزه توده‌های خلق کرد را ارتقا داده، سمت و سوی طبقاتی به مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و هیچ نیروئی قادر

نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود، حزب دموکرات نیز بسپه‌توده میکوشد که با تهدید خلق سلاح و سیاست تهدید و ارباب، نیروهای انقلابی کمونیست را از این مهم‌ها زدارد. حزب در کوشه دیگری از اطلاعیه فوق می‌نویسد: "سازمانها و گروههای سیاسی در انجام فعالیت‌های سیاسی خود کاملاً آزادند (؟) و حزب دموکرات کردستان از تمام آزادیهای دموکراتیک دفاع خواهد نمود، اما مصافحه اموال و دارائیهای مردم، از قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دموکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایجا دتفرقه و آشوب در صفوف خلق به حساب می‌آورد."

مضحک است اینطور نیست؟ حزب دموکرات از یکطرف خود را مدافع "آزادیهای دموکراتیک" می‌خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می‌کند، که حق ندارند، به توده‌ها در احقاق حقوقشان یاری رسانند. این "دمکرات مآبی" حزب داشته‌ها شده، بیانشگرانه نشان از "دمکراسی" جمهوری اسلامی نیز همین حرف را به انقلابیون و کمونیستها میزند: "آزادی بشری که تنها آن عملی را انجام میدهد که من میگویم، واقعیت این است که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میگذرد، مبارزه طبقاتی نیز به موازات مبارزه علیه رژیم به پیش میرود. هر چه مبارزه وسیع تر شده و عمق بیشتری بیابد، حزب به ناگزیر به مقابله بیشتری در برابر توده‌ها کشیده خواهد شد. نتیجه عملی آن نیز از هم-اکنون روشن است: ارتقا سطح آگاهی و مبارزاتی توده‌ها، رشد نیروهای انقلابی و انفرادی حزب دموکرات، تصور این نتیجه‌سرای حزب، وی را به این فکر انداخته است که از سر نوشت محتوم خود جلوگیری، اما با ادعای "حزب فراگیر" بودن می‌تواند ناجی حزب باشد؟

سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میداند که عمل خلق سلاح پیشمرگان "راه‌کارگر" توسط حزب دموکرات را محکوم کرده (۲) و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشاء ما هیت و عملکردهای حزب دموکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع توده‌ها و انقلاب دفاع کرده، دستاوردهای جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقا دهند.

(۳) - لازم به توضیح است که محکوم کردن خلق سلاح پیشمرگان "راه‌کارگر" توسط حزب دموکرات نمی‌تواند به معنی دفاع از نظریات "راه‌کارگر" و آن سیاستی باشد که "راه‌کارگر" نسبت به جنبش مقاومت را ارائه میدهد و سرانجامش جز آشتی طبقاتی و اجتناب از مبارزه نیست.

پیروزیاد جنبش مقاومت خلق کرد

رؤییم جمهوری اسلامی بادهان به آمریکا فحش میدهد و بادست از او اسلحه می گیرد!

متخصصین قسمتهای مختلف به بوشهرا عزام شدند تا هریک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند. خبر سوم

هوایما های جا مویجت نظامی نیروی هوایی که مخصوص محموله های نظامی است را آرم " هوا - پیما ئی ملی ایران - هما " که مخصوص حمل مسافراست زده اند و مدتی است این هوا پیما های ظاهرا مسافربری از کره جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکنند. قیمت این محموله های نظامی که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود گاه به ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هوایما ئی ملی ایران - هما نیز تعدادی هوایما ی جا مویجت (بوشینگ ۲۴۷) در اختیار دارد، ولی رؤییم جمهوری اسلامی بنا تغییر آرم هوایما های نظامی خود روابط با آمریکا و خرید سلاح از آن را برده پوشی مینماید. این اخبار موشق گوشه ای از واقعیات درون ارتش شاه ساخته و یک شبه "مسلمان و مکتبی" شده و افشای میسازد و نشان میدهد که ارتش ابزار سرکوب و چماقی است که بوسیله رؤییم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان به کار میرود.

حالا به این دو سند توجه کنید که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) قبلاً منتشر شده است. یک سند مربوط به خرید سلاح آمریکا و تحویل آن به بندر خمینی و سند دیگر مربوط به استخدام مستشاران از آمریکا است انگلیس.

محموله شان نوشته شده بود Made in U.S.A (ساخت آمریکا) و در پیگا شماره ۸۶ تحت عنوان امپریا - لیس آمریکا به رؤییم جمهوری اسلامی اسلحه میدهد:

" هوایما ی ۷۰۷ به شماره پرواز ۱۷۱۴ که در تاریخ ۵۹/۹/۹ به مقصد ما درید (با بیخست اسپانیا) پرواز نموده بود در تاریخ ۵۹/۹/۱۰ ساعت ۴ و سی و پنج دقیقه به تهران مراجعت می نماید. این هوایما جیبه های راکه حامل موتورجت های جنگنده فانتوم و لوزامیدکی هوایما های آمریکا ۴ و ۴ بودنده تهران آورده بود. روی جیبه ها فقط کلمات "مقصید ایران" به چشم میخورد. خبردیگر حاکی است که اوایل آذرماه یک هوایما ی ۷۰۷ هم از فرا تکفورت مقدار زیادی لوازم یدکی برای هوایما های فانتوم و مهمات از قبیل توپ و خرج آن، به ایران آورده است.

خبر دیگری که اخیراً بدست ما رسیده حاکی است که وزارت دفاع به افسران ارشد نیروی هوایی اعلام داشته است که بر طبق توافقهای حاصله بزودی وسایل یدکی و مستشاران از انگلستان بکمک ایران خواهد آمد. مدیا آمریکا هم توافق هائی برای استخدام مستشاران در جریان است.

همچنین دو هفته پیش در یک تراکت گفتیم:

خبر اول:

در کمیونی که در اوایل آذرماه جاری با شرکت "تیمسار فکور" و وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده تصمیماتی گرفته اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمیونها و نواقص دستگاها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا حداکثر استفاده بشود. وزیر دفاع معتقد است نه این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:

اوایل آذرماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات یدکی و وسایل نظامی آمریکا ئی بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنا در جنوب لنگرانداخته اند.

این کشتی ها بدنبال رسیدن بیک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در آبان ماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر بوشهرا رده شد، به بنا در جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان به ایران رسید منظور تسریع در تخلیه محموله آن، از یابیکا های مختلف نیروی هوایی

رؤییم جمهوری اسلامی ارتش شاه ساخته و دست پرورده آمریکا را با زسازی میکند.

وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی در آنزوی "طبیعی" شدن روابط بین ایران و آمریکا است.

کشتی های اسلحه از آمریکا و کشورهای دست نشانده آمریکا مثل کره جنوبی به بنا در ایران میرسد.

خلخالی و محمد منتظری این چشم و چراغهای آیت الله خمینی صریحاً خواستار برقراری رابطه با کارشور و بدست آوردن قطعات یدکی نظامی هستند...

اما رؤییم دعای مبارزه با امپریا لیس را دارد و مدامد ربوق و کرنا های خود این دروغ بزرگ را به خورد مردم میدهد.

رؤییم و قیحه سرسخت ترین دشمنان آمریکا یعنی کمونیستها و انقلابیون را به آمریکا بودن متهم میکنند! رؤییم نعل وارونه میزند تا مسیر واقعی اش را که جز آغوش امپریالیستها نیست، کسی تشخیص ندهد! اما...

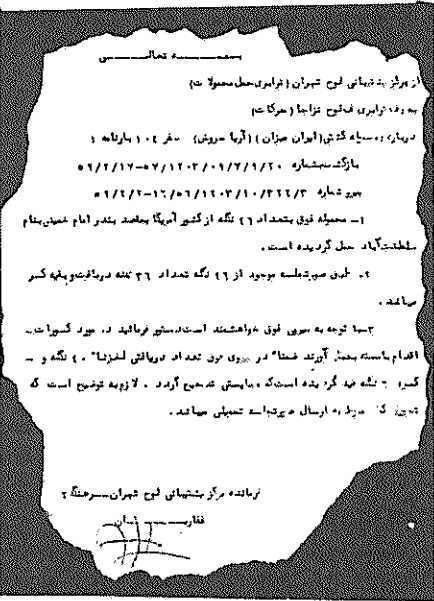
ما کمونیستها بیرحمانه دشمنان خلق را افشای کنیم، آنها را در هر چهره و لباسی به زحمتکشانی شناسانیم و پرده های توهم را از پیش چشم توده ها کنار بزنیم.

کیهان اول دیماه در مورد صاحبمختگوری دولت بهزاد نبوی مینویسد:

"سختگوی دولت سپس شایعه خرید اسلحه از آمریکا و همچنین خرید اسلحه از اسرائیل توسط هلند را بشدت تکذیب کرد و گفت که این شایعه ناشی از تبلیغات بلندگوهای صهیونیستی و امپریالیستی برای لکه دار کردن انقلاب ایران است. چون همه میدانند که بزرگترین خصم اسرائیل و آمریکا دولت ایران است، بنا بر این نه ما از آنها اسلحه میخواهیم و نه آنها با اسلحه میدهند که بر علیه خودشان بکار ببریم."

وزیر "مکتبی" جمهوری اسلامی خرید اسلحاز آمریکا را تکذیب میکند ولی ما چندین بار منجمله در خبرنامه های جنگ مورخه ۲۶ آبان و ۲۳ آذر خرید سلاح بطور مستقیم یا غیر مستقیم را افشا کرده ایم:

در "خبرنامه جنگ" شماره ۷ تحت عنوان "ورود اسلحه آمریکا ئی" آمده است که "اوایل آبان ماه به فرزند هوا پیما ی باری در فرودگاه مهرآباد به زمین میشینند" بهشتی برای تحویل گرفتن اسلحه میاید و دستور تخلیه هوایما ها صادر می - شود. این هوایما ها از یکی از فرودگاههای آلمان با رگیری کرده بودند و روی جیبه های



آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکاست

حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان را محکوم می کنیم

در هفته گذشته خیابان مبارزان (تهران) صحنه تهاجم جدید رژیم جمهوری اسلامی علیه انجمن کارکنان مسلمان هوا دار مجاهدین خلق بود. این حمله بخشی از حملات سازمان یافته و هدایت شده ای است که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بویژه ارکانهای سرکوبگر و وابسته به حزب علیه مجاهدین و دیگر انقلابیون انجام میگیرد.

"گروههای مقاومت" و "باند های سیاه" وابسته به سازمان حزب، خود حمله میکنند و بر زمینه کینه توزیهای که علیه نیروهای انقلابی صبح و شام در بین مردم آگاه ایجاد می نمایند دست به حمله میزنند، آنگاه نیروهای انقلابی و در اینجا مجاهدین را متهم به ایجاد اغتشاش و... میکنند! هر چند جنای این حقه با زیبا دیگر رنگی ندارد ولی آگاهی و هشیار هر چه بیشتر شده ها، ارتجاع را رسوا و ترفلج خواهد ساخت. ما، همصدا با نیروهای انقلابی و کمونیستی ایران، حمله به مجاهدین خلق و هوا داران آنها را محکوم میکنیم و آن را نشانه ای از وحشت رژیم از نیروهای انقلابی و فدا میریای لیست میدانیم.

بهشتی نامزد عضویت در شورای سلطنت!

نشریه مجاهد شماره ۱۵۲ در مقاله ای افشاگرانه و مستند نوشته است:

«... در اوایل رژیم گذشته از جمله افرادی که برای شورای سلطنت در نظر گرفته شده بودند در کنار رئیس سابق ارتش، آقای بهشتی نیز از میان روحانیون بود.

«... (بهشتی در ملاقاتی با لینکن مامور سفارت آمریکا جناب "دوستانه و مثبت" صحبت میکنند که لینکن در آخر گزارش خود چنین اظهار نظر مینماید):

"اظهارات بهشتی بیشتر اینطور بنظر میرسد که منافع آمریکا را به ما یادآوری میکند تا منافع ایران!"

دفاع از حجت الاسلام آشوری

روحانی مبارز و دمکرات حبيب الله آشوری که سابق طولانی در مبارزه علیه رژیم شاه داشته و پس از فنام نمودن دفاع از انقلاب همچنان به مبارزه ادامه داده و زندگی ساده، افکار مبارزه جویانه انقلابی او و فعالیت های تبلیغی اش نشان دهنده وفاداری او به آرمانهای خلق میباشد. هم اکنون در زندانهای رژیم کراساراس، قریب به ۵ روز است که اوتوسط عوامل رژیم رسیده شده و هیچ خبری حتی به خانواده اش نرسیده است. ما همصدا کلیه نیروهای انقلابی و مبارزین اقدام رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و معتقدیم که او و کلیه زندانان انقلابی باید آزاد شوند.

۴۱۰ - ۲۳۰۰ - ۲۶۰۰

۵۹/۴/۸

بازگشت شماره ۲۶ - ۱۰۷ - ۱۳۰۴ - ۳/۳ - ۵۹/۳/۲۴ - ۱/۳ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۰ - ۱۶۰۰

۱- فرماندهی لجستیکی هوایی نظامی تامین برستل مشروطه زهراندریبه خرابه شمنداست درمشور
تو ایستادگی به وجود برستل زینتلاچ قری در آن یگان در این زمینه بررسی باتوجه بانگ تا این بخش از این
کاتوجه به سیاست فعلی مملکت تا این مشخصه از آن طریق غیر ممکن به نظرمی رسد (لذا پیشنهاد میگردد یکی دیگر
ازیناسرار که قادر به تامین این مشخصه میباشد اعلام نمایند.

۲- تامین یکگزنده مشخصه متوجه از کارخانه سازنده (توضیح اینکه کارخانه سازنده آمریکائی میباشد
باتوجه به سیاست فعلی مملکت تا این مشخصه از آن طریق غیر ممکن به نظرمی رسد (لذا پیشنهاد میگردد یکی دیگر
ازیناسرار که قادر به تامین این مشخصه میباشد اعلام نمایند.

۳- تامین سه نفر مشخصه رده سه با "از کمانی را بهر در مشخصه ای مشروطه (باتوجه بانگ تا این بخش از این
و در این اشکالات فراوان درستی قرار در این زمینه از طرف کمانی با وجود تشکیل کمیته وینها، مکرر در آن رکس
در این زمینه گونه تصمیم قطعی مبنی بر ادامه ساختن سیستمهای مربوطه اخذ نگردیده است لذا تا روشن شدن
اینجنگهداری سیستم تا این قبیل برستل از کمانی انگستان مقدور نخواهد بود. لذا پیشنهاد میشود منبعی وجود دارد
که بتوان برستل مورد نیاز از آن تامین نمود معرفی نمایند.

۲۴ - ۷۷/۳۷ - ۱۰۲
۵۹/۴/۱۱

- الف - مشخصه A.T.E یکگز برای مدت یکسال
- ب - مشخصه MANNA-1 یکگز برای مدت یکسال
- پ - مشخصه RADAR Wave Gu یکگز برای مدت یکسال
- ۴- تامین مشخصه D.T.E دستگاههای هاد در دوره دشواری برای مدت ۶ ماه جهت یگان C.M.F

(توضیح اینکه یگان فوق الذکر تا کنون فاقد این نوع مشخصه بوده است)

۵- تامین یکگز مشخصه I.M.I در مشخصه ۲۲۸×۴ در دوره دشواری جهت تکمیل پروژه مستند اس
ادیت خدمت بر روی دستگاه EMATS (یگان بهر در آمده است آنگاه توفیق خواهد یافت که به سرانجام
استخدام گردد).

رکن ۱ نیروی هوایی جمهوری اسلامی - سرخسک خلیجان - جبهه

سایر ارکانهای سرکوبگر کارکنان، توده های
زحمتکش و کمونیستها و انقلابیون را کشتار
نماید. آری این حقایق نشان میدهد که رژیم
جمهوری اسلامی متحداً سر برالیم و دشمن خلق
های ایران است.

مرک بر سر برالیم و ارتجاع داخلی!
ارتش دست بروده آمریکا را هر چه
بیشتر افشا کنیم!
بر فراریا دمکراتی دموکراتیک خلق!
سازمان یگادر در راه آزادی طیفه کارگر

این اسناد و حقایق نشان میدهد که رژیم
جمهوری اسلامی چگونه فریبکارانه خود را "صد
امیریا لیست" و انمود میکند این اسناد و
حقایق ثابت مینماید که کمونیستهای بیگیرنا
چه در دوران ریاست رژیم بعنوان یک رژیم ارتجایی
و رژیم که میکوشد سرمایه داری وابسته را در
ایران شومیم کند موضعگیری درستی داشته اند.
آری این حقایق نشان میدهد که چگونه امیریا -
لیستها به بازاری ارتش خدمت می رژیم
جمهوری اسلامی میرود از زند تا این ارتش و

بنامهای حمه لا و سرخسک و محمد امین صنعتی از هوا -
داران زحمتکش و فعال کومله بنیاد رسیده و ۹ نفر
دیگر زخمی شدند.

در همین یورش فاسونیان روسای "خدرشاوی"
در ۵ کیلومتری میرنا وی ۲ ستمک حزب دمکرات
بنامهای عمره و نه وانه و علی سرکاک محمد اهل
روستای "کراساک" نهادت رسیدند. در میرنا وی
چندین خانه را بر سر میمازان آسب دادند. در آن
جریانات مردم زحمتکش روساهای اطراف کسک
دهات بمباران شده آمده بودند و آسب دهگان اس
جانیات را بازی دادند و در سوسه روحه آن کوسند
(بستل از خبرها مد ۹۷ کوبلد)

بقیه از صفحه ۵ فائومها...
رافرا گرت. در یورش دوم فائومها با راکت و مسلسل
به همین روستا حمله کردند. یک دسته از ستمکران
کومله با یک گروه امداد خود را به بیلوکه رسانده و
به مدد اوای زخمیها پرداختند. در این جریان ۷ نفر از
اهالی زخم سطحی برداشتند ولی دو خانه بکلی ویران
و یک آسب و کا و تلف شدند.

در حالیکه مردم مشغول کمک به زخمیها و ساکنین
خانه های ویران شده بودند، در ساعت ۱۱ صبح یار دیگر
فائومها ظاهر گشته و اینبار روستای "خدرشاوی" و
"میرنا وی" را مورد حمله قرار دادند. در روستای "میر
شاوی" حداقل ۲۵ راکت فرو ریختند که در آن ۲ نفر

سیاست مجاهدین خلق در قبال لیبرال‌های خیانت‌پیشه

این درست است که حزب جمهوری اکنون
مواقع کلیدی را در دست گرفته است، اما هرگز
نبا بدفرا موش گردگدا که ره‌لیبرال‌ها مانند
کدسند دارای هز مونی نمینا سندن، ولی انسان
ارسن، این ایبرال‌سیا رکلیدی بقای سیمرا
در کنا رخوددا سنه، مقام ریاست جمهوری را غیر غم
محدودیت‌ها بش کما کان در اخضا رخوددا رند و
در دستگا هاداری و بسیاری از ارکنا نپسا و
موسسات دولتی دارای نفوذ و با به میا سندن
درست است که حزب جمهوری می‌کوشد تا ربا سب
جمهوری را به مقام منسرفاتی تبدیل کرده و یک
تاریکنا زع میدان قدرت بنا تاد، اما در سراط
فعلی این هدف بطورکا مل حقی نیافتد و در
گیری سندیان دوجنا ح بیانکر همین مسئله
میبا سندن حال در برابراین واقعیات مجاهدین
چشم‌سند و جایکا هواقعی لیبرال‌ها را در کمال
سسم‌حکومی و دستگا ه دولتی برده‌یونی می -
نمایند ولی آیا این دیدگا هانحرافی به همین
جا محدود میماند؟

یکه سوم اینکه هما نظور که گفتیم مجاهدین
ویرانی اقتصاد، فلاکت‌نوده‌ها، اختناق، محدود
شدن آزادیها و غیره را با نی از "حکومت روحانیت"
میدانند. آیا واقعا چنین است؟ آیا واقعاً لیبرال‌های
خائن در سنا مین رینه‌ها نقش تدا سندن؟
آیا ویرانی اقتصاد، فلاکت‌نوده‌ها و... با سنی
ارخا کمیت طبقاتی سوزروازی نمینا سندن؟ آیا
حزب و لیبرال‌ها بحضای مختلف همین سوزروازی
سنا رتقی آیند؟ در اینجا ست که می بینیم انحراف
مجا همدین بعدوسعی بخود میگیرد، با این درست
است که اگر لیبرال‌ها "سیاست جماعتی و نسکان و
سیرینی" دارند، حریصا سنا ست جماعتی "را با کار
میگیرند و به همدین خاطر با خونسی عربان و سنی -
برده‌علیه‌یوده‌های آگاه، سوزوهای کمونسب و

انقلابی میبارند، اما چگونه میبوان فرا سز
گردگدا لیبرال‌های مریح سنا سنی ارمناب
جا کما ایران در حفظ مناسبات با امیرالسیم
در بارماری سسم‌رما هاداری واسندن. در
ویرانی اقتصاد، در فلاکت‌نوده‌ها و در سزکو ب
انقلاب نفس فعال داسندن: "حکومت میبوان
فرا موش گردگدا لیبرال‌های خائن در با سزازی
ارسن دست برورده امیرالسیم آمریکا سس
عمده‌دا سته و در کنا رجز بیانی مریح در تمام
کسنا رها و فصل عا میا سیم‌یوده‌اند: درگذشته و
حال حاضر کسنا نی دسوزکشتا در دنا سسکاد.
ترکمن صحرا، کردستان، روستا‌ها بی ما سسندن
قه‌لانا، صوفیان و ابندرقا ت... را صادر کردد
وموردنا سیدقرار دادا سندن؟ آیا همه‌جنا حضا ی
حکومت در این جنا یات هولناک دست ندانده‌اند؟
بدا این سئوال‌ها مجاهدین با بدجواب دهند.

مجاهدین تشنه میگیرند که مسئولیت این
اوضاع و احوال اساساً بر عهده روحانیت میباید
در اینجا اگر چه مجاهدین بدرستی به نفس
غالب حزب جمهوری اسلامی در حکومت اشاره
دارند، اما ما هیت طبقاتی لیبرال‌ها را مسکوت
کذارده، جایگا هواقعی لیبرال‌ها در کدسند و حال
را از نظرا ندخته‌وجنا یات لیبرال‌ها را یونسیده
نکده‌اشتا سندن:

نکته اول اینکه میبایم این مسئله که دولت
حاکم "حکومت روحانیت" است بدور از یک تحلیل
علمی و طبقاتی میباید. با بدجواب دادگا ه این
حکومت مدافع کدام طبقه یا طبقات اجتماعی است، تا
بتوان توده‌ها را بر اساس سیاسی طبقاتی
ترتیب نچوده‌وآنان را در راه تحقق انقلاب،
سکیزا نه به پیش راند؟ یا بدیه توده‌ها سسنان
دادگا ه سردمداران رژیم را معتقادات مذهبی
آنان سوا سسقا ده نموده و "حکومت روحانی والهی"
آنان در واقع ماهیتی سوزروازی دانسته‌وسه
همین خاطر مدافع سسم‌رما هاداری وابسته
موخود میباید سندا زمانه‌ی که با هیت سرما به
دارا سقدرت حاکم را سراملا سنا رژیم‌آنتا کونیم
طبقاتی آنرا سبت به رحمتگان و به توده‌ها
سنا سنا سیم‌سوزروازی اجازه‌دها ایمنا تحت
لوای "اسلام" طبقات زحمتکش را فریفته و سوز
سند و سنا روحسنا نه خود قرار دهد رمانی که
نوده‌ها درگ کسند که "حکومت روحانیت"، "حکومت
سرما به‌داران و دشمن زحمتگان است، آنکاه
آنان با سرعت بیشتری به سمت انقلاب روی می -
آورند.

نکته دوم اینکه مجاهدین جایگا هواقعی
لیبرال‌ها را در سسستم‌جا کم رسطر دور میدارند.
ما سئوال می‌کنیم آیا دولت‌جا کم فقط در سزگیرده
روحانین است؟ آیا لیبرال‌ها در آن نفسی
ندارند؟ در واقع مجاهدین با چنین بیانی
نفس لیبرال‌ها را در حکومت نادیده گرفته و مانع
ارآن می‌شوند که سوده‌ها درکی واقعی و همته -
جانده‌سبت به هاب جا کما ایران و ما هیست و
قدرت سیاسی پیدا نمایند. مجاهدین خلق می -
نویسند: "آنا هج مومع حساس و کلیدی حکومت
هست که دست روحانین بنا سندن: فقط میباید
مقا مریاست جمهوری که آنتهم‌دیگر با ملاحظ به
سرسی یال و دم‌وا ستم‌تبدیل سندن" (همانجا)

امروز که جنبش توده‌ای بین‌اربین اوج
گرفته و بحران اجتماعی - اقتصادی بین‌ارزهر
رمان دیگر دا منه پیدا کرده حدت تها دهی هیت
جا کما به مرحله میبا بقدا ی کشیده سنده است. حزب
جمهوری با تصرف بخش عمده مواضع اساسی قدرت
و اعمال هز مونی سقدرت سیاسی در بی آنست
با لیبرال‌ها را بطور قطع از مرا کزاطلی و حواس
بصمیم‌گیری طرد کرده‌وآنان را بطورکا مل تحت
هز مونی خود قرار دهد، لیبرال‌ها که در موضع
ضعف قرار گرفته‌اند می‌کوشند تا آخرین مواضع
مهم خود را حفظ کرده و با ایفا کردن نقش
سوزسوزن سرحضبت توده‌ها سوار سنده و با ردیکر
ضربا با خائنا نه خود را به حنسن خلق وادار سندن
ارآنجا که حزب در راه قدرت قرار گرفته و
نفس برجسته‌ای در سنا سنیای کنوربا زی میکند
سوده‌ها در برابری سنا سنا ی خائنا نه سوزکو یکرانه
حزب جمهوری ارآن رانده می‌شوند، اما بدلیل
ضعفان یک‌الترنا نیوا نقلایی نیرومند، بختیای
صمیمی ارآنان بسوی لیبرال‌ها نیل پیدا
میکنند. لیبرال‌ها به این امر آگاه‌یوده‌ومی -
کوشند برای ضربه زدن به حریف و کسب موضع
سرتدرت درت سیاسی، با جهه‌دروغین آزادیخواهی
و مخالف‌خوانی، سوده‌های متوهم و معترض را
بسوی خود گسنا نه و چنین آنان را به سکو ی
برنی برای قدرت بیشتر تبدیل نمایند. بدین
سرب لیبرال‌های خیانتکار خطر مهمی را برای
جنبش توده‌ای سنگیل می‌دهند و هرگونه گونا‌هی
در فضای لیبرال‌های خائن منرادفا ست با
سریات مبعی به جنبش خلق، در سراط کنونی در
عن افنا کری و مبارزه انقلابی علیه سنا
جنا حضا ی حکومت، با بدجهه‌فریبکارا سسند
لیبرال‌ها را در توده‌ها رسوا نمود و مانع ارآن
سندا آنان سرحضبت سوار سوند.

اما مجاهدین خلق در بر خورد به سئولات
کنونی دارای چه موضعی میباید سندن؟ تحلیل آنان
ارحکومت و جنا حضا ی آن چیست؟ و سنا ست آنان
در قبال خطر لیبرال‌ها کدا ماست؟

تحلیل انحرافی مجاهدین از قدرت حاکمه

مجاهدین می‌نویسند: "امروز در جا معده‌ما
این روحانیت است که در موضع حاکمیت سسرار
دارد و به عبارت دیگر، اکنون در جا معده‌ما
"حکومت روحانیت" سرفرا است "وسس ادا سندن
می‌دهند" را س موضع نصمیم‌گیری و هدایت سنا م
ارکانیای مهم و حواس و سنا مسنیای کلیه کنور
در دست روحانین است" (مجاهد - ۱۵۱)
وسین مجاهدین مطرح میباز زندگه در سراط
کنونی، اقتصاد ایران و بران است، سسکلات
و فلاکت‌نوده‌ها کسترده سنده است، اختناق و جماعتی
- داری همچنان به پیش میبرود، دا منه آزادیها
هر روز محدودتر می‌شود، گروهیای انقلابی ممنوع
و مبارزین را آزادی سسکجه میگردند و در آخر

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکار توده‌ها!

سیاست سازشکارانه مجاهدین در قبال

لیبرالهای خان

بنظر ما پرواضح است زمانیکه مجاهدین در برخورد با هیئت طبقاتی قدرت سیاسی دچار انحراف بوده و جایگاه واقعی لیبرالها را در نزد توده‌ها پنهان می‌بازند، سیاستها و عملیات خیا ننگارانه لیبرالها را بدست فراموشی می‌سپارند و اسفناک تر آنکه بلور مستقیم و غیر مستقیم از لیبرالها پشیمان می‌کنند، آری دیدگاه انحرافی سازمان مجاهدین نسبت به کل هیات حاکمه به سیاست خطرناک حمایت از لیبرالها منجر گشته است، کمتر مواردی در شماره‌های مجاهدیتوان یافت که در افشای لیبرالها باشد در تمام مقاله "روحانیت و آزمایش سرنوشت" (مجاهد ۱۰۱) که در باره قدرت سیاسی است حتی یک مورد افشاگری در باره لیبرالها نمیتوان یافت و برعکس مجاهدین با لحنی دلسوزانه برای لیبرالها از اینکریاست جمهوری "شیرینی پال و دم‌واشکم" شده صحبت میکنند و بگذارد مجاهد ۱۰۱ مینویسد: "در صحنه سیاسی کشمکش بر سر قدرت همچنان ادامه دارد و جریان کناره‌زدن تمام نیروها و تحکیم قدرت انحصاری به قوت خود باقیست تقریباً کلیه جریانها و نیروها می‌دانند که هر کجا می‌نویسند در مبارزات مردم و براندازی ختن رژیم سهیم نبودند کناره‌زده شده اند و جریان حصر قدرت امروز به آخرین مرزهای خود رسیده است."

واقعاً چه جریانها و نیروها می‌دانند که در مردم و براندازی ختن رژیم "سهیم بوده اند که اینک از قدرت کناره‌زده شده اند؟ یا اساساً عناصری جز افراد وابسته به جناح لیبرالها بوده اند که از قدرت کناره‌زده شده اند؟ بدین ترتیب مجاهدین عملاً لیبرالهای خائن را شریک در مبارزات مردم دانسته و به حمایت از آنان بر می‌خیزند، لیبرالها هیچگاه از موضوعی دمکراتیک و ضد امپریالیستی علیه رژیم شاه خائن مبارزه نکردند، آنان برای داشتن سهمی در قدرت بنا دیکتاتور شاه مخالفت می‌ورزیدند، لیبرالهای ضد انقلابی نه طرفدار دمکراتیسم و مبارزه دمکراتیک علیه رژیم شاه بلکه طرفدار لیبرالیسم و سلطنت بدون دیکتاتور می‌بودند، امروز مجاهدین به علامت حمایت، در برخی از نظراتی که به نفع لیبرالها بوده شرکت کرده، در نشریه خود تلگرام لیبرالهایی مانند حاج سید جواد را منعکس نموده و انشایات لیبرالها مانند "میزان" و "انقلاب اسلامی" درباره نقض مکرر قانون اساسی... تا حد مثال می‌آورند.

آری واقعیت اینست که مجاهدین در قبال لیبرالهای مرتجع از خود شدیداً تلزل نشان داده و سیاست سازشکارانه‌ای در پیش گرفته‌اند، این سیاست سازشکارانه و مواظبت‌گویانسه در قبال بخشی از هیات حاکمه فداکاری ایران ناشی از چیست؟ یا مجاهدین با لیبرالها دارای هیچگونه مرزبندی نمی‌باشند؟ آیا بدست سازمان مجاهدین

برای هواداران خود که را دیگه لیسیم با رزی از خود نشان میدهند، چنین جلوه دهد که گویا این سیاست مدارا جویا نه نسبت به لیبرالها بلکه تا کتیک است، ولی کدام تا کتیک؟ یا تا کتیک انقذایی نیاید در خدمت استراتژی بوده و منجر به انکشاف مبارزه طبقاتی گردد؟ هما نظر که می‌دانیم توده‌ها در مقابل جنایات و شیادیهایی عریان حزب جمهوری از آن دور میشوند، آنان بیش از پیش نسبت به هیات حاکمه بی اعتماد گشته و بذکرینه و عصیان نسبت به حکومت در میان توده‌های زحمتکش جوانه می‌زنند، در چنین شرایطی سیاست انقلابی آنست که هرگونه توهم، نسبت به هر یک از جناحهای هیات حاکمه را در ذهن توده‌ها درهم شکسته و آنان را بی پروا و بدورازا می‌داند و ای واهی نسبت به بی‌لایه‌ها در راه انقلاب به جلوه‌هایت کرد، سیاستی که توده‌ها را نسبت به یک جناح از حکومت امیدوار سازد و این توهم را بوجود آورد که گویا لیبرالهای جناح "بهرتر" از حزبهای خائن می‌باشند، سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است، زیرا چنین سیاستی عملاً انقلاب علیه کل طبقه حاکم را بدست فراموشی می‌سپارد، مجاهدین بجای آنکه ماهیت تک‌جناحی را در نزد توده‌ها افشا کنند و سیاستهای خاص هر جناح و منافعی که در پشت هر یک از این سیاستها نهفته است را به توده‌ها توضیح دهند، به توده‌ها چنین وانمود می‌سازند که گویا لیبرالیسم، ارتجاع نیست و جناح لیبرالها "بهرتر" از جناح حزب می‌باشد، مجاهدین بجای آنکه به توده‌ها بگویند لیبرالها مذاق امپریالیسم می‌باشد و مخالفت آنان با حزب جمهوری نه از موضوعی مترقیانه، بلکه از موضوعی ارتجاعی می‌باشد، چنین وانمود می‌سازند که لیبرالها از همسان موضوعی به حزب برخورد میکنند که نیروهای آگاه و مترقی، آری سیاست و تاکتیکی که همه دشمنان توده‌ها را به آنان نشانساند، نه سیاست و تاکتیکی انقلابی بلکه سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است.

افشای حزب جمهوری خوب است، اما...

مجاهدین بدستی بیش از گذشته به افشای حزب جمهوری اسلامی پرداخته و حزب را "جساده مافکن امپریالیسم" نامیده و "سیاستهای سازشکارانه و ارتجاعی" و "چاقو در ریه و جناحیات آترو بر ملا می‌سازند، مجاهدین بدستی برخلاف گذشته شعارهای دروغین ضد امپریالیستی حزب جمهوری در مورد اشغال سفارت را افشا نموده و مطرح ساخته‌اند "چگونه میتوان هم‌فکری با لیبرالیست بود و هم‌روزگار و رفقا را بر مردم و نیروهای انقلابی را افزایش داد؟" (مجاهد ۱۰۱) مجاهدین بدستی در برابر افشای ارتجاع و ممنوع‌الانتشار شدن نشریه مجاهد دست به تعرض زده و دوباره به انتشار نشریه می‌پردازند، مجاهدین (هرچند محدود و تا پیگیری) بدستی به افشای جناحیست رژیم در کردستان دست زده و اعلام انقلابیستون توسط رژیم را بر ملا کرده‌اند، آری مجاهدین

بدستی فعالیت و مبارزه خود علیه حکومت را تشدید کرده اند و پرواضح است که این امر بسود انقلاب و مبارزه توده‌ها علیه ارتجاع حاکم است و بی سبب نیست که ریزبونیستهای مسزوری چون حزب توده که نوکریات حاکمه می‌باشند علیه مجاهدین خلق لجن پراکنی نموده و این سازمان را "همدست فدا انقلاب" میدانند، آری رژیم حاکم و ریزبونیستهای خیانتکار از تعمیق مبارزه سازمان مجاهدین خلق نفرت دارند، اما توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست از این امر نمیتوانند مسرور و شادمانند، ما نیز به نوبه خود از این امر استقبال می‌نماییم، اما در عین حال نمی‌توانیم در قبال سیاستهای انحرافی مجاهدین در مورد لیبرالهای خائن نگه‌داران نیایم، در حقیقت مجاهدین با اتخاذ چنین سیاستهایی، ناپیگیری و تلزل خود در قبال لیبرالها را بنمایش می‌گذارند، مجاهدین باید بدانند که اگر لیبرالها به آنها "چشمک زده" و اینجای آنجا بطور ضمنی از آنها "حمایت" میکنند این امر فقط و فقط به خاطر آنست که تا نیروهای مردمی را گرد خود جمع آورده و توده‌ها را نسبت به خود متوهم سازند، لیبرالهای عوام‌گریب می‌کشند از حیثیت نیروهای انقلابی سوء استفاده نموده و جنبش توده‌ها را به سکوی پرش بسرا می‌تحکیم موضع خود در قدرت سیاسی تبدیل سازند حال آنکه مجاهدین نباید این حقایق را برای توده‌ها آشکارا بنمایانند و آنان را نسبت به این بخش از دشمنان نیز واقف سازند؟ یا مجاهدین نباید خطر لیبرالها برای جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها را افشا نمایند؟ منافع انقلاب و خلقهای کبیرا بران چنین می‌طلبند، اما آیا مجاهدین خلق به چنین نیایستریگی پاسخ خواهند داد؟

حقوق معلمین آواره را قطع کرده‌اند

در تاریخ ۹/۱۸ حدود ۵۵ نفر از معلمین خوزستان که فعلاً در بیرون کشور هستند، برای اعتراض به بخشنامه‌ها در اهواز تهران جلوی وزارت آموزش و پرورش شهر اجتماع میکنند، مضمون بخشنامه‌ها این بوده است که معلمین نواحی جنگ‌زده یا بدیه مناطق خود برگردند و از این تاریخ به بعد "دوسوم" حقوق که به معلمین پرداخت می‌شد بدستور آقای باهنر قطع میشود، معلمین معترض از میان خود شورایی انتخاب کردند که این شورایی خواست: پرداخت دوسوم حقوق قرار دادن دفتر حضور و غیاب را در اختیار معلمین آواره و گزارش آن به خوزستان و...، پیش‌رئیس فرهنگ می‌رود، اما با جواب سریالی وی روبرو میگردند، معلمین بهمه‌ا شورا تصمیم می‌گیرند که تا تحقق خواسته‌هایشان به مبارزه ادامه دهند



کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق

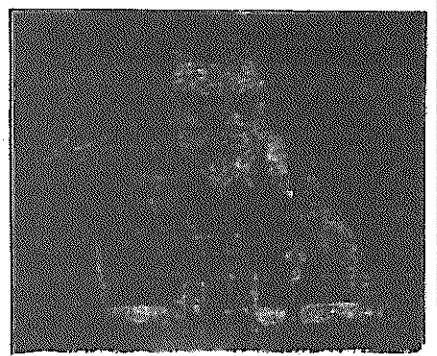
از این پس خواهیم کوشید، کارنامه خیانت بار سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی را در پیشگاه خلق افشا کنیم تا توده های خلق بهتر ازین بدانند، که چه کسانی، هفتاد هزار شهید و صد هزار معلول انقلاب را تنها به سکوی پرتی برای رسیدن به قدرت و غارت و سرکوب زحمتکشان ایران تبدیل کرده اند. در این افشاگریها یک فرد لیبرال و یک فرد حزبی را همراه با یکدیگر افشا میکنیم، چرا که هر دو این جناحهای رقیب در درون هیئت حاکمه دشمنان توده های رنج دیده میهن ما هستند. طبیعی است از آنجا که ما تنها و تنها به توده های میلیونی خلق برای پیشبرد امر انقلاب اعتقاد داریم و افشای دشمنان توده ها، هدفی جز آن نداریم که توده ها با یک انقلاب بزرگ، خود شخصا با دشمنان نشان تصفیه حساب کرده و آنها را نیز مانند شاه خاش به زباله دانی تاریخ بیاورند.

از سبزه سرخ در یک مباحثه مطبوعاتی میگوید: "کمان میکنم علی امینی بتواند موفق شود و تا جایی هم که در اختیار من است، کمکش میکنم". و بدین ترتیب با زرگان میگویند به کمک و یاری نوکر حلقه بیگوس آمریکا برخیزد، که او جکیوری چنین اجازه داد که توطئه ها بین را علیه انقلاب نمی دهد.

ارتباط با امیرالایم آمریکا از طریق دوستان خائنان چون امیرانتظام، حسن نژاد و مقدم مراغهای.

ارتباط مستقیم با زرنال هویر آمریکا نی و ارتشید قریه با غی جلاد شاه مزدور (با تفاق آیت الله بهشتی خائن) برای به ما زن کشیدن منازات مردم ایران و جلوگیری از قیام بهمن ماه خلقهای قهرمان ایران، در این مذاکرات بهشتی و با زرگان قول دادند که مانع از قیام مردم و بهیم با شدن ارتش شاهنشاهی کردند و مانع امیرالایم را حفظ نمایند.

آقای با زرگان کسبه خود را علیه قیام بهمن بقیه در صفحه ۱۳



مهدی بازرگان (لیبرال)

نام: مهندس مهدی بازرگان
شغل: سرمایه دار (مدیر عامل کارخانه پرفور) و نخست وزیر سابق و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی
ایدئولوژی: لیبرالیسم
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

ظرفدار قانون اساسی شاهنشاهی و منطبق نظریه مداخله ای، "تا سلطنت کند نه حکومت" مثلا او در زمان ۱۲ آبان ۵۷ (یعنی در دوران حکومت نظامی اویسی) میگوید: "مادر شعار آن احزاب هسیم که قانون اساسی را قبول داریم" که البته در آن سلطنت شاه موهبتی الهی ساخته شده بود.

سرمایه دار و دارای سهام در چندین کارخانه از جمله پرفور و مکنده خون کارگران اسیان کارخانجات و استعمار رکز زحمتکشان، بازرگان در این کارخانه با امپریالیستهای فرانسوی و بلژیکی تریک است.

پس از او حکمرانی مبارزات توده ها، کوشید با سوار شدن بر جنبش خلق از تابودی فطری امیرالایم و حتی رژیم سلطنت در ایران جلو گیری کند. بدین ترتیب تروج به تا به پراگنی برای دشمن خلق، یعنی شاه خائن نمود.

سرای فریب توده ها و جلوگیری از جنبش در نامه خائنان ۲۹ اردیبهشت ۵۷ به شاه خائن نصیحت میکنند که: "اغلی حضرت خود را خسته و کوفته کرده اند و بهتراست جای خود را به ولیعهد تازه نه بدهید."

مهندسی با مزدوران ساخته شده امپریالیسم آمریکا، مانند علی امینی: با زرگان در ۱۸ شهریور ۵۷ (یک روز پس از جمعه سیاه) در نامه عاجزانه ای به شاه خائن میگوید: "علی امینی را فراموش کنید برسی میدادم، اگر با آمریکا هم مسائلی داشته باشد، روی تبادل نظر و منطقت اندسی است." و در ۱۲ آبان یک روز قبل

آیت الله بهشتی (حزبی)

نام: آیت الله سید محمد حسین بهشتی
شغل: بساز فروش سابق و سهامدار شرکت اهداف و رئیس کنونی دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
ایدئولوژی: "مکتبی" و مکتب سرمایه داری
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

بهشتی در دوران شاه همیشه در سازن و مناسبات با رژیم پهلوی قرار داشته است

خروج آزادانه از طریق فرودگاه مهرآباد با سیورت ما در اطراف رژیم ضد خلقی شاه در بعد از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲، در حالی که در آن زمان بسیاری از مبارزین و انقلابیون تحت شدیدترین بگردهای پلیسی رژیم شاه قرار داشتند، آقای بهشتی با خیالی آسوده به آلمان غربی "هجرت" فرمودند، کاری که بجز از راه خیانت به خلق و خدمت به شاه نمی توانست انجام گیرد.

نماینده آیت الله شریعتمداری روحانیسی بورژوازی لیبرال در آلمان غربی.

اجاره کردن خانه ای مجلل در آلمان غربی به قیمت ۲۰۰۰ مارک متبادل ۸۵۰۰ تومان، این پول از کجاست؟ این میگردید؟ این میبالغ کلان از دسترنج و عرق جبین زحمتکشان تا من می کردید.

ملاقات هفتگی با مقامات سفارت شاه در آلمان (لابد برای مبارزه با رژیم شاه!)

مخالفت با دانشجویان مبارز در رژیم شاه در هامبورگ (آلمان) و جلوگیری از فعالیتهای افشاگرانه آنها علیه حکومت پهلوی

مسافرت به سواحل خونی آب و هوای کشور یونان و بندر ماری در فرانسه برای گذراندن تعطیلات تابستانی، معلوم است که آقای بهشتی در این مناطق دور از زحمتکشان گرسنه و رنج دیده ما چه کارهایی کرده است؟! ←

دعوی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان
توده ها است

جنایت دیگر پاسداران در زندان اهواز

روز جمعه هفتم آذر ماه یکی از زحمتکشان دانشگاه اهواز که در زندان اهواز در جریان مبارزات انقلابی ۱۵ ساله اش که بدنبال حمله او با تان و ویاسداران به سنا داماد برنگی مجاهدین دستگیر شده بود میبرد، وی با معاندت و بدرفتاری سنجیده با سلاح زندان روبرو می-شود و موقعی که اعراسی سنگند با تلک نگهبان سری به فلسن اصابت میکند ولی معالجات موقتاً انجام ندهد و وی فوت میکند، این زحمتکس نسل از مرگ غم انگیز مرگنا میکفت: "اکرمی سیرم که کسی ۸ ساعت با من از آن خواهد داد؟" مزدوران و عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی با فریب کاری حین او را مورد شکنجه تیر در اثر "اسبا" ارتشک خارج شده است. در رژیم جمهوری اسلامی آنچه برای اس ریم ارتشک اهمیت ندارد جان زحمتکشان است. در طبیعت جنین رژیمی است که از جناح با تان پشتیبانی نماید.

بجیب زدن ۲۵ هزار تومان از دسترنج زحمتکشان بعنوان حقوق ماهیانه در مقام ریاست دیوان عالی کشور، تا زه از حیض و میلهای دیگر این جناب از بیت المال اطلاعی نداریم. منارکت فعال در ایجاد ساواک جدیدینام "کمینه مبارزه با سازمانهای سیاسی" برای تعقیب و دستگیری کمونیستها و انقلابیون (رجوع به پیکار ۶۱)

شرکت در اعدام دیگران و انقلابیون از جمله رفقای شهید احمد مودن، مهدی علیسوی - شوشتری، مسعود انبالی، حالی حالی زاده، عبدالله قزل، تقی شهرام، شکرالله تشار، منوچهر نیک اندام، محمد سرفی و دهه... کمونیست و انقلابی دیگر در مقام ریاست دیوان عالی کشور...

اینها بود شمای از جنایات آیت الله بهشتی که یکی از سردمداران جمهوری اسلامی است این سوابق شکنج آیت الله بهشتی و همتا هایش دروغ بودن ادعاها و همچنین عوام فریبیهای او را بخوبی نشان میدهند و توده های زحمتکشان ما میدانند که "حاشی مستغفین" بودن این آیت الله مکتبی و شبا دزد خدمت به امپریالیسم آمریکا و بازاری سرمایه داری وابسته چیز دیگری نیست بهشتی و همیا لکی هایش می خوانند و نمودار زندگی که ما لفت آنان با

لیبرالنها بخاطر مخالفتشان با امپریالیسم است، حال آنکه این دروغی بیش نیست حزبیهای خائن مانند لیبرالهای خائن حافظ سیستمی میباشند که امپریالیسم به آن اتکا نموده است. بهشتی و یارانانش دوستان امپریالیسم میباشند و به همین خاطر آنان دشمن خلقهای ایران کمونیستها و انقلابیون بوده و مخالف سرخست آزادی و استقلال واقعی میباشد.

بنیادگذار حزب ارتجاعی و دخلفی جمهوری اسلامی؛ این حزب با مهندسی لیبرالها، هزاران نفر از خلقهای زحمتکشان را با بشنا دت رساننده است. جنایات حزب جمهوری اسلامی که آتشی سخی از بنیادگذاران آنند پیشما راست ما در اینجا فقط به ذکر نمونه های آن اکتفا می - کنیم:

۱- قتل غام دهقانان زحمتکش ترکمن صحرانوردان و انقلابیون خلقی ترکمن از جمله رفقا توماج، مخوم، جرجانی، واحدی و دهها انقلابی دیگر

۲- ایجاد جنگ در کردستان به مراد اسیران ها و کشتار و مجروح کردن هزاران نفر از زحمتکشان کردستان و قتل عام دهها نفر از روسایان زحمتکش در روسای های فارس، هلالان، کاسی، مامسید، اسدرفاش، موفسان، سوف کند، سر و کانی ...

۳- به همراه لیبرالها سرور انقلابیون به ویژه کمونیستها از جمله دیگران نهدرفقا مسعود صالحی را در طبقه نجم الدینی و دهها انقلابی دیگر

۴- ایجاد محیط ترور و خفگان در شهرهای ایران به ویژه در شمال و ضرب و جرح انقلابیون توسط آدمکشان وابسته به حزب

۵- سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران دهقانان، پیکاران، دهکده داران در تهران و درود اندیمشک، ما شهر و شهرهای مختلف ایران ...

۶- این جنایات را حزب آتای بهشتی انجام داده است و حزبی که با اشک به سیاه پاسداران جنایات فجیعی را علیه خلقهای ایران به انجام رسانده است

شرکت در بازاری سیستم سرمایه داری وابسته در جهت سرکوب انقلاب و تشدید بهره کشی از کارگران و زحمتکشان. بهشتی همیشه حامی تجار و سرمایه داران بوده است.

استخدام و وسیع سازماندهی دسته های اوپا، و قدره بند و آدمکش زیر عنوان "حزب الله" برای حمله و سرکوب تظاهرات و برهم زدن میتینگ های نیروهای انقلابی و ضرب و شتم کمونیستها و انقلابیون

تماس و ملاقات مخفیانه آتای بهشتی با "هنری برک" جاسوس آمریکا و بردن او به حوزه علمیه قم و ترشیب دادن ملاقات او با مدرسین حوزه علمیه طبق اعترافات ابراهیم یزدی در مجلس (روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۱ شهریور ۵۹)

ملاقات بهشتی با کاردار سفارت امپریالیسم آمریکا و ارائه رهنمودهای لازم به او تا قبل از اشغال سفارت ("ما به یکی از دانشجویان بیرو خط امام به مجاهد" - مجاهد ۱۰۱)

شرکت فعال در برپا سازی و سازمان دادن هجوم و حسیا به به داغها و تنگنایهای کشور زیر عنوان "انقلاب فرهنگی" و کشتار دانشجویان انقلابی و مجروح کردن صدها تن از آنان.

مصرف ۶۰۰۰ تومان معادل ۱۵ هزار مارک آلمانی برای بازتعمیر مسجد مبروک جهت خوش آمد خود! در حالی که دانشجویان مبارز خارج کشور در شکستی به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه میدادند و حتی یکمارک بابت خودداری آتای بهشتی از دادن وام به دانشجویان مبارز مسلمان آنها را مجبورند در ارتشکشان کا نولتک بسر ای گذارند رندکی خود وام بگیرند.

کوشش برای استقبال از شاه جلاد در مسجد ها مبروک پیشگام سفر شاه به آلمان در سال ۱۳۴۶. کدالید با انشاگریهای دانشجویان مبارز ها مبروک، آتای بهشتی نتوانست جا کسری اشکا رخورد را بنامه جلاد خون آسار نشان دهد.

خرید دهها هزار مارک آلمانی و اسباب برای حاد شخصی خود به تنگنای زحمتکشان ایران آنیم در حالی که زحمتکشان ما با ن خالی برای خوردن غذا شدند. این وسایل آنقدر زیاد بود که تا یکمست بود که سید رسول بار بندی سوغاتی این آیت الله بنامه ۲۵۰۰ مارک (بسیار هزار تومان) بود. او با متلای خود را یکار مسرتنا دانشجویان مسلمان مبارز برای درسیاست دخالت نکنند، تا رضایتی این دانشجویان موجب ترک او از آلمان غربی و جانشینی این سوبله محتفد سستری کردید.

۱۲ سال اقامت در اروپا از طریق مفتخوری و بجیب زدن بولهای حاصل از خون دل کارگران و زحمتکشان و بار کشت به ایران در سال ۱۳۵۴ و تبریف فرمایشی در میتابادی رژیم شاه به خا به مجلل خود، در حالی که در آن دوره اکثر ساررن از خارج کشور قدم بداخل میکذاشتت بلانافله از زندان اوین و شکنجه گاههای رژیم شاه سردر میاورد. (این سوابق شکنج آتای بهشتی در خارج از کشور توسط انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور - ها مبروک افشا شده است) بلانافله پس از ورود به ایران از جانب رژیم مسور شاه در سازمان کتب درسی مشغول بکار مسودا و در این سازمان به تدوین کتابهای ساخساهی برای نوجوانان ما پرداخته و دیدن سربند به یاد کردن فرهنگ منحط سرمایه داری وابسته در مدارس و بحمین دانش آموزان مشغول میگردد. اسم این عنصر خیانتکار و عوام فریب در صفحه دوم کتابهای درسی ارتجاعی و مسدل زمان شاه نقش بسته بود.

بختی همراه با راجایی، با هنر و چند نفر دیگر رسها مداران شرکت هدف بوده و تا کنون او همچنان به استعمار نوده ها مشغول است. تماس محیا نه آیت الله بهشتی به همراه سارزگان سوز و آلبرال و فقه باغی (حکمه - سوس آریامیری) در حیوه تمام ما "سوسرر" حاسون و مسنا را امپریالیسم آمریکا بسر ای مسوف کردن انقلاب و جلوگیری از تمام سلحانه

شده ها در پیمن ماه ۱۳۵۷. ایجاد شاه پاسداران برای سرکوب انقلاب و نسنا را انقلابیون و خلقها

کشاورزان مبارز رژیم را بعقب می رانند!

جریان از این قرار است که فرزند منقوری به نام محمد بائی که در زمان شاه خاثن تنها پندیده را میب (وکیل مجلس آریا مهری) در منطقه هشتیر بوده و هم اکنون نیز "مسلمان" شده و تا پندیده عرفانی (نما پندیده هشتیر در مجلس شورای اسلامی) میباشد، در ده سال پیش زمینی را در روستای شگردشت (هشتیر) در اختیار کشاورز (جویسان) زحمتگس بنا مهادیت قرار داده بوده تا کشت کند و البته هر ساله حاصل دسترنج او را به نیمتا میبرده است. بعد از قیام (با بائی) مرتجع با استفاده از نفوذی که در رژیم چوری اسلامی بدست آورده است توطئه می چپند که چویسان زحمتگس را از زمینی که مدت ۱۵ سال روی آن کار نموده است و در حقیقت زمین به چویان متعلق است، بیرون کند. برای اجرای این عمل ضد خلقی ۲ ماه پیش با تفاق عده ای از اوباشان به سراغ چویان میروند و میخواهند او را با زور از زمین بیرون کنند که چویان، مبارز مقاومت می کند. با بائی منقوری با تفاق همدستانش چویان زحمتگس را بشدت کتک زده و تهدید میکنند اما چویان مبارز مقاومت نموده و از زمین بیرون نمیرود. چویان زحمتگس که ه نوزما هیت رژیم جمهوری اسلامی را نشناخته بود، روز بعد برای شکایت به دادستانی هشتیر مراجعه و شکایت میکند اما از آنجا تکیه تمام می زما مداران رژیم بوجود اختلافات نشان در سرکوب، توده های زحمتگس با هم متحد هستند. دادستان به خواستهای بحق چویان زحمتگس هیچ اعتنائی ننموده و با جواب سربالا او را رد میکند.

چویان زحمتگس که می بیند رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به خواستهای بحق او کمتر رسن توجهی نمیکند، بلکه پشتیبان بولداوران سرمایه داران است به میان روح خائیان محفل رفه و حوران را میکوبد. روح خائیان زحمتگس را با نتیجه اعمال ضد مردمی رژیم بخشم آمده و تصمیم میگیرند مساعده را در مقابل زورگویی بقا و مت نموده. چنانچه دو باره با بائی با هر مقامی کذب یا بدخواه چویان زحمتگس را از زمین اخراج نماید، به ترتیب که شده حتی با روزگاری بیوس با بسند رژیم ارتش او گیسری مبارزه روستائیان محوره عقب نشینی شده و نتوانسته چویان مبارز زحمتگس را از زمین بیرون نماید.

کسا و ران زحمتگس و مبارز! اس عمل مبارزانی تمام خرابی نشان می دهد که حنا نجه متحد شده و مبارزات خود را یکجا رجه و متحدانه به پیش ببرید، مسئولان بدخواه استهای بحق خودتان را به رژیم می مستکبران تحمل نماسند. آری، چه خوب گفته اند که جاره رنجبران وحدت و یکپارگی است. (بیک - سحرار ۱)

سفارت آمریکا، آشکار شد با زرگان بدفاع از آنها پرداخت و گفت که این جا سوسیها با اجازه او صورت گرفته است، و گفت: "اگر روزی در گراش-های چند سفارت خانه دیگر هم این اسناد بدست آید که تا بدسریه ۲۰۰ فقره بزنده از سوی آقای امیرانتظام و با بیروزراء نمی توانند دلیلی سرخیانت باشد!" و بدین ترتیب میکوشد جا سوسان را تطهیر نماید.

ملاقات با برژیسکی مشاور امنیت کارتر، برای سازش با امیرالایسم در ۱۱ آبان ۵۸ این ملاقات هدفی جز قبول و قرار گذاشتن برای حفظ منافع امیرالایسم نداشت.

بازرگان در زمان نخست وزیری امین، مسئولیت مستقیم در اجرا و تدوین در تماشای قوانین ضد کارگری و ضد خلقی داشت.

بازرگان با کوشش تمام میکوشیدند تا دهها و ارکانهای سرمایه داری و بسته را با زسازی کند، دفاع از ارتش ضد خلقی شاه خاثن که اسلام آورده بود، هدفی جز تحکیم سرمایه داری وابسته نداشت.

او در سخنانش همواره از منافع سرمایه-داران دفاع کرده و بر علیه کارگران و زحمت-کشان و کمونیستها تبلیغات میکرد.

ما حبا امتیاز نشربه ضد انقلابی میزان و از رهبران دارنده ارتجاعی "نهضت آزادی ایران" بدین ترتیب خون صدها تن از دلیرترین

فرزندان زحمتگس ایران، در مبارزات کارگران و خلق کرد و ترکمن و... از آنکشان با زرگان نیز میجکد و با طراقتادامتن در سرکوب توده ها و کوشش فراوانش برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، خاثن به خلقهای قهرمان ایران است.

این کارنا مدحیانت با رکی اس که با با یمال کردن خون شهیدان انقلاب نخست وزیر شد، در کشتار توده ها شرکت کرده و همواره غمگسار منافع امیرالایسم در ایران بوده است. اکنون چنین کسی از "آزادی" صحبت میکند طبیعی است "آزادبخواهی" جنس شخص خائشی جز آزادی بودن در داد مدحیانتها معنای دیگر نخواهد داشت.

دعواهای لیبرالها و جریسها دعوائی دروغه است، لیبرالها میکوشند تا خود در رأس امور قرار بگیرند و جانیهای کدتنه خود را ادا مده دهند. لیبرالهای مرتجع آزادی برای خلقی نمی خواهند، آنان آزادی برای غارت و جباول خود می خواهند. با سراسر هرگزند با سرب فریب شعارهای عوام فرسانند لیبرالهای خائشی چون با زرگان وسی صدر را خوره، آنان دسایس کارگران، زحمتگس، کمونیستها و ده ها انقلابیون میباشند. آنان با رومح-مسئول امیرالایسهای خونخوار و سار بر این دشمنان آزادی و استقلال میباشند.

بقیه از صفحه ۱۱ کيفر... هرگز پندیده نکرده، او قیام بر شکوه بهمن را "مصیبت بزرگ" نامید و گفت: "ما دام که ۳-در دست مردم است آجر روی آجر بند نمی شود." (مباحیه مطبوعاتی در ۳ آذر ۵۸) و گفته معروف دیگری نیز در این مورد دارد که: "میخواستیم با ران بیاید، سیل آمد" و بدین ترتیب نفرتش را از سیل خروشان توده ها آشکار ساخت.

بازرگان در واقع فراری دهنده دشمنان جنایتکار خلقهای ایران از زندانهاست، او بختیار مزدور تره باغی و بالیزبان جلاد و... دهها تن از جنایتکارترین مزدوران امیرالایسم را از زندان فراری داد.

بازرگان میکوشید، هویدا و بسیاری از مزدوران امیرالایسم را از مرگ نجات دهد و حتی کوشش داشت با جلوگیری از اعدام سپهبد مقدم، رئیس ساواک، پست ریاست فداطلاعات ارتش را به او بدهد. (در دعواهای میان دو جناح حکومت، خلخالی جلاد این موضوع را فاش ساخت)

آقای با زرگان مبتکر سیاست گام-بگام در مورد آشتی و سازش با امیرالایسم آمریکا است.

او که نمی توانست بیکبار ره بطور کامل سرمایه داری و بسته را با زسازی کند، میکوشید بتدریج امیرالایسم را کلا در ایران مستقر کند، و در مباحیه اش با اوریا نالاجی (با مداد ۲۱ مهر ۵۸) از اینکه در خارج مبتکر سیاست گام-بگام را شاهپور بختیار زمینداند، ناراحت است و میگوید که شاهپور بختیار را از او خط میگرفته است!

او نخست وزیر دولت موقت بود که جنایات فراوانی در سرکوب خلقهای کرد، ترکمن و عرب و کشتار کارگران بیگنا روز زحمتگس بی مسکن و سرکوب انقلاب انجام داد. در نوروز خونین ۵۸، ترکمن صحرا و کردستان را بخون کشید و مدتها بفرار گشت و در بیورش جمهوری اسلامی به خلق کرد، در مرداد و شهریور ۵۸ نیز مشارکت کامل داشت. او در تیرباران، شکنجه و زندان کلیسه انقلابیون و کمونیستها در دوران نخست وزیریش، مسئولیت مستقیم دارد.

همکاران با زرگان در دولت موقت، با عناصر مزدور امیرالایسم آمریکا بودند، ما ننده قره-نی که در کودتای ۲۸ مرداد برای برگرداندن شاه خاثن به قدرت، شرکت داشت. ارتشید فریب-سد، فراماسیون و از نزدیکان شاه خاثن، اردلان، مولوی و نزیه که هر سه اکنون در خارج از کشور با بختیار خاثن همکاری میکنند و با لیبرالهای خائشی بودند که به همکاری و همراهی با امیرالایسم آمریکا میپرداختند، ما ننده مدنی جلاد خلق عرب، چمران جلاد، خلق کرد، یزدی و قطب زاده خاثن و میناجی و امیرانتظام جاسوس، هنگا میکه توده ها به مزدورانی چون امیرانتظام، یزدی و صباغیان اعتراض میکردند با زرگان بدفاع از آنها برخاسته، میکفت: "نمی توانم پاک ترا یزدی، امیرانتظام و صباغیان بیداکیم."

وقتی جاسوسی امیرانتظام و میناجی در اسناد

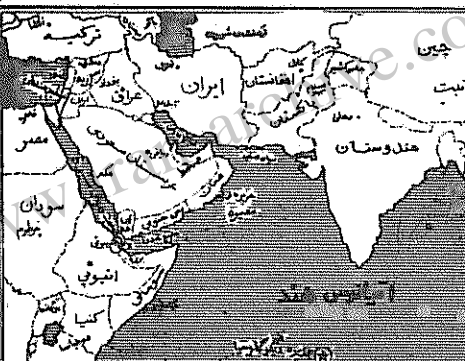
بانک‌های نظامی و مستشاران امپریالیسم آمریکادر منطقه

هما نظیر که میدانیم منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند یکی از مراکز رقابت‌های امپریالیستی است. اهمیت استراتژیک منطقه، نیروهای نهفته در آن و تشدید روز افزون مبارزات ملی و طبقاتی در این نقطه از جهان، قدرتهای امپریالیستی را بر آن داشته تا هر چه وسیع‌تر در جهت تحکیم موقعیت خود بکوشند. در این ارتباط، امپریالیسم آمریکا از دیرباز در این جهت کوشیده و بمناسبت یکی از دو قدرت تجاری و کارا را ملی در منطقه عمل نموده است. پس از نکتست مفتوحانه آمریکا در ویتنام، امپریالیست‌های بانکی در پی آن برآمدند تا از طریق تقویت رژیم‌های وابسته منطقه‌ای موقعیت و منافع خود را حفظ کرده آنرا تحکیم بخشند اما رشد مبارزات خلق‌های منطقه، سقوط رژیم فاشیستی شاه، تشدید رقابت و فعالیت سوسیال امپریالیسم در منطقه آمریکا را بر آن داشت تا علاوه بر تقویت بی‌سابقه رژیم‌های وابسته منطقه، خود را با بهای بسیار با بانک‌های نظامی بیشتر و تقویت حضور مستقیم خود در فزاید، اگر رژیم‌هایی مانند انگلستان، اسرائیلی، عربستان، ترکیه، پاکستان، مصر، اردن و... به لحاظ وابستگی آنان به آمریکا همچون چماق سرکوب خلق‌های منطقه و با سدا و منافعی جهان‌خواهان آمریکائی عمل میکنند و ارتش و سایر قوای سرکوب این کشورها در حقیقت بمناسبت بازاری دردست آمریکا بوده و آنها تحت نظر مستشاران بانکی تربیت شده و به انواع و اقسام سلاح‌ها و مهمات جنگی آمریکائی مجهز می‌باشند، آمریکا خود نیز بطور مستمر مستقیماً به ایجاد بانک‌های نظامی و ارسال ناوگان‌های جنگی اقدام نموده است. در زیر به نمونه‌هایی از بانک‌های تجاری آمریکا در منطقه اشاره می‌نمایم:

ترکیه به لحاظ موقعیت مهم خود در منطقه و بخصوص همجواری آن با بخش اروپائی شوروی و برای آمریکا دارای اهمیت بسیاری می‌باشد به همین خاطر در حال حاضر امپریالیسم آمریکا برای محاصره نمودن امپریالیسم روس دارای ۸ پایگاه موشکی در خاک ترکیه می‌باشد، این پایگاه‌ها که با تجهیزات بسیار مدرن نظامی و جاسوسی مجهز اند بخصوص در شرق و در کناره‌های دریای سیاه استقرار یافته‌اند. علاوه بر آن آمریکا دارای سه پایگاه هوائی و سه پایگاه دریائی در ترکیه می‌باشد. رژیم صهیونیستی اسرائیل اگرچه بمناسبت زاندا در منطقه‌ای آمریکا عمل میکند، اما در عین حال آمریکا خود نیز دارای دو پایگاه دریائی و هوائی در این کشور می‌باشد. پس از به هم خوردن مناسبات مصر و شوروی



و اخراج ۱۷۰۰۰ مستشار روسی در سال ۱۹۷۲، رژیم سادات سرعت مصر را به پایگاه روزافزاینده بزرگی برای آمریکا تبدیل نمود، بنحوی که در حال حاضر هزاران مستشار آمریکائی در مصر استقرار یافته‌اند و آمریکا در خاک مصر دارای یک پایگاه موشکی، یک پایگاه هوائی و یک پایگاه دریائی می‌باشد. پس از اخراج روسها از سومالی، آمریکا در بندر "بربرا" یک پایگاه هوایی و دریایی عظیم بدست آورد، این پایگاه در کناره‌های یک راه هوائی و دریائی آمریکا در کشور کنیا اجازه میدهد تا امپریالیسم آمریکا از جانب غروب،



اقیانوس هند را زیر کنترل خود قرار دهد. در مورد آنچه که به قسمت شمالی اقیانوس هند مربوط میگردد بسیار بدگفت که آمریکا دارای یک پایگاه دریائی در بحرین و چند پایگاه هوائی و دریائی در عمان و بخصوص در جزیره "میسره" می‌باشد. این پایگاه‌ها بر خلیج فارس و تنگه هرمز، دریای عرب مسلط بوده و ناوهای شوروی را زیر نظر دارند. به علاوه هما نظیر که گفتیم رژیم عربستان نیز بمناسبت چماق آمریکا عمل کرده و اخیراً عربستان با دریافت سلاح‌های مدرن از آمریکا و اروپا و با مستقر نمودن چهار هواپیمای غول پیگرا سوسی آواکس، خود را تقویت نموده است. هم‌اکنون حدود ۲۰ هزار مستشار آمریکا ۲۵۰۰۰ مستشار فرانسوی و انگلیسی در عربستان وجود دارند که به کنترل ارتش ۷۰ هزار نفری این کشور و تجهیزات نظامی آمریکائی مشغول می‌باشند.

علاوه بر پایگاه‌های فوق آمریکا در جزیره "دیگوگارسیا" در مرکز اقیانوس هند دارای یک پایگاه عظیم موشکی، هوائی و دریائی می‌باشد.

بانک‌های نظامی و مستشاران سوسیال امپریالیسم شوروی در منطقه

ایجاد بانک‌های نظامی و جاسوسی و ارسال مستشاران نظامی و غیر نظامی از جمله اسزاری است که در خدمت نفوذ و سلطه امپریالیست‌ها قرار دارند. سوسیال امپریالیسم شوروی نیز بنا به ماهیت امپریالیستی و تجاری و زکرات خود در این زمینه بسیار فعال است. شوروی از یک سو با طرح سرکوب جنبش‌های مردمی و انقلابی و حمایت از ارتجاع حاکم و از سوی دیگر با طرح فعالیت سوسیال امپریالیسم آمریکا در نقاط مختلف جهان به ایجاد پایگاه‌ها و ارسال مستشاران اقدام نموده است. الیته در ویتنام، شوروی با خائن خروخچی چنین تبلیغ میکنند که شوروی بخاطر گسترش انقلاب و سوسیالیسم "به چنین اقداماتی دست می‌زند، اما ما میدانیم که این فریبی بیش نیست. امپریالیسم آمریکا تحت بهانه "گسترش دموکراسی و دفاع از آزادی" تجاری و می‌کند و سوسیال امپریالیسم تحت بهانه "گسترش سوسیالیسم" تجاری و می‌کند و نفوذ و سلطه امپریالیستی خود را توجیه می‌نماید. در اینجا نمونه‌هایی از بانک‌های تجاری و ارسال مستشاران روسی را ذکر می‌کنیم: در نیویورک ۳ هزار نفر مستشار روسی، ۱۵ هزار سرباز و مستشار کوبائی و ۲۰ هزار مستشار آلمانی شرقی وجود دارند. در ضمن بقیه در صفحه ۱۵

آمریکا از طریق این پایگاه نظامی تمام آمد و رفت‌ها در اقیانوس هند را کنترل کرده و رقابت با شوروی از ظرفیت وسیعی برخوردار گشته است. امپریالیسم آمریکا علاوه بر پایگاه‌های نظامی دارای نیروهای دریائی گسترده‌ای در منطقه می‌باشد، وجود نیروهای تجاری و ناوگان ششم در مدیترانه و قسواً ناوگان هفتم در اقیانوس هند به آمریکا اجازه میدهد تا با امپریالیسم شوروی بر سر غارت و تجاری و به رقابت گسترده‌ای دست بزند.

بدین ترتیب مشاهده میکنیم که امپریالیسم جنایتکار آمریکا چگونه بر منطقه جنگ انداخته است تا با سرکوب خلق‌های این نقطه از جهان همچنان به استثمار و چپاول خود ادامه دهد. امپریالیسم آمریکا با انقضای دهه‌ها برای "حفظ صلح" و دفاع از "آزادی مردم" در مقابل شوروی، در منطقه به ایجاد پایگاه‌ها پرداخته است، حال آنکه بیرواضاح است جنایتکاران و اشنگتن برای غارت هر چه بیشتر با شوروی رقابت می‌نمایند. صلح واقعی در منطقه زمانی به چنگ می‌آید که همه امپریالیست‌ها و همه رژیم‌های مرتجع و مزدور منطقه تا بدگر دیده و خلق‌ها با کسب آزادی و استقلال سر نوشت خود را خود تعیین نمایند.

انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال

یازدهم دیما میرا بر است با اول
ژانویه ۱۹۸۱ با فرارسیدن اینروز
انقلاب خلق فلسطین ۱۶



سال از عمر سراسر مبارزه و قهرمانی خود را پشت سر گذاشته است، انقلاب مسلحانه تیسوسدهای فلسطین پس از زایمانی پردرد، طولانی و خونین در چنین روزی متولد شد و پاشی بود انقلابی به شرايطی که سالین در از بر خلق فلسطین و منطقه خاور میانه ساریا افکنده بود.

انقلاب مسلحانه توده ای خلق فلسطین نفی رژیم سیم بود، نفی تسلیم و انفعال بودن نفی وابستگی و اتکاء به کشورهای غربی بود، با این انقلاب بود که خلق فلسطین از زیر آوار شکستها، مصائب هولناک، آوارگیها و سرگردانیا کامراست کرد پرچم سرخ انقلاب را در فضای منطقه با هتزاز در آورد و در راه برافراشتن آن از خون هزاران زن و مرد و کودک و جوان مدد گرفت.

سیخ و سا زماندهی و مسلح کردن خلق فلسطین، شخصیت بخشیدن به خلقی که از سوی دشمنان و همزبوی با اصطلاح دوستان بر سمیت شناخته نمی شود برداشتن گام نخستین از راه فرسنگ از اولین دستاوردهای این انقلاب بود.

انقلاب فلسطین در مسیر مبارزه فدا میرا - لیستی، فدمیهونیستی و فدا رتجای خود با همه فرازونشیبها و پیچ و خمهای آنها مصممانه راه سیرده است. افت و خیزها و شکستها و پیروزیهای بی برعلایت و افزوده و تجربه ای بسیار غنی در تاریخ انقلابهای منطقه و بلکه جهان بمضه ظهور رسانده است.

انقلاب خلق فلسطین با سلاحهای افراشته انقلابیونش، مانعی جدی در راه پیشبرد اهداف غارتگرانها میرا لیسم و صهیونیسم و ارتجاع است، چوبی است لای چرخ توطئه های سازشکارانه و نقطه اتکاء و آغوش بازی است برای جنبشهای انقلابی دیگر خلقها، انقلاب فلسطین در یکی از پیچیده ترین شرایط سیاسی حرکت میکند و هر لحظه در معرض توطئه ها، کشتارها و محاصره ها است.

انقلاب فلسطین را رژیمهای ارتجاعی همواره با زیجه دست خود خواسته اند ولی علیرغم پیچ و خمها و دشواریها و سرکوبیهای فراوان، انقلاب که متکی به توده های زحمتکش فلسطینی است راه را یافته و با ستیز تمام در برابر توطئه گران داخلی و خارجی خود ایستاده است. انقلابی که طی ۱۶ سال گذشته در معرض کشتارها و توطئه های بی حساب نظیر سبتا میرسیا هدرآوردن و ۶ سال جنگ داخلی در لبنان و توطئه کمب دیوید قرار گرفته و در داخل سرزمینهای اشغالی در معرض انواع

فشارها از سوی فاشیستهای اسرائیلی بوده ولی همواره سرسخت ترسیر آزرده و یکدم دست از روی ما نه برنداسته و با سخ تزلزلات رهبری غیر سیر پرولتری خود را با شعار "نوره حتی النصر" و "النوره مستمره" داده است هرگز نخواهد مبرد.

انقلاب فلسطین علیرغم ضربات دردناک و افتادن ها همچنان قامت بر میا فرزند و بسوی محو "اسرائیل" از نقشه جغرافیای منطقه، بسوی فلسطین دموکراتیک به پیش مینازد. راه آزادی فلسطین بدون شک از آزادی بسیاری از کشورهای عربی میگذرد و پیروزی خلق فلسطین بسوی نزدیک با پیروزی دیگر خلقهای منطقه دارد.

پیوندنا گسستی بین توده های زحمتکش و قهرمانان ایران و فلسطین و روابط انقلابی موجود بین انقلابیون فلسطینی و ایرانی از سالیهای سیاه خفقان گذشته، بنشانه ای از سر نوشت مشترک خلقهای ایران و فلسطین است.

در اینجا با پیدا فاکتیم که ما خود را موظف دانسته و میدانییم که سواستفا ده رژیم جمهوری اسلامی از آرمان فلسطین را که برای موجه جلوه دادن خود و کسب حمایت توده ای آنها میشود و همچنین تلافی رژیم برای تخریب در جنبش فلسطین را افشا و محکوم کنیم، وفاداری ما به آرمان فلسطین افشای دشمنان آنرا (که در لباس دوست ظاهر شده و به خلق فلسطین از پشت خنجر میزنند) ایجاب میکند. زحمتکشان فلسطین و انقلابیون آن میداند که تنها این کارگران و زحمتکشان ایران و نیروهای نماینده آنها نیستند که تا سرحد پیروزی همبیمان تزلزل ناپذیر خلق فلسطین باقی خواهند ماندند و نیروهای ما نیستند آنها که قدرت سیاسی را در ایران غصب کرده اند.

ما میلاد انقلاب فلسطین را بعنوان عید فلسطین و عید خلقهای ستمدیده و بیچاره استه ایران تلقی کرده ایم و گرامی میداریم. خاطره آن روزها خلق قهرمان فلسطین برای ادامه راه تاپیروزی بیمان را تجدید میکنیم، بر موضع کمونیستی "حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش" و اینکه جنبشهای آزادیبخش ملی جزئی از مبارزه جهانی پرولتاریا است پای می فسریم و همبیمانان استراتژیک انقلاب و خلق فلسطین باقی خواهیم ماند.

درود بر انقلاب فلسطین
تا بود با میرا لیسم، صهیونیسم و ارتجاع

نصفه از صفحه ۱۴ **بایگهای ...**

ناوگانهای سوسال امیریا لیسم در بنادر "آساب" و "تا ساوا" در استوایی از حق توقف برخوردار میباشند. و بعلاوه شوروی در آدابا دارای یک پایگاه هوایی میباشد. در یمن جنوبی ۸ هزار مستشار روسی، ۱۸۵۵ مستشار کوبائی و ۳ هزار مستشار آلمان شرقی وجود دارند. بعلاوه شوروی در عدن دارای یک پایگاه نظامی مهم بوده و در مدخل خلیج عدن در جزیره ای بنام "قطره" متعلق به یمن جنوبی سیزدهای پایگاه دریائی و هوائی میباشد. در عراق سوسال امیریا لیسم دارای یک پایگاه در "ام - القصر" واقع در بندر صمره میباشد و از آنجا که شوروی اصلی ترین تامین کننده اسلحه عراق میباشد، تعداد زیادی از مستشاران روسی در این کشور وجود دارند. در سوریه شوروی دارای یک پایگاه در "لاذقیه" میباشد. گذشته از موارد فوق، ناوگانهای نظامی شوروی از حق توقف در اطراف اقیانوس هند ما هند ما "بمبئی"، "مدرس"، "کنشین" و "پشکا پانتا" در هند، "دیگر سوارز" در ماداگاسکار، "بنسار" "تا کاللا"، "بشرا" و "ما پوتو" در مجمع الجزایر "سیشل" و جزیره موریس برخوردار است.

البته نا گفته نماند که شوروی در سوما لی نیز هزار مستشار نظامی و غیر نظامی و یک پایگاه نظامی - جاسوسی در بندر بربره داشت که پس از تیره شدن مناسبات این دو کشور، مستشاران روسی مجبور به ترک کشور شده و شوروی پایگاه خود را از دست داد. که بلافاصله میرا لیسم آمریکا جای او را اشغال نمود.

منطقه خلیج و اقیانوس هند یکی از مناطق حساس جهان است که میرا لیستها بخصوص شوروی و آمریکا به رقابت شدیدی در آن دست زده اند. تا سیاست نظامی، ناوگانهای جنگی و مستشاران نظامی و فنی در خدمت سیاستهای توسعه طلبانه میرا لیستها قرار دارند و آنچه که میرا لیسم روس در این منطقه از جهان انجام میدهد دقیقاً در خدمت اهداف تجار و زکرائه و امپریالیستی آن قرار دارد. این اهداف فاکر روزی در اشغال نظامی افغانستان نظامی هر می کند در روز دیگر (در همدستی با رژیم ارتجاعی اتوپی) در سرکوب جنبش خلق اربتره خود را نشان میدهد آری شوروی همزه دیگر میرا لیستها نه "ملح و آزاد دی" و نه "انقلاب و سوسیا لیسم" بلکه تحاوز

و سرکوب ما در میکند. تنها در سال گذشته سوسال امپریالیسم شوروی مبلغ ۹ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای جهان بخصوص منطقه خاور میانه فروخته است. این امر نشان میدهد که شوروی همپای دیگر امپریالیستها چگونه رژیمهای ارتجاعی را علیه انقلاب و خلقها مسلح میکند. آری هم این واقعیتها با بیاننگارین حقیقت است که شوروی نه "دوست و یشتیان" خلقها، بلکه یکی از دشمنان ستمگر طبقه کارگر و خلقهای جهان بشمار می آید.

"فدائیان اسلام" و غارت اموال جنگ زده

اگر ارتش ارتجاعی عراق جان و مال مردم زحمتکش مناطق جنگ زده را از تجاوز خود مسمون نداشت و بدنبال تسخیر شهری خانه های مردم را جپا و ل کرده اند، نیروهای کتبی و روز برای "عدل اسلامی" حنجره باره میکنند نیز از اموال مردم میگردانند و خود را رها کرده و آوار شهرها گشته اند، نمیگذرند. "فدائیان اسلام" که از مهر ما در هتلهای گارا و اسراهای آبادان مستقر بودند از این غارت ها بی نصیب نمانده اند. مسئول آنها "سید مجتبی هاشمی" تا جاییکه معلوم شده یک دستگاره تومبیل شورت "نوا" و یک عسدر قالی بسیار زگران (که گویا ۱۶۰ هزار تومان قیمت دارد) از خانه های مردم دزدیده است، سایر افراد گروه وی نیز وسایل زیادی از جمله موتور - سیکلت و... را از منازل مردم آواره دزدیده و بدیگران فروخته اند.

در حالیکه مردم مناطق جنگ زده خانه و زندگی خود را رها میکنند و سعی میکنند جان از مهلکه بیرون ببرند، ارتش اسلام "برای آینده خود اموال مردم" سرمایه آینده خود را تامین میکنند زهی بشیرمی!

☆☆☆

بقیه از صفحه ۱۷ نگاه کنید...

خرم آباد

در تاریخ ۸/۲۶ عده ای از آوارگان در خرم - آباد برای گرفتن کارت خواروبار جلیبی اداره کار و امور اجتماعی جمع شده بودند. اما مسئولین رژیم علام کردند که از کارت خبری نیست و آوارگان باید دوروز دیگر مراجعه کنند. با این جواب خشم آوارگان بالا گرفت آنها میگفتند: "شما خودتان را جای ما بگذارید، نه خانه های، نه غذای، در این شهر غریب ما چکار کنیم، این کارتها حق ماست مگر ما بگدائی آمده - ایم این حق ماست و باید آنرا بدهید"، زن " زحمتکشی میگفت: "اینهمه حرف از عدل و غیره میزنند پس کوشش کنید دست عراقیها را از پشت بسته اید".

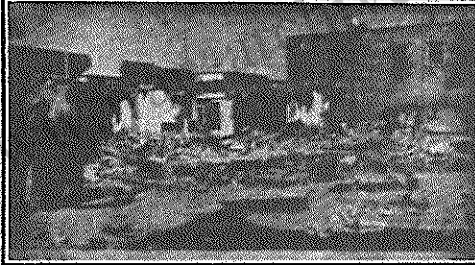
مسئولین اداره کار که از خشم و افشاگری آوارگان بوحشت افتاده بودند در راه بیرونی آوارگان بستند، زحمتکشان که این حرکت را دیدند به در راه هجوم برده و به مسئولین اخطار دادند که در راه با زحمتکشان در همین حین پیروز زحمتکشی در حالیکه بدنبال سنگ میگشت میگفت: "یک سنگ به من بدهید تا این پدرسگ را بکشم" آوارگان با تمام خشمشان با فحش و تازا، تنفر خود را از رژیم ضد خلقی ابراز میکردند. و با مشت و لگد به در راه حمله ور میشوند. شیرزن زحمتکشی میگفت: "تما مملکت را بر سر مردم خراب کرده اند چنین بلاهایی سر ما می آورند و بعد میگویند بیروید

اخبار جنگ

جان بیش از ۵۰ نفر "منقذی خدمت" با دگان سرپل ذهاب در خطر است

در نیمه دوم آذر ماه، گردان "امیر" مستقر در با دگان ابودر (سرپل ذهاب) بخاطر اعتراض به اعزام مجدد آنها به خط مقدم جبهه "اقدام به تحصن مینمایند روز ۲۲ آذر ماه ۵۹ آخوندی بنام احمد زمانیان (نماینده آیت الله خمینی) در با دگان آنها را تهدید میکند و میگوید "گه اگر به جبهه نروید شما را میکشیم" و در نتیجه اعتراض افراد درگیری شدید لفظی پیش می آید، و میگوید "هر کس که ما بیل نیست در جنگ شرکت نماید بیاید بیرون تا به ستاد برویم" بین ۵۰ - ۶۰ نفر از افراد منقذی خدمت از صف بیرون می آیند، همه آنها را دستگیر کرده و با تیراندازی هوایی و حمله به بقیه افراد از زیوستن آنها بیکدیگر خودداری مینمایند، دستگیرشدگان را با یک تربیلی اطاقدار به نقطه نا معلومی میبرند، از سرنویست این افراد کوچکترین اطلاعی در دست نیست و کوشش خانواده های آنها برای یافتن بجای نرسیده است

☆☆☆



جنگ و جنگید و کشته شوید، برای کی، برای چی "جنگیم برای شما که اینطور میزور میگوئید و ادیتان میکنند؟ در درگیری که بین مردم و عمل رژیم ایجاد میشود یک نفر از زحمتکشان را دستگیر کرده بدرون اداره می ببرند، اما بلافاصله در مقابل خشم توده ها مجبور به آزادی او میشوند.

بکیا رنیز آوارگان اطراف آخوندی را که داشت از دردیگرا اداره کار را خارج میشد گرفته و گفتند: "آهای ملا و ایسا ببینیم کجا در میری" و آخوندی که از ترس دست و پا پایش را گم کرده بود و آوارگان را در گردن کارت بدرون اداره برود. مسئولین اداره کار هم وقتی دیدند که آوارگان به مقام خود ادامه میدهند عقب نشسته و کارتها را آورده و ما بین آنها تقسیم میکنند، این پیروزی موقتی آوارگان بر سرای آنها درس بزرگی بود، آنها دریا رفتند که با مبارزه و مقاومت جمعی است که میتواند خنثی کننده های برحقشان را از گلوله رژیم ضد خلقی بیرون بکشد

سرباز کشی بجای "سافربری"

اهواز: رژیم جمهوری اسلامی با تهدید و توقیف دفترچه راهنمایی، رانندگان اتوبوسهای سافربری را مجبور میکند بجای انتقال مردم به شهرهای دیگر، سربازان و افراد نظامی را به آبادان ببرند، تا بحال "دفترچه" های چندین راننده را بخاطر سربرجی از "فرامین" مقامات رژیم گرفته اند، روز ۲۱ آذر ماه در گارا زکیتی - نورد، سافرین با ابراز تنفر از اعمال رژیم که در مقابل خروج مردم از مناطق جنگ زده سنگ می اندازند، پس از ساعتها انتظار با نشستن در اتوبوسها، مقامات رژیم را مجبور میکنند که به اتوبوسها اجازه حرکت بدهند، بدین ترتیب رژیم بنا به ما هیتش نه تنها هیچ کمکی به انتقال مردم غیر نظامی از مناطق جنگ زده و از شیرس تا تک و توپ نمیکند، بلکه حتی مانع حرکت های خود مردم در این زمینه میشود. برای رژیم بهتر است که مردم در مناطق جنگ زده کشته شوند جان مردم که برای رژیم ارزش ندارد.

سرنوشت پتوهای "سپیل زدگان"!

در یکی از حملات ارتش بعث عراق به فرودگاه آبادان، انبار فرودگاه آتش میگیرد، آتش نشانان پس از خاموشی حریق با تعداد زیادی پتوهای سوخته و نیم سوخته مواجه میشوند پس از پرس و جوی فراوان معلوم میشود که این پتوها کمک های "عربستان" و "پاکستان" به سپیل زدگان خوزستان (اسفند ۵۸) بوده که بجای رسیدن بدست سپیل زدگان زحمتکش برای مصارف دیگر (شاید برای فروش آنها پس از افتادن آنها از آسیاب) در فرودگاه انبار کرده بودند جای تعجبی نیست که امروز نیز کمک های مردم به آوارگان جنگ با بدست آنها ن می رسد و یا آنها فروخته میشود، از چنین رژیمی جز این انتظار نیست!

دریافت اسلحه از انگستان

بر طبق خبر موشق دولت انگلستان قبول کرده که لوازم بدکی تا شک چپتن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد، امپریالیزم انگلیس همچنین قول داده که برای تحویل وسایل بدکی هلیکوپتر و هواپیما نیز تلاش بکند. آیا رژیم جمهوری اسلامی میتواند بدون انکاء به کمک های امپریالیستی این جنسک ارتجاعی و خانمان برانداز را ادا دهد؟

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

جنگ غیرعادلانه کنونی همچنان ادامه دارد و در ادامه خودفشار بر رتبه های زحمتکشی که هیچ نقشی در این جنگ ندارند و آواره نهرها شده اند، دویربا بر کرده است. وضع غذایی و پوشاک و بهداشت، اسفناک است در تمام نقاط مسکونی، آوارگان از شیوع بیماریها؛ اسهال چشم درد، اورپیون، زیکطرف و از طرف دیگر فقر و گرسنگی و بیماریهای رنج میبرند و پاسخ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به اعتراضات برحق آنان سرکوب مبارزات و دستگیری عناصر آگاه و آواره - گان میباشند. زیر گوشه های دیگری از فلاکت و مبارزه جنگ زدگان آواره را می آوریم:

ماهشهر

۳ - در تاریخ ۹/۱۱، عده زیادی از آوارگان زحمتکش از کمپ "B" برای گرفتن "بخاری" در دفتر کمپ جمع میشوند. جفا نگیری یکسری از مسئولین کمپ ب مردم میگوید: "ما فقط به ۵ نفر که قبلا اسمی آنها را نوشته ایم بخاری میدهم" که این پاسخ وی با اعتراض آوارگان روبرو شده و میگویند باید به همه ما بخاری بدهید. آوارگان با مقاومت بالا و خیره موفق میشوند که بخاری بگیرند اما به علت خراب بودن بخاریها در تاریخ ۹/۲۰ برای پس دادن آنها به رژیم جلوی دفتر کمپ صف می کشند. رژیم ضد خلقی اگر هم بخواهد شرفش را رتوده های آواره امانی در اختیار آنان قرار دهد، بدترین، خراب ترین و سائل و فاسدترین غذاها را بین آنان توزیع میکند ولی آوارگان ستم دیده از مبارزات برحقشان دست خواهند برداشت؟

۳ - از نجایی که آوارگان زحمتکش منبع درآمد خود را از دست داده اند رژیم ضد خلقی هم از نظر مالی، پوشاک و وسایل گرم کننده و... کمکی به آنها و خانواده شان نمیکند، عده ای از آنان با درآمدی که از راه فروش سیگار، تخم مرغ، شلغم و... پیدا می کنند نیازهای حداقل خانواده شان را برطرف میسازند، اما رژیم اینجا هم ما هیست خود را به نمایش گذاشته و به بیانه "مبارزه با گرانفروشی" ما موربین خود را بسراغ آنان میفرستد. در تاریخ ۹/۱۷ دو ما مورکه کارت کمیته گرانفروشی "را با خود داشتند بسراغ زحمتکشی که تخم مرغ می فروخت آمده و از او میخواهند که بساطش را جمع نماید و چون با مقاومت وی روبرو میشوند با نسبت دادن کلماتی چون "ستون پنجم" و "آدم خراب" و با کشیدن کلت و تهدید وی، زحمتکش آواره را بزور به کمیته میبرند. و این در حالیست که تجار بازاری و سرمایه داران عمده فروش با پشتوانه همین "کمیته مبارزه با گرانفروشی" به غارت و چپاول مردم مشغولند. ۳ - مبارزه و مقاومت آوارگان شهرهای مختلف در مقابل سیاست رژیم که میخواهد آنان را با فرستادن به شهرهای غیرت و بهم... بپراکنده سازد، رژیم را وادار به عقب نشینی نموده است.

خواروباربین آوارگان اسکان داده شده در این مدرسه تقسیم میشود. این مقدار عبارت بود از ۳ کیلو برنج بهر خانوار، مقداری سیب زمینی و پیاز، لوبیا (برای هر نفر ۱۰۰ گرم) و مقداری بود درختشویی و کمی مربا، کمپونا مرغوب و گندیده بودن مواد با لاموجی از اعتراض و خشم بین آوارگان بوجود آورد. آنها از میان خود ۱۵ نفر را به نمایندگی انتخاب کرده و نمایندگان برای آوردن فرامانها به مدرسه به فرماننداری میروند. اما فرماندار در برین آنها حاضر نشده و پینا میفرستد که "همین است و ما بیشتر از این نداریم و هر کس ناراضی است برو". با این پینا فرماندار رمز دور خشم نمایندگان آوارگان با زهم لا میگردد و پس از چندین ساعت تحصن در فرمانداری با لافز فرما ندا ربین آنها آمده ولی جواب مشخصی به آوارگان نمیدهد. آوارگان زحمتکش اینجا هم به پوچ و توخالی بودن حرفهای مسئولین رژیم پی برده و دریا فتند که تنها شرط تحقق خواسته های برحقشان اتحاد و شکل است

مشهد

در حدود ۱۵۰۰ تن از آوارگان جنگ در خوابگاه ها تشکها مشهدا اسکان داده شده اند. آوارگان با بیاد قبلا به دفتر مسئول اسکان در راه - آهن مراجعه کنند که او هم به جوانهای آواره هندا میدهد که کمیته ای برای تحقیق تشکیل شده که جوانهای آواره را با "زور" به جبهه جنگ بازخواهند گردانید. مسئولین رژیم بین آوارگان تبعیض قائل شده و به آنها شکی که در "کمیته تنظیمات" هستند کفش و لباس نومی دهند. در تاریخ ۹/۱۴ وقتی آوارگان بعد از یک هفته وعده و وعید برای گرفتن کفش مراجعه میکنند مسئولین با تحقیر با آنان روبرو شده و یکی از آنان میگوید: "شما باید در جبهه می ما ندیدید در انتان تشکها کشته میشوند و شما اینجا از کفش و لباس صحبت میکنید؟" رژیم های ارتجاعی ایران و عراق بخاطر منافع سرمایه داران آتش جنگ را برافروخته اند که جز کشتار، فلاکت، بی خانمانی و در بدری نصیب دیگری برای زحمتکشان مانداشته است. بنا بر این زحمتکشان این جنگ را از خود ندانسته و از آن بیزارند.

کرج

عده ای از آوارگان جنگ زده در خوابگاه دانشجویان دانشکده کتاش و زری کرج، اسکان داده شده اند. سداران ارتجاع خوابگاه را تحت کنترل داشته و زور و آوارها را به جلوگیری میکنند. آنان از آگاهی آوارگان وحشت دارند و آوارگان زحمتکش در اینجا هم مانند سایر نقاط با کمبود مواد خوراکی و پوشاک و وسایل گرم کننده روبرو هستند. مسئولین رژیم ارتجاعی از دادن کمکهای مردم به آوارگان خودداری میکنند. بقیه در صفحه ۱۶

رژیم در کمپ بعد از مدت ها قطع جیره غذایی آوارگان مبادرت به دادن کارت خواروبار مینما مید که آوارگان به بیانه های مختلف از جمله اعتراض آوارگان به نبودن غذاها و... توقیف میکنند، این حرکت مسئولین رژیم اعتراض و مبارزه آوارگان را در پی دارد.

۳ - در تاریخ ۹/۱۷ عده ای از زنان زحمتکش آواره برای پس گرفتن کارت های توقیف شده به مسجد میروند. اما متصور نمیباشند اما ما گفتن جواب "نه" به بیانه "نما خواندن" زمین آنان میروند. یکی از زنان زحمتکش در مقابل حرکت وی میگوید "الان وقت سیر کردن شکم مردم و وقت عمل است نه نماز" و با دیگران قسرا میگذرانند که برای گرفتن کارت ها روز بعد هم به آنجا بیایند.

در تاریخ ۹/۱۴ یک ماشین با یک پاسدار مسلح از طرف دولت برای خالی کردن انباری که از وسایلی چون پتو، بخاری، یخچال، ماشین لباسشویی، بودرلباس، شلوار، پیراهن و... پر بود به کمپ میاید. زحمتکشان آواره که از یک طرف تیار خود دیده این وسایل را میدیدند و از طرف دیگر شاخه ها را میچینند و آنها را به جیب می اندازند و مانع خروج آن گشته و چند تا از وسایل را نیز مصادره میکنند. پاسدار روبرو به همراه چند نفر دیگر که به کمپ آمده بودند شروع به تیراندازی هوایی کرده و آوارگان را متفرق می سازند. آوری مانده همیشه سرکوب تنها منطق ارتجاعی رژیم، در مقابل خواسته های برحق آوارگان است.

۳ - سربند (ماهشهر) روز جمعه دهم آذر ماه جمعیت زیادی برای گرفتن کوبین قندوشکسر در مقابل بانک صادرات صف بسته بودند. ولی پس از مدتی بانکا اعلام میکنند که کوبین تمام شده این امر با اعتراض نزدیک به ۵۰ نفری که ساعتها انتظار کشیده بودند مواجه میشود. مردم عصبانی میگویند که ما آنقدر می ایستیم که شما کوبین بیاورید. در همین حین از پنجره بانکا می بینند که پاسداربانک در حال گرفتن کوبین است. مشا هدها این وضع خشم مردم را بیشتر میکند و با آمدن عده ای با سدار برای متفرق کردن مردم، اعتراض مردم به درگیری منجر میشود. در این درگیری پاسداران به دستگیری یک نفر از معترضین مبادرت میکنند، که با مقاومت مردم مجبور به آزاد کردن وی میشوند.

پروچرد

مدرسه شریعتی - روز شنبه ۹/۱۵ بعد از دو هفته بی آذوقگی، از طرف فرمانداری مقداری

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

به افشای پیگیرانه لیبرالها برخیزیم!

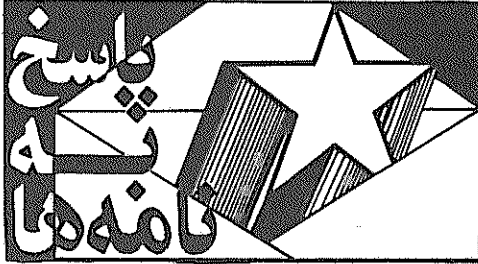
انتقاداتی از جانب تعدادی از رفقا به دستمان رسیده است که از کم کاری "پیگار" در افشای لیبرالها انتقاد شده است! ما ضمن وارد دانستن این انتقادات، ذکر توضیحاتی را در اینجا لازم میدانیم.

رفقا! هر روز که میگذرد مبارزه توده‌ها ابعاد جدیدتری میگیرد، توهامات آنها نسبت به رژیم هرچه بیشتر فرور میریزد و نارضایتی و اعتراض اوج میگیرد، در عین حال بمبوزات او جگسیری مبارزات توده‌ها، جنگ قدرت در بالا نیز شدیدتر - ترمیگردد، حزب جمهوری اسلامی مرتباً در صدد است که یک بیک موضوع با قیما نده لیبرالها را از دستشان خارج سازد و خودیکه تا میدان قدرت شود، در چنین شرایطی از طرفی مردم بدنبال آلتیرنا تیوی درجا معه میگردند تا بدوران کرد آمده و مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی (و در درجه اول حزب جمهوری اسلامی) را گسترده‌تر نمایند، از طرف دیگر لیبرالها، خود را به موضع اپوزیسیون (مخالفت) در آورده و مزورانه میگویند بر جنبش توده‌ها سوار شده و بر آن مهار بزنند، گسترش پایگاه لیبرالها در میان توده‌ها حتی در قم و اصفهان که پایگاه عمده حزب جمهوری اسلامی است (گواهی بر این نظر است.

از این رو در چنین شرایطی که با ردیگر میرود که لیبرالها بر جنبش سوار شده و آنرا تحت تابعیت منافع فدا انقلابی خود در آورند، وظیفه ما کمونیستها بسیار حساس و ترویج تعیین کننده تر میگردد، باید تا و ریم در دوزان قبل از قیام که چگونه مبارزات قهرمانانه خلقهای ستمدیده میهنمان تحت رهبری نیروهای سازشکار رقرار گرفت و سرانجام عقیم مساند، امروز بار دیگر به شکلی جدید و با ترکیبی متنوع ترمی - رود که حاد شده تکرار شود!

رفقا! اگر نسکو شیم که لیبرالهای فسد انقلابی، این محتمل ترین آلتیرنا تیور رهبری توده‌ها را با تمام قدرت افشا کنیم، بی شک با زهم نخواهیم توانست مهر طبقه کارگر را بر سر جنبش دموکراتیک - فدا میریالیستی خلقهای میهنمان بکوبیم شرایط بسیار حساسی است، هر نوع انفعال و کم کاری در افشای لیبرالها عواقب وخیمی را بهمراه خواهد داشت.

ما ضمن انتقاد به کم کاری و عدم حساسیت لازم خود در مقابل لیبرالها، به افشای فعالانسه و پیگیر این فدا انقلابیون، خواهیم پرداخت - در اینراه کلیه رفقا با ارسال مدارک و اسناد افشاکری به "پیگار" و افشای مستقل سابق و سیاستهای لیبرالها در مناطق خود باید به مسامحت کمک نمایند، دست بکار رژیم رفقا، لحظسهای درنگ، خطا خواهد بود، آینده دشوار، ولی درخشان است، بکوشیم با افشای پیگیرانه لیبرالها (در کنار افشای حزب جمهوری اسلامی)، بر نامه و



مواضع کمونیستی را هر چه وسیعتر در میان توده‌ها تبلیغ کنیم.

رفیق هاشم

این رفیق انتقاد کرده است که ما در مقاله ۸۳ بنادرست بر قوت گرفتن احتمال سازش رژیمهای ایران و عراق در اثر رشد جنبش توده‌ها، سخن گفته ایم، رفیق معتقد است که جنگ نه تنها باعث تضعیف پایه‌های حکومت نخواهد شد بلکه تنها راهی است که باعث میگردد حکومت بشوایند توده‌ها را فریفته بر عمر حکومت خویش بیفزاید و از این رو رفیق جنگ را طولانی ارزیابی میکند، رفیق، بنظر ما آنچه تو گفته‌ای درست نیست اولاً رشد جنبش توده‌ها، حتماً رژیم را وادار به سازش با عراق خواهد نمود، چه رژیم برای سرکوب انقلاب با یقوای خود را متمرکز کند و این ممکن نیست مگر آنکه از جنگ در چند جنبه برخوردار باشد، و از آنجا که برای رژیم جنگ با توده‌ها بمراتب با اهمیت تر از جنگ با عراق است، بنابراین برای شدید جنگ با توده‌ها ممکن است به سازش با عراق دست بزنند، در حالیکه هرگز حاضر نیست برای جنگ با بورژوازی عراق دست از جنگ با توده‌ها بردارد! ثانیاً درست است که جنگ در کوتاه مدت باعث تقویت ارتش، گسترش توهم توده‌ها و انحراف ذهن توده‌ها از مبارزه طبقاتی میگردد، اما این مسئله در گسترش جنگ به ضد خود تبدیل خواهد شد و امروز ما خواهد این امر را بروشنی میبینیم.

چه در اثر گسترش و طولانی شدن جنگ، سربازان ارتشی، توده‌های زحمتکش و... از جنگ بیزار شده و خواهان ادامه یافتن جنگ نخواهند شد، طولانی شدن جنگ نه تنها قدرت نظامی رژیم را تحلیل میبرد، بلکه با خسارتهای فراوان مالی که بار میآورد، دورنمای فلاکت را به ارمغان خواهد آورد، گرانی، قحطی، کمبود کالاهای خفکان و... در دنیا له خود اعتراضات مردم را به دنبال خواهد داشت و این همه باعث فروریختن با زهم بیشتر توهم توده‌ها و متزلزل شدن پایه‌های حکومت خواهد شد، واقعیت روند و فاجع در جا معما به روشنی محت این نظرات را نشان میدهد، دیگر از شونیم روزهای اول جنگ خبری نیست، توده‌های وسیعی از مردم خواهان شرکت در این جنگ نیستند و بتدریج از آن بیزار گشته - اند، فلاکت‌های ناشی از این جنگ، و آوارگان گرانی، تشدید خفقان، کمبود کالا و... نارضایتی - ها را تشدید کرده است و مبارزه علیه حکومت

در نزد توده‌ها عمده گشته است و بمبوزات آن جنگ بعنوان مسئله اصلی آزادگان توده‌ها خارج شده و بیک مسئله فرعی بدل گردیده است، مطمئناً توهم توده‌ها با زهم بیشتر فروریخته و جنبش توده‌ها اوج بیشتری میگیرد، بورژوازی نیز این واقعیت‌ها را میبیند و بدلیل وحشت از آن و تلاش برای سرکوب جنبش توده‌ها است که خواهان طولانی کردن جنگ نبوده و تمایل به قطع جنگ (البته بدون زیان اساسی) دارد.

الف - ب - ۱۲

این رفیق در رابطه با مسئله "تخصی" و "مکتب" و برخورد کمونیستها نسبت به آن که در یادداشت‌های سیاسی پیگار ۸۲ نوشته شده است و انتقاد کرده و تکیه میکند که کمونیستها بی "تخصی" سر جنگ نداشتند و آنرا از "مکتب" جدا نمی دانند، و بنا بر این آنچه در این مقاله از اولویت داشتن "مکتب" نسبت به "تخصی" سخن گفته شده، بنا درست است.

رفیق! ضمن آنکه تکیه تو بر این امر که کمونیستها با "تخصی" سر جنگ ندارند و بالعکس از علم و تخصص برای پیشرفت بشریت (البته در سوسیالیسم) استفاده خواهند کرد، مورد تأیید ماست، اما در مورد مقدم دانستن تخصص یا ایدئولوژی؟ تو تقدم بخشیدن به ایدئولوژی را بنا درست دانستی که بنظر ما این نظرنا صحیح است، در توضیح باید بگوئیم دو نظر انحرافی در رابطه با مسئله ایدئولوژی و علم و تخصص و به عبارت جا معتبر نیروهای مولده وجود دارد.

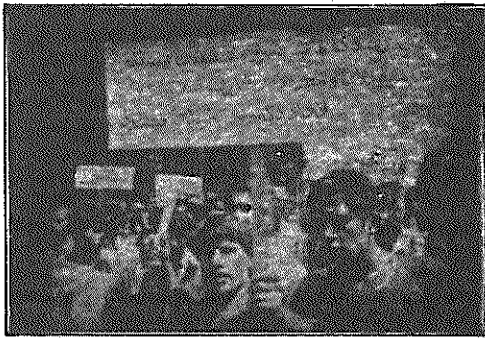
اولین انحراف آن است که به مقام نیرو - های تولیدی، علم و تخصص بهای زیادی داده شود، بی آنکه به ایدئولوژی و روابط تولیدی حاکم برجای توجه شود، انحراف دوم نیز آن است که صرفاً تکیه یکجا نبه‌ای بر ایدئولوژی شود و به نقش رشد نیروهای تولیدی، صنعت، علم و تخصص و... بهائی داده نشود.

از نظر ما رشد نیروهای تولیدی، علم و تخصص و غیره به خودی خود گوهی از مشکلات زحمتکشان نمی گشاید، چرا که اگر این رشد تکنیک و تخصص در چهارچوب روابط سرمایه داری باشد، تنها در خدمت پرکردن جیب سرمایه داران قرار دارد، فی المثال جا معای ما ننند آمریکا اگر چه از تکنیک و تخصص پیشرفته‌ای برخوردار است، اما این تکنیک و "تمدن" تنها بدر سرمایه داران آمریکا میخورد و تنها فقر و فلاکت زحمتکشان آنجا را بیشتر میکند، از اینروست که بنظر ما نوع روابط تولیدی و ایدئولوژی طبقه حاکم است که میتواند ندنشا ندهنده مترقی یا فدا انقلابی بودن آن رژیم باشد، بدین ترتیب تنها جا معسه سوسیالیستی است که فاقد روابط استثمارگرانه بوده و جا معای منکی بر حاکمیت طبقه کارگر و ایدئولوژی انقلابی است، در عین حال، ما کمونیستها خواهان جا معهای عقب مانده نیستیم



مقاومت دکه داران علیه رژیم ادامه دارد

هفته گذشته شهردار تهران در اطلاعیه‌ای به دست فروشان و دکه داران اطلاعیه داد که در عرض ۴۸ ساعت بساط خود را جمع آوری کنید. زیرا در غیر این صورت شهرداری تهران بساط و ظروف قانونی خود را خواهد گرفت. اولین اطلاعیه رسیده و مسلمانان نیز نخواهد بود. پس از قیام عده زیادی از جوانان زحمتکش که بدلائل مختلف از کار خود بیگانه شده بودند و با از قبیل نیز (در زمان رژیم مزدوری پهلوی) هیچ گاه دارای شغل ثابتی نبودند، به این کار روی آوردند. اما در این راه دکه داران همواره با مشکلات زیادی روبرو بودند. رژیم جمهوری اسلامی که هرگز نتوانست پاسخ مناسبی به مسئله بیکاری بدهد، از این کار نیز مانع نمیگردد. چنانکه به دفعات مختلف دستفروشان را تهدید کرده و حتی چندین بار نیز به بساط آنها حمله کرده و با کمال بیرحمی دستگیر کرده و آنها را به گدایی محکوم کرده و با تحمل مشقت‌های فراوان بدست آورده اند. بنا بر این اساس خودشان را نیز زخمی کرده اند. آخرین نمونه اعمال وحشیانه رژیم در مقابل دکه داران، حمله به تظاهرات آنها در مقابل شهرداری او اواخر تابستان بود که منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن عده دیگری گردید. این قبیل اقدامات وحشیانه رژیم برآستی که هر کسی را به یاد اقدامات مشابهی که در رژیم مزدور شاه نسبت به زحمتکشان صورت میگرفت می‌اندازد. ما از این رژیم جز این‌ها منتظرانند. ما خوب میدانیم که رژیم در مقابل پیر کردن جیب سرمایه داران تعهد دارد. آقای شهردار میگوید: "با توجه به مسئولیتی که شهرداری تهران در اجرای قانون حفظ مصالح عمومی مردم دارد، به اینگونه افراد خطا را میشود، ظرف مدت ۴۸ ساعت هرگونه دکه و... را شخصاً جمع آوری کنند در غیر این صورت شهرداری تهران به وظایف خود عمل خواهد کرد." (تا کیذ-ها از ماست) آقای شهردار حفظ مصالح عمومی کدام مردم؟ مرکز زحمتکشان که از روی ناچاری تمام مصالح این قبیل کارها را به جان میخرند و در چله زمستان ساعتها در خیابانهای ایستاده تا بلکه لقمه نانی برای سفره خود بخوانند. تا تهیه کنند، چه مردم نیستند؟ آبی خانیان شدن اینها یعنی حفظ مصالح آنها؟ نه ما به خوبی میدانیم آن مردمی که شما از آن حرف میزنید همان صاحبان فروشگاههای بزرگ و لوکس همان تجار بازار و همان سرمایه داران می باشد. شما دقیقاً از مصالح آنها صحبت میکنید و مصالح آنها را ایجاب میکنید که بساط دکه داران بهم بریزد. زیرا در غیر این صورت ممکن است به



کسب و کار آنها لطمه بخورد. شما با راه‌های اجرای اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه خود مسئله زبانی شهر را بیجا نه کرده‌اید، در حالیکه این حرفهای شما دیگر کوچکترین رنگ و بوی نزد زحمتکشان ندارد. امروز چه فریبکاری را نه رژیم برای بسیاری از توده‌ها نمایان شده است. وقتی آقای شهردار میگوید "ما به وظایف قانونی خود عمل خواهیم کرد" برای ما روشن است این وظایف قانونی کدام است؟ زیرا ایشان قبلاً بارها و بارها به این "وظایف قانونی" عمل کرده‌اند. وظایف قانونی شما چیزی نیست جز حفظ منافع سرمایه داران، تجار بازاری بهر شکل ممکنه. وظایف قانونی شما یعنی سرکوب و وحشیانه دکه داران زحمتکش، یعنی همان وظایفی که او اواخر تابستان جلوشهرداری به آن عمل کردید و ۱۰۰۰ روز با توجه به اینکه هیچ تغییری در جهت بهبود وضعیت این زحمتکشان بوجود نیامده است و تازه به مدد جنگ وضع زندگی آنها خرابتر از گذشته شده است به همین جهت

خواست اصلی آنان که همانا ایجاد کار است همچنان به قوت خویش باقی است. جواب دکه داران در مقابل تهدیدات شهرداری همچنان این حرف خواهد بود: تا اینجا دکه همچنان دکه -ها و بساط خود را حفظ خواهند کرد و در مقابل حملات وحشیانه سرمایه‌داران سرمایه‌داران به مقاومت خود ادامه خواهند داد. اما آنچه ضروری است که دکه داران و دست فروشان به آن عمل کنند:

- ۱- شکل خود را سوسمان دهند و در آنجا -هایی که اتحادیه‌ها دارند، میادین به ایجاد اتحادیه کرده و نمایندگان مبارزی از بین خود برای رسیدگی به مسائل مربوط به خود انتخاب کنند.
- ۲- اقدامات و تصمیمات خود را در نقاط مختلف شهرها هنگ کرده و یکپارچگی بین خود را تقویت نمایند.
- ۳- وضعیت زندگی و کار خود (و اینگونه - چارند تا ایجاد کار به این کار ادامه دهند) برای مردم در گذرگاهها توضیح داده، ماهیت سرکوبگرانه رژیم و رفتار سرمایه‌داران و علیه این افراد زحمتکش را افشا کنند و از این طریق حمایت توده‌ای را جلب نمایند.
- ۴- شعارها و خواسته‌های خود را از هر طریق که میتوانند (اعلامیه - شعار نویسی و...) بین مردم تبلیغ کنند که دکه داران و دست فروشان تنها با حفظ اتحاد و تشکیل خود میتوانند در مقابل هر نوع تهدید و حتی اقدامات وحشیانه رژیم حاکم مقاومت کنند.
- آری کار برای دکه داران حق مسلم است و بر واضح است که دکه داران به حقوق خود دست نخواهند داد. مبارزه مبارزه‌ای قاطع علیه ارتجاع حاکم.

پاسخ ...

ما به رشد تکنیک، صنعت و... نیز اهمیت بسیار زیادی میدهم و آنرا عاملی در جهت ایجاد رفاه برای کارگران و زحمتکشان (البته در یک رژیم انقلابی) میدانیم. اگرچه ما هم به رشد تکنیک و صنعت و تخصص و... و همه ما به اهمیت روابط حاکم بر جامعه، طبقه حاکم و ایدئولوژی آنها به اهمیت ما این امر به آن معنی نیست که به هر دو عامل بیک اندازه اهمیت میدهم. خیر! اینطور نیست ما ضمن اهمیت دادن به تکنیک و... نقش مقدم روابط تولیدی حاکم بر آنها، طبقه حاکم و ایدئولوژی را فراموش نمی‌کنیم. هرگاه به نقش ایدئولوژی انقلابی و روابط تولیدی حاکم بر رشد نیروهای تولیدی کم بیاوریم، دچار انحراف شده و بجای آنکه رشد نیروهای تولیدی را برای تحکیم مناسبات انقلابی در جامعه بخواهیم، از رشد نیروهای مولده برای رشد نیروهای مولده حمایت کرده‌ایم! این

شعاری است که بورژوازی سرمایه‌دوستانیکو شاد با پوشش‌های ظاهری "تمدن" و "تکنیک" و... بر ماهیت روابط استثماری و ارتجاعی، سرمایه‌داری پرده افکنده و تمدن بورژوازی را رفاه برای توده‌ها جا بزند.

سایر نامه‌های رسیده

رفقا، ه - رحیم از تبریز - ح از مصلح نازی آباد - آواره جندی از آبادان - امیر دانش آموز پنجم دبستان - سهیلا و مادرش زهراب، ن از کرکج - ح - ر، س از شیراز - کامران - ت - غ از خوزستان - م، ن از کرمانشاه - H & D - یدالله - ع از تبریز - ن، تبریز - ج از تبریز - ف از تبریز - س، آ، آ، م، ر، ج - ز - امیر - هسته محلی ۷ - ۴ و ۲۴ - اصغر از محلات جنوب غرب تهران - ح، س از همدان - ع - س، م - دانش آموز اول نظری .

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمپانی و فلاکت زحمتکشان و سازمان دهیم

گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۳)

ترجمه قسمتهای قبلی این مقاله را که در سال ۱۹۷۷ بوسیله حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) منتشر شده در شماره پیش خواندید. اینک ادامه آن:

جناحهای طبقه حاکمه

در بین عوامل داخلی که با عوامل خارجی پیوند خورده و شرایط دوران جدید را ایجاد کرده اند، می توانیم از درگیری بین جناحهای حاکمنا مبریم، این درگیری درونی بعثت قلب - بندی جناحهای اساسی رژیم که بطور کلی از دو جناح بوروکرات و جناح انگلی تشکیل شده، هم اکنون مشکل بسیار حادتری را بوجود آورده است. اگر روشن کردن ماهیت هر کدام از جناحهای رژیم دشوار می باشد، شگفتی این است که هر دوی این جناحها به دستگای دولتی متکی هستند، بدین معنی که هر دو جناح هم بوروکرات هستند، هم انگلی. اما آنچه که این دوران را متمایز می کند این است که اولی مستقیماً در دستگای دولتی حزب بعثت و ارگانهای سرکوب همونی دارد، در حالیکه دومی از طریق قرارداد های خدمات عمومی (شهرسازی و...) و فساد، در دولت، نفوذ خود را اعمال می نماید.

باید یاد آور شد که هر دو جناح از طریق پیوند های سیاسی، قبیله ای و خانوادگی با یکدیگر در ارتباط هستند (۱). اما حادثه شدن تضافات آنها، الزاماً قطب بندی سیاسی را بهمراه می آورد.

رقابت بین دستگای دولتی قدرت فاشیستی حاکم، امری تازه نیست، اما شدت سریع و مهم بورژوازی انگلی مرکب از صاحبان شرکت های ساختمانی دولتی و خصوصی، ملاکین بزرگ و نمایندگان شرکت های خارجی، عناصر فاشیستی از افسران ارتش (بازنشسته با در خدمت) و... موقعیت جدیدی را برای رژیم فراهم آورده است. شروتهای بیکرانی در دست این قشر اجتماعی متمرکز شده، شروتهای که از طریق

(۱) - باید از نسبت فامیلی بین البکر (رئیس جمهور) و معاونش مدام البکریتی یاد کرد، وزیر دفاع سرعمو آندو، برادرزن مدام و داماد البکر است. علاوه بر آن در "شورای فرمان دهی انقلاب" (که قدرت حاکمه را نمایندگی میکند) ۸ نفر از ۲۲ نفر، عضومان قبیله وهمان دهی هستند که البکر، وزیر دفاع اهل دهی در بیست کیلومتری ده البکر می باشد.

غارت و استعمار خلق عراق بوسیله ابزار دولتی و خدمت های آن به منافع خارجیها بدست آمده است. منافع این قشر از منافع قشر دیگر (مرکب از بوروکرات های دولتی و حزب بعثت، مسئولین دستگای سرکوبگری و شوه خوارها که با تمام حیات اقتصادی کشور بدست آنهاست) متمایز است. قشرا خیر، مدام حسین را علیرغم جاه طلبی های او برای رهبری تمام جناحهای حزب پذیرفته است.

بعد از زنا بودی جنبش مسلحانه کردها، افسران ارتش خواستار نقض مهمتری در دستگای دولتی شدند. مبنای استدلال آنها شبه پیروزی ای بود که در کردستان بدست آورده بودند. در عین حال، آنها حزب بعثت را مسئول نابسا مانیه های اقتصادی و شکست برنامهای اقتصادی و کسری بودجه بسیار مهم و آخر سال ۱۹۷۵ میدانستند. پایان این دوران را همه میدانند: طغیان جزایری از وزارت برنامهریزی برکنار شدن و عزت مصطفی (که یکی از مسؤولان و نمایندگان بسیار رز بورژوازی انگلی که بیک خانوادها صاحب کارخانه های مواد ساختمانی وابسته است و عامل شرکت های خارجی بوده) قدرتش محدود گشت.

یادآوری این نکته مهم است که بخش سرمایه داری خصوصی که همچنان با پیرجاست از اهمیت بسیار زیادی در بعضی از بخش های اقتصاد دیر خوردار است. علاوه بر این سرمایه داران انگلی تازه ای بوجود آمده اند که میلیونها دینار (۲) دارائی دارند و سرمایه داران جدید مصرمانند سید مرعی (۳) قابل مقایسه میباشند. البته این بخش خصوصی در عراق در حال حاضر پوشیده تر و محدودتر است. بعنوان مثال بخش خصوصی ۹۲ درصد تولیدات مواد ساختمانی و ۴۵ درصد نساجی را در دست دارد. (نقل از سخنان یکی از مسئولین "در سمینار ریسرچ موند تولید" روزنامه الشوره ارگان حزب بعثت مورخه ۱۶ سینا مبر ۱۹۷۶) (۴).

برای مقاومت در مقابل فشارهای قشر جدید و افسران ارتش، مدام حسین که بخود عنوان گزارف "مارسال اول" را داده است، یک کارزار تبلیغاتی جهت تخفیف فشار نظامی را آغاز کرد. این تبلیغات بر محور تمجید از رهبری سیاسی بعنوان

(۲) - دینار عراقی تقریباً معادل ۲۳ تومان است.

(۳) - سید مرعی معاون نخست وزیر پیشین صروا و همکاران نزدیک سادات که به یکی از میلیوسرهای بزرگ مصر تبدیل شده است.

پیرونی که توانست جنبش مسلحانه خلق کرد را بنا بود کند، دور میزد. از اینجا بود که در یکی از جلسات کمیته با صلاح "جبهه ملی" منعقد در ۲۱ اوت ۷۶ مدام حسین اعلام داشت:

"آخرین توطئه خیانت (جنگ کردستان) بوسیله راه حل نظامی از بین نرفت هر چند این امر نقش بسیار در رخسان ارتش عراق را نفی نمی کند. این ارتش اگر از خطوط اساسی سیاستی که بوسیله رهبری سیاسی و اهداف آن ترسیم شده بود دفاع نمی کرد (و نکند) نمیتوانست نقش موثری در جنگ داشته باشد."

مدام به رقیبان خود در ارتش گفت: "ما بعد از توافق ۶ مارن ۱۹۷۵ (توافق با ایران در الجزایر) و بعد از نقش بر آب شدن توطئه خیانت کفیم که زیا دفخرت فرود وید و کورنه سران کجی خواهد رفت!"

نشریه حزب (۵) ما (صدای خلق) در شماره مورخه ژوئیه ۱۹۷۶ دربار درگیری بین جناحهای رژیم نوشت: "نباید تعجب کرد اگر در شرایط فعلی رقابت بین جناحهای رژیم شدیدتر شود. این طبیعی است که آنها علیه یکدیگر توطئه کنند تا سهم بیشتری از قدرت را بکنند."

آخرین تغییرات در وزارتخانه ها بطور مشخص بیا تکرار رقابت در میان جناحهای رژیم و بویژه بین جناح فاشیستی جدیدی که دور مدام جمع شده است از یک طرف و جناح فاشیستی سنتی البکر که عزت الدوری (وزیر کشور) و افسران ارتش از آنها هستند از طرف دیگر می باشد.

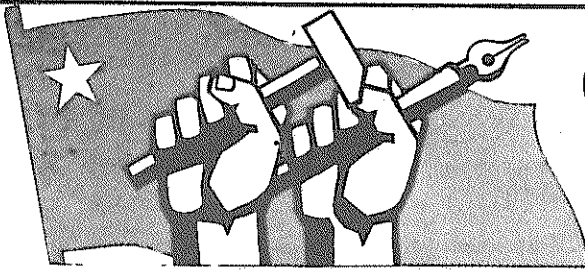
بسیار از آخرین تحولات در سطح وزارتخانه ها بنظر می آید که مواضع جناح سنتی در مقابل جناح دیگر نسبت بگذشته تقویت شده است. این را بویژه با توجه به کناره کشیدن الجزایری از بستهای مهم وزارتی و انداختن مسئولین و رشکستگی بودجه بعهده امیتوان ملاحظه کرد. شواهد دیگری نیز حکایت از تشدید تضافات و رقابت میان جناحهای مختلف می نماید، بخصوص کوششی که در بیابان کردن طرح "ارتش خلق" در آغاز سال جاری بکار رفت و مدام که به درجه نظامی ما رسالی ارتقا یافت و یک واحد نظامی زیر نظر مستقیم او ایجاد گردید، کلیه این عوامل نشان دهنده حادثه شدن جنگ قدرت بین جناحهای رژیم است. بنابراین ذکر است که پیشنها شده بود فرماندهی "ارتش خلق" بعهده الجزایری قرار

بقیه در صفحه ۲۲

(۴) - رژیم برای بوسان دادن شکستش وجهت حمله به کارگران سمیناری بفرامون "تولیدات بخش های مختلف اقتصاد" ترتیب داد. کارگران در این بحثها نقشی نداشتند (مدام حسین در یکی از سخنرانی های این سمینار طبقه کارگر عراق را به تشبلی و انفعال متهم نمود) (۵) - منظور حزب کمونیست است.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

هنرمقاومت هنرپرولتری



معرفی "داستان پداگوژیکی"

سرود زیبای آفرینش انسان طراز نوین

نبرد آغاز میشود

فیلم "داستان پداگوژیکی" توجه وسیع توده‌ها را برانگیخته است، چرا که آنان از این فیلم چنین استقبال عظیمی بعمل آورده‌اند؟ "داستان پداگوژیکی" مناظری از زندگی نوین مناظری از مبارزه دورانیسا طبقه کارگر و چوکوگی تربیت انسان طراز نوین را در کشور شوراهما، تنها سه سال پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر تجسم میبخشد، انقلابی که با ما رشتا نه خود، رژیم دهنده منش سرما به داری روسیه را منهدم ساخت، قدرت دولتی ستمگران را با غریبی سهمگین در هم شکست و امکان آنرا پدید آورد که زحمتکشان با آلام و مآسای ناگفتنی بنای دنیای نوینی را آغاز کنند: دنیای رنجبران، دنیای استثمار شدگان، فاتح، دنیایی که بیریق سرخ دولست دیکتاتور پرولتاریا، دولتی که تا آن زمان در جهان نظیر نداشت بر فرازش می درخشید تجدید تربیت انسان زحمتکش، وظیفه‌ای بوده که آن زمان در کنارت روظایف عظیم پیشا هنگام آگاه پرولتاریای شوروی اهمیت افزونی یافته بود آری تحت دیکتاتور پرولتاریا، می با بیست میلیونونها و میلیونها انسان ستمدیده به مردمانی تغییر می یافتند که در قلوبشان ایمان زنده به نیروی لایزال و دورانیسا زبیریت ایجاد شود و آتش شور و شوق انقلابی برای برپا کردن نظمی نوین در درونشان شعله ور گردید و ایناروفدا کاری وانضباط آهنین، جای عادات کهنه، روحیات شیره عجزویاس و بی ایمانی به منافع جمع را بگیرد و روح تابناک کمونیستی جا یگزین همه آثار نظام شوم استعمارگرا نه سرما به داری شود، "داستان پداگوژیکی" داستان واقعی از کارمشقت بار، اما پرافتخار کمونیستی جوان - آنتوان سیمونویچ ماکارنکو - است که در راه این وظیفه مقدس گامی نهاد، ماکارنکو مسئول یک آموزشگاه تربیتی میشود و با یک برای ساختن انسانهایی نوین، کارش را با تحقیر شده ترین ستمدیده ترین بخش توده‌ها که فساد جامعه سرما به داری تمام مروج و روان نشان را زهر آکین کرده و سپس همچون تفاله‌های اصلاح - ناپذیر، به پستی گراشیده و بدون آینده، طردنانه نموده بود آغاز کند، چنین است که مسئولیت معلم جوان، او را با سخت ترین نبردهای کمونیستی رودررو می نماید.

رسا ندرود و جویمان زندگی، مهرا تید به داوری - های صحیح و زلال سوسیالیستی میزنند. "ماکارنکو" درمی یابد که اعمال دیکتاتور سوری آگاهانه برای پیش بردار کمونیستی او، برای ساختن انسانهایی نوین ضروری است. این به معنی بنا گرفتن نیروی زور در جهت برده نمودن افراد رنجبر نیست، این به معنی تکیه آگاهانه و منضبط بر اراده توده‌ها، جهت بسط نیروهای درونی شان در فعل و انفعالات، مبتکرانه و کار خلاق است. ماکارنکو درمی یابد که زمانه تغییر زحمتکشان ستمدیده مقدور است که موجبات ابراز ابتکار توده‌ها فراهم آید و عرصه برای کار خلاق ورها شده ز قید اسطخار، باز شود و آنان به عرصه آنچنان عمل انقلابی کشیده شوند که بتوانند طی آن استعدادها و توان بیکران و خلاقیت های نهفته خود را آزاد کنند، ویی تردید زمانی که قدرت اعمال قدرتمند میگشا توری بورژوازی درهم کوبیده شده و امکان رها بی کار از زندان شکنجه - با روکشنده زندگی در نظم جا برانه سرما به داری فراهم آمده، چنین هدفی با کشاندن توده به میدان عمل انقلابی قابل دستیابی است.

ماکارنکو به تجربه درمی یابد که تربیت انسان طراز نوین، بدون کار آگاهانه، سازمان یافته و بدون پذیرش انضباط و کنترل توده‌ای نتیجه بخش نیست، او در ذهن یا بدوقتی توده‌های سازمان یافته امکان یا بند که با حساسی و کنترل همگانی به شرکت در بنا نهادن دنیایی نوفا خواهد شونده، قادر به جدجاسه‌های سازندگی کمونیستی "به نما پیش در آورند و آنان در عرصه عمل انقلابی سرعت با نیروی دانائی واشتیاق خارق الماده جهت تمهیر و واقعیت، خود تغییر می یابد و با طیف فرهنگ بورژوازی و آموزش های دروغین و آگاه و تودمی سازد انمانها ذاتا خوب و ذاتا بد هستند به زباله‌دان میسپارند

پیروزی‌های کار کمونیستی

اکنون کلید حل موانع یافت شده است و از این پس "داستان پداگوژیکی" تبدیل به سرود زیبای کار کمونیستی میشود. سرود زیبایی که رها بی از کار برده‌وار، وزودن عادات غلامانه و شور و شوق کار برای خود را تجسم می بخشد. سرود زیبایی که از ایمان به نیروی کمونیسم و پیروزی اعتقاد به نیروی نهفته میلیونها رنجبر خیر می دهد. دیگر "داستان پداگوژیکی" تجسم بخش فائق آمدن بر محرومیت ها، تضادها، و موانعی است که بر سر راه یزافش سوسیالیستی و تربیت انسان طراز نوین وجود دارد و همه چیز را نجام مقهور اراده و مشهور هوده‌ها میشود. کودگانی که فشرده بشریت زجر دیده‌ها و مستشار شده هستند، تبدیل به انسانهایی میشوند که در جانشان عشق به کار خلاق، جانشین نفع طلسمی میشود، ا بنا زرد راه آرمان های والا، با بگرن سنا هی میگرد و انضباط آهنین کمونیستی پرولتاریا کور علی می یابد، اکنون بکار سوز و آری با جئون و

اولین تما ویری که در "داستان پداگوژیکی" از محیط تازه کار "ماکارنکو" نشان داده میشود بیانگر ویرانی عظیمی است که از سرما به داری به پرولتاریا به میراث رسیده است، اینجا است که کارحما سه آفرین کمونیستی آغاز میشود. گویی این مخروبه - بازداشتگاه سابق مجرمین خرد - سال - خود نمونه کوچکی از سراسر شوروی بعد از انقلاب اکتبر است، کشوری که از دل جنگ داخلی پرولتاریا با بورژوازی سر بر آورده و دشمنان تا آنجا که توانسته بودند به ویرانی اش کشیدند، و اکنون بر سر آران با بد نظمی نو، انسانی نو، و تاریخی نو بدست پرشوان بشریت رنجبر بنا نهاده شود.

دسته اول که جهت آغاز آزمایش سترگ و برای زدودن همه بقایای نکبت با رجا معده کهن به این محل فرستاده میشوند، افرادی هستند که سراپا - یان بالجن سرما به داری آغشته شده است. کودگان تیره روزی که هزار زخم هر آلود در اعماق جان نشان بجای مانده است، آنان با پوزخندی زهر - آکین و تحقیر آمیز به اعمال ماکارنکو برخورد میکنند. در درونشان نیروی مقاومتی در دنا ک و هراس و آرزو جهت جدانشدن از همه عادات و روحیات برده‌وار گذشته نهفته است و براسنی که به زشتی - ها و فساد گذشته تسلیم شده و به آن خو گرفته‌اند. آیا میدی به تغییر آنان میتوانست؟ چگونه سرتاریکی درونشان میتوان آفتاب زیبایی های روحی بشریت زحمتکش و آفتاب عشق و آگاهی کمونیستی "تا با ند؟ همه موفقیت و شکست ماکارنکو به این پاسخ بست است!

کار کمونیستی برای آفرینش انسان طراز نوین

ماکارنکو در همان اولین برخورد خود با واقعیت سر سخت، درمی یابد که نمیشود وظایف نوین را به روش کهنه و با تکیه بر اصول - سوج "انسان دوستانه" به ناسا هرساند. کسانی که به آموزشگاه آمده اند به ناسا دکی و با "نصایح بدران" حاضر نیستند تن به عادات رذالت بار گذشته دهند با بد سلوپیای نوین بروین کمونیستی را از دل واقعیت با سحراج کرد. بحار ب زنده ماکارنکو حرفای عی و اسطالی را به سوب می



با سبندگرده چگونگی دردیکتا توری پرولتاریا ،
ستمدیدگان آنچنان می بالند که سر به سرش
اعلی می ساینند ، بگذار ربنگردگه آینه متعلق
به بشریت زحمتکش رها شده ای است که با قهریر
نظم فاسد سرمایه داری پیروز میشود و در عمل به
اثبات می رسد که تکلیت سرمایه داری همیشه
نیست .

آیا کسی هست که دل درگرو عشق توده ها
داشته و از دیدن این همه زیبایی که در داستان
پداگوژیکی "تصور میشود ، قلبش چون ناقوسی
پر شکوه به صدا در نیاید ؟ آیا میتوان آن گاه که
خود شاه آفرین تما ویرداستان است ... آنجا که
افراد آموزشگاه ، محصول کار قهرمانان خود را
در می کشند ، از جوش اشک شوق جلوگیری کرد ؟
اکنون در آخرین فصل "داستان پداگوژیکی"
ما می بینیم در دانه های طلایی گندم ، گویی اشعه
های زرین روح انسان طرا ز نوین است که می
درخشد . نه ! این گندم نیست که روئیده این
شخصیت بالنده انسان آزاد و زحمتکش است که در
رویش جوانه ها تجلی می یابد ، این فشرده
فداکاری های عظیم برای بنا نهادن دنیا شکی
بنوایان دانه های حقانیت سوسیالیسم است که
به بار رنشته است . این مردم در هم کوفته شده
دیروز ، کودکان ستمدیده ، سرکشگان بی تقصیر
جهان سرمایه اند . نظا مسی که از انسا نه با سرده
ساخته و روح حیوانیت ، ذلت و پستی را در همه جا
می پرا کند که اکنون چونان پرچم های سرخ بر
فرا ز قله های تعالی بشری به اهنرا ز در آمده اند
درود بر انسان طرا ز نوین !

درود بر دنیای تازه سوسیالیسم !
درود به تلاش جانبا زانه بشریت زجر دیده !
بیا شیدایمانی که از کنگه وجودمان بر می
- خیزد بر نبردی سهمگین و آشتی ناپذیر علیه
نظام مجا برانه سرمایه پای بی فشریم و راه انقلاب
را تا به آخر ببیمایم

سندی بر محکومیت رویزیونیسم و

حقانیت سوسیالیسم

"داستان پداگوژیکی" به همان اندازه که
حقانیت سوسیالیسم را زگو میکند ، محکومیت
رویزیونیسم را فریاد میزند . فیلمی که از روی
کتاب ، ما کار نکو تهیه شده به سال ۱۹۵۵ بر می گردد
سالی که نبرد توفانی و مقاومت گرانده در برابر
بورژوا - رویزیونیستهای خروشچی جهت نجات
دیکتا توری پرولتاریا هنوز در جریان بود . اما
اکنون میهن سوسیالیستی تبدیل به میهن
بورژوا - رویزیونیستها شده است . بجسای
سوسیالیسم ، سوسیالیسم امپریالیست شده است ، و
کسانی که بر بیکر خونین دیکتا توری پرولتاریا
با می کوفتند و این تنها فاسد پرورش انسان
طرا ز نوین را در حرف و در عمل به ناهبودی کشاده
- اند و چنین است که شوروی سوسیالیسم امپریا -
لیستی امروز دیگر میهن پرورش انسان فاتح و
نوین به شما رنمی آید امروز حتی در مجلات و

مطبوعات آنان خبر از شد زوزا فزون ، فحشا
ارتشاء و جنایات را میتوان یافت چرا که ایسن
همه جز "لایتجری استئما رسما به دارانه است" (۳)
آری "داستان پداگوژیکی" سندی بر
محکومیت هزاره سوسیالیسم امپریالیسم
دشمنان سوسیالیسم است .
جمهوری اسلامی چه میخواهد ؟

جمهوری اسلامی ، چرا "داستان پداگوژیکی"
را به نمایش در می آورد ، کمونیتها پاسخ این
پرسش را میدهند . امروز رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی ، این حافظ سرمایه داری وابسته و کار -
برده وار ، این نمونه فساد و تباهی بورژوازی ،
این جلاد انقلابیون کمونیت و دشمن کمونیسیم ، با
"داستان پداگوژیکی" هم همین معامله را میکند
۱ - در تما فیلم شری نیست نشان دهد که
داستان ، مربوط به دوران دیکتا توری
پرولتاریا ، و سوسیالیسم است و حقانیت کسار
کمونیتی را در شرایطی که سرمایه داری در هم
کوفته شده نشان میدهد .

۲ - رژیم میکوشد با چنین فیلم تحریف شده ای ،
عشق به کار را که تنها در شرایط حاکمیت طبقات
زحمتکش بسودشان است در شرایط کنونی تبلیغ
کند ، در شرایطی که کار برده وار افزونتر چیزی
نیست جز استئما ریشتر

۳ - رژیم جمهوری اسلامی با چنین نمایشی می
کوشد توده ها را تحمیق کرده و از خود چهره آرایش
شده ای بنمایاند ما رویزیونیستها و هیات حاکمه
و همه بورژوازی کور خوانده اند ، توده ها در
واقعیت داستان را می بینند که به خون
زحمتکشان آغشته است ، آیا دشمنان زحمتکشان
میتوانند منادی کار کمونیتی و تربیت انسان
طرا ز نوین باشند ؟ نه هزار بار نه !

۴ - رجوع به جزوه "فساد ، انحطاط و زهم -
گسیختگی در کشورها" تحت حاکمیت رویزیونیستها"
از انتشارات دانشجویان و دانش آموزان
هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**کمبود نفت و بیکاری ۲۰۰۰ زحمتکش
سفال ساز ارمنان جنگ است**

لالحین : در این شهرک قریب به ۹۰۰ کارگاه
سفال سازی وجود دارد که ۴۰۰ کارگاه در خانه های
مردم قرار دارند ، کشا و رزان نیز هنگام فراغت
از کار رکش به سفال سازی مشغول میشوند و روی
همرفته حدود ۲۰۰۰ نفر از زحمتکشان لالحین از
طریق سفال سازی هزینه زندگی خود را در
شان را تامین میکنند . کوره های سفال سازان
نفت سوز میباشند و با کمبود جیره بندی نفت که
یکی از "ره آورده ای" این جنگ غیر عادلانه
است به بیکاری شدیدی در بین آنان دامن زده
است . ناراضی در بین آنان بطور چشمگیری
بچشم می خورد ولی نبود آگاهی و تشکل مانع از
شکل گیری طبقاتی مبارزه آنان نیست .
پس از اقدامات فراوان ، استناداری قول

بقیه از صفحه ۲۰ گزارش می...

گیرد و همین "ریش خلق" بعنوان آلترنا تیسوی
در مقابل ارتش منظم ما دی باشد .
هما نظور که میدانیم حوادث نجف (۶) در
اوایل سال جاری ، رشنا رضایتی سر مردم و
ورشکستگی با زار فرصت نسویه حساب بین جناح -
های رژیم را ایجا دکردند . صدام حسین کوشید
بعضی از مخالفین خود را بی آبرو کند ، و این کار
را از طریق دادگاهی که متهمین وقایع نجف
را محاکمه میکرد انجام داد . هدف صدام این بود
که آن دسته از مخالفین را از قدرت دور سازد . از
سوی دیگر جناح های مذکور صدام را بمنسوان
مسئول آن کشتارها می شناختند ، سرانجام این
برگیری این شد : عزت مصطفی و ایاد جاسم (رئیس
دادگاه خلق) از کلید مسئولیتها ی خود چه در دولت
و چه در حزب بعث برکنار گردیدند .

این حوادث ، اختلاف و تضادهای موجود بین
جناحها را آشکارا تر از هر وقت دیگر نمایان ساخت
و سرانجام آن ضبط دارا ثیهای گروههای قبیلهای
و حادث شدن تضادهای درونی رژیم گشت .

علیرغم آنکه به رقبای صدام در نما یندگان
جناح انگلی ، ضرباتی وارد آمد ، رهبری حاکم و
نیز خود صدام ، همان سیاستهای راکه بوسیله
جناح دیگر ترسیم شده بود ، ادامه دادند ، ادامه
این سیاستها در واقع بدین منظور بود که بسه
فشارهای وارده از طرف جناح دیگر پاسخ داده
شود و موقعیت رهبری چنان تحکیم گردد که بتواند
تمامی طبقه کارگر را در کنترل خود بگیرد ، اما
حادث گرفتن این اختلافات با افزایش ناپامانی
به های اقتصادی و سیاسی همراه است و بهمین
دلیل است که رژیم فاسدیت بیمنظور پیشگیری
و مقابله با بحران ، تدارک لازم را میبند تجزیه
و تحلیل مستگیریهای جدید رژیم را بنروا همیت
دارد که تحولات آینه را بکمک آن میتوان
محاسبه کرد .

(۶) - حادثه نجف : در آغاز سال ۱۹۷۷ ، تظار هر
- کنندگان شیمه بر علیه سیاست حکومت اعتراض
کردند . دولت به نظا میان دستور تلکیک بسه
تظار کنندگان را داد که مدنظر در نتیجه آن کشته
شدند . از آن زمان ۱۲۰۰ نفر دستگیر شده اند ،
عدم توافق بین صدام و "رئیس دادگاه" باعث شد
که وی بیش از ۱۵۰ نفر را به اعدام محکوم نکرد (۱)
و نیز از محکوم با اعدام کردن متهمینی که در زیر
شکنجه در زندان کشته شده بودند خودداری کرد .
صدام و رابه زیون بودن متهم کرد و گفت که " او
از محکوم کردن مرده ها خودداری کرد ."

داده که ۳۰۰۰ لیتر نفت با آن تحویل دهند ولی
این زحمتکشان میگفتند با ۳۰۰۰ لیتر مگرمی -
شود سوخت کوره ها را تامین کرد !
"دود آتش این جنگ ارتجاعی بیش از همه
به چشم زحمتکشان میهن ما می رود ولی رنج امروز
آنان ، کینه طبقاتی را در دل پر درشان باورتر
کرده و طوفانها به آنها خواهد کرد ."

فعالیت انقلابی سازمان در مورد آوارگان

از روزی که جنگ ارتجاعی بین دور زیم ضد خلقی ایران و عراق آغاز شد، سازمان ما با حرکت از یک موضعگیری کمونیستی و انقلابی با حرکت از منافع کارگران و رزمنه‌های جنگ را ارتجاعی و غیر عادلانه دانسته به فضای جنگ افروزان و تبلیغ عدم شرکت در آن پرداخت. سازمان ما نسبت به فلاکت ناشی از جنگ که قبل از هر کسی دیگر در میان کارگران و رزمنه‌ها را می‌گیرد هشدار داد و در فضایی ما در شهرستانهای جنوب کشور فعالانه در تبلیغ نظرات سازمان و آگاه‌کردن توده‌ها و کمک‌بدانان کوشیدند و چندین بار در فضای ما در شیراز فعالانه بین آوارگان و جنگ‌زدگان فعالیت کرده و توطئه‌های شرم‌آور رژیم را علیه آوارگان و دشمنان موته‌ها را در حد امکان افشا و خنثی نمودند. تا تیر این فعالیت‌های محدود بود که آیت‌الله دستگیرباف ما جمع‌و نمایی کرده اما در شیراز که فتوای حرمست معارضه کردن با آوارگان را داده و توصیه کرده بود به آوارگان مسکن و غذا داده نشود و نیز سپاه پاسداران و دیگر ارگان‌های رژیم محسور به عقب نشینی شدند، حرف‌هاشان را ظاهرایی گرفتند و حالا چپ و راست به دلجویی از آوارگان می‌پردازند اما بیش از یک میلیون از هموطنان آواره ما در استان خود، بی‌آرامی و صدیق خویش بی‌عنسی کمونیست‌ها و انقلابیون راستین را می‌شناسند و چهره مزورانه دشمنان خود را نیز تشخیص می‌دهند در زیر به جنبه‌هایی از وضع فلاکت‌بار آوارگان این قریب‌ترین جدید رژیم جمهوری اسلامی از زبان نمایندگان مجلس و مقامات مسئول منتقل از روزنامه‌ها می‌پردازیم و گوشه‌ای از فعالیت سازمان را که موجب وحشت رژیم ز فعالیست انقلابی ما بین آوارگان شده می‌آوریم.

مذاکرات مجلس کیهان اول دیماه

حاشی شیرازی طی یادداشتی که برای رئیس جلسه فرستاده بود در مورد دیگری که در شیراز در رابطه با جنگ زدگان پیش آمده بود، چنین توضیح داد:

دراوان و ورود جنگ زدگان به شیراز برادران جنگ زده برای روشن شدن وضعیت در اطراف استان‌های جمع شدند و اعتراض و سروصدا کردند استان‌ها راجعه‌نموده و برای پراکنده کردن آنها دستور تیراندازی هوایی داد عمل استان‌ها را نیا بدبختی مردم شیراز گذاشت و آنها را از همکاری دلزد نمود.

سپس مهاجرانی نما بنده دیگر شیراز در این مورد گفت:

ما ساله این هست که بین آوارگان جنگی همه

انقلابی نیستند. مردم سراسر همه انقلابی نیستند هم‌صدا انقلاب بین آوارگان جنگی هست و هم‌بسی مردم سراسر مثل همه شهرهای دیگر ایران، اینها آمده اند و ما هم که خورده اند و ما از راهیما نمی‌ها بی با خبر هستیم که بیجا طرحی بودند

انتشارات سازمان در مورد آوارگان و جنگ
فریاد آوارگان (خوزستان)
ندای آواره (اصفهان)
خبرنامه جنگ (خوزستان)

انقلاب اسلامی ۲۷ آذر جوانان مسلمان بروگرد توطئه‌های دشمن را محکوم کروند

بروجرد - خبرنگار انقلاب اسلامی - طی دو روز گذشته عده‌ای از خوزستانیهای مقیم بروجرد در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کرده و با دادن شعارهایی چون "تصفیه آوارگان، توطئه ارتجاع شعار آواره، نان، مسکن، آزادی" قصد ایجاد آشوب و متشنج کردن اوضاع شهر بروجرد را داشتند. این عده که از سوی گروه‌های چپ آمریکائی تحریک و حمایت میشوند و مدعی هستند از آوارگان جنگی می‌باشند، اعلام کرده‌اند که به جیرفت نخواهند رفت. لازم به توضیح است عده‌ای از هموطنان خوزستانی ما که در

اعترافات رژیم در مورد آوارگان (از مذاکرات مجلس کیهان اول دیماه) "سوال از وزیر کشور"

پس از آن نوبت به طرح سوال معرفی زاده نما بنده مردم خوزین شهر رسید: وی ضمن توضیحی به وضع آوارگان جنگ در شهرهای بروجرد، شادگان بندرما شهر، شیراز و اصفهان اشاره کرد و گفت: در بروجرد و شادگان و بندرما شهر وضع احوال خطرناک و دردناک خیلی بالاتر است و به وضع فاجعه آمیزی رسیده است.

در بروجرد ۲۵۰۰ نفر در یک مدرسه و در هر اتاق ۲۵ نفری می‌کنند، در میان آنها دختر جوان، بیسروان از شهرهای مختلف زیاد موجود دارد. به هر خانوادده تا ۱۳ نفری ۲ کیلو برنج یک کیلو سبزی می‌دهند، نیم کیلو خرما، و بعضی اوقات روغن یا جاجی و قند میدهند و الا ن

هم‌که به من خیر رسیده به همین منوال است وی ضمن تشکر از تلاش مسئولین و نهادها کمک رسانی به آوارگان جنگ گفت: این نهادها نباید روزی با هم‌کار می‌کنند ولی منافات ندارد منسجم نیستند و از یک مرجع رسمی اطاعت نمی‌کنند و خودسرانه کار می‌کنند نتیجه‌های بدست ما نرسیده است.

در شادگان حدود ۵۰۰۰ جا در رده بودند و مردمی در این جا درها اسکان داده شده اند که در زمان پیش از جنگ و بعد از انقلاب به آنها به عنوان مستضعف کمک میشده این مردم التماس میکردند که ما را شادگان جایی دیگر ببرند. در آنجا نیز مثل بروجرد اختلاف و خودسرانه کار کردن مسئولین را عیناً دیدیم.

در سربندر کمپ "ب" حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ساکن بودند. ۱۰ روز به آنها غذا نداده بودند و اکثر آنها گدا می‌شدند. این مسئله را من قبول نمی‌کردم و با مردم نمیشد تا اینکه رفتن خدمت آقای فرماندار ما شهر اینسان عین مطلب را تا شید کردند. به "صرف اینکه اینها را می‌خواهیم جا بجا بکنیم به اینها غذا نداده ایم".

معرفی زاده افزود: واقعا اصلا نباید قبول باشد این فلسفه که فردی آواره شده، خانه‌اش از بین رفته، شهید داده، زخمی داده، ۱۰ روز به بی‌باغی و غذا ندهیم، رای و نظیر ۱۵ هزار نفر از سربازان و بیمه‌بگیران "میخواهیم شما را جا بجا بکنیم".

با مسئولین صحبت کردیم قبول کردند که کار خلاق شده و گفتند از فردا می‌دهیم ولی طبق گزارشاتی که به من می‌رسد تا حالا عین همان وضع پابرجا است.

"میرسلیم افزود: وقتی اولین دسته از مردم خوزین شهر با دان به سا برنقاط آمدند مواج شدند با عدم استقبال سا بر مردم و عدم پذیرایی از آنها به این دلیل که درست تجسم نشده بود. پیشرفت امور جنگ منجر به این شده که تعدادی جنگ زده در کشور ما بوجود بیاید، اما مردم خود استان خوزستان و بعد سا بر استانها توقع نداشته باشند به این عده‌ای شهر خودشان را ترک میکنند بعد از این واقعیت را بطور ملموس دریا فتند که چاره‌ای نیست که شهر را با بدتر کرد و به این ترتیب مسائل آواره جنگ زده پدید می‌آید و منافات ندارد که بروجرد زنده‌ای هم در شیراز پیش آمده که عواقب نسبتاً ناگوار از نظر روانی و انسانی در برداشت...

... برنا معاصی به این عنوان که ما اگر عده‌ای نزدیک به یک میلیون تا یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر آواره جنگی داشته‌باشیم آنها چه کنیم، ندا شنیم"

رفقا! در تحکیم هر چه بیشتر بیوند خود با کارگران و رزمنه‌ها و مستضعفان بکشیم و عامل اساسی فلاکت توده‌ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی را به توده‌ها بیست‌باشیم.

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

کارکنان کارخانه پرسیپولیس : متحد علیه انجمن اسلامی

در کارخانه پرسیپولیس کارگران یک شورای واقعی داشتند، اما با نزدیک شدن زمان انتخابات مجددشورا، انجمن اسلامی کارخانه با کمک کارکنان شورا های اسلامی شیراز (که دو ارگمان ارتجاعی و وابسته به سپاه پاسداران هستند)، در صدد جایگزین کردن شورای پرسیپولیس بجای شورای واقعی موجود، برآمدند. آنها روز ۹/۱۲ طی مجمع که ترتیب دادند به سپاسی بر علیه شورا پرداخته و مسئله رای گیری مجدداً مطرح میکنند. این جلسه بر اثر اعتراض یکی از اعضای شورا و یکی از کارکنان به شیوه انتخابات، بهم میخورد.

روزشنبه ۹/۱۵ که زمان تشکیل مجمع عمومی بود و همه جلوی ساختمان اداری اجتماع کرده بودند، یکی از سرکرده های انجمن اسلامی شروع به لحن پراکنی بر علیه کمیونست ها و دیگر نیرو های انقلابی میکنند، سپس به همراه رودستان الهه اکبرگویان خواهان اخراج افراد انقلابی از کارخانه میشوند. مدافعه یکی از اعضای شورا که کارکنان را به محل مجمع دعوت کرد، بهانه ای بدست او باش داد تا این عنصر مبارز را کتک زده و طبق برنام حساب شده شان بزور ۱۲ نفر دیگر از کارکنان انقلابی را به تنهایی کارخانه میفرستند. آننگاه بعد از ایجاد جو رعب و وحشت از کارکنان برای اخراج عناصر به اصطلاح "چپ نما و منحرف" مفا میگیرند.

فردای آرزو زورور ۱۳ نفر مذکور به کارخانه جلویگیری میکنند و در جلسه ای اختناق آمیز پنج نماینده فرمایشی را که سه تن از آنها عضو انجمن اسلامی بودند، به کارکنان تحمیل میکنند که تا تشکیل شورا به امور کارخانه رسیدگی کنند اما بعد از این اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی کارکنان متوجه شد که اگرگری بودن این اعمال گردیده و خواهان پس گرفتن امضاها شان میشوند. همچنین در اثر افشاکاری کارکنان اخراجی در بیرون و عناصر آگاه در درون کارخانه، کارکنان به حمایت از اخراجیان و بر علیه انجمن اسلامی برمی خیزند و فشا کارکنان عوامل رژیم را وادار میکنند که جلسه ای با حضور اخراج شدگان برگزار کنند که طی آن انجمن اسلامی مجبور به عقب نشینی شده و میگوید که گویا در لیست اخراجیها اشتباه شده و بجای ۱۳ نفر میبایست ۵ نفر اخراج شوند! اما ۱۳ کارکن مبارز با فشاری میکنند که اولاً بایست هر ۱۳ نفر یکا را زگردند و ثانیاً در جلسه عمومی باید آنها بتوانند اعلامین ایمن توطئه را نزد همه کارکنان افشا کنند. نتیجه قطعی تا تشکیل شورا معوق میماند و کارکنان مبارز با حمایت سایر کارکنان برخاسته ای بحق خود همچنان پای میفشارند.

سراخام آنگاه بیستی میگوید: حقیقت این است که باید به این سمت برویم که در رابطه با ساه شکل بگیریم. به شرط اینکه ساه هم ایمن توانایی را با سرعت کسب کند!

آری، حزب جمهوری اسلامی بمنظور قبضه قدرت دولتی در دست خود بایستاداری از سیستم سرمایه داری وابسته نیا ز سرکوب انقلاب و در درجه نخست سرکوب انقلابی ترین طبقه یعنی طبقه کارگر دارد. به همین دلیل هم تیروی ربا داری جهت به انحراف کشاندن و سرکوب مبارزات کارگران بکار گرفته است. "هسته های مقاومت" حزب در کارخانه نجات، در واقع به همان منظور ایجاد میکنند که سواک نیروها بی نظیراً تسرا ایجاد میگرد. بنا بر این وظیفه کارگران مبارز است که هشیاری خود را در مقابل اینگونه توطئه های ضد کارگری رژیم حفظ نمایند تا نهان نیایست:

۱ - به افشای ماهیت واقعی هسته های مقاومت و سیاستهای سرکوبگرانه حزب جمهوری اسلامی در کارخانه نجات پرداخته و توده های کارگران را از درافتادن بدام این مدافعان سرمایه داری برحذر دارند.

۲ - از آنجا که رقابت بین دو جناح رژیم، انگسای خود را در کارخانه نجات بجای میگذارد و عوامل هر جناح (حزب و لیبرالها) سعی دارند با گوییدن دیگری خود را طرفدار کارگران بزنند، کارگران انقلابی و آگاه نباید یک آن از افشای هر دو جناح بخصوص لیبرالها که با گرفتن ظاهر "آزادبخواهانه" به عوامل فریبی در میان کارگران میپردازند، غافل بمانند.

۳ - افشای هر دو جناح رژیم بدون نشان دادن راه حل انقلابی مبارزات کارکنان، کاملاً نخواهد بود و لذا وظیفه کارکنان آگاه و کمیونست است که به تبلیغ تنها راه حل کاملاً انقلابی بپردازند. باید به توده کارکنان نشان داد که طبقه کارگر میبایست با کسب آگاهی طبقه تسی خود قدم در راهی بگذارد که با نبودی استثمار و اختلاف طبقاتی، فقر و فلاکت و ظلم و ستم جامعه سرمایه داری را نباید کرده و جامعه سراسر کمیونستی را بنا نهاد. کارکنان باید بدانند که تنها راه نجاتشان سوسیالیسم است!

پاسداران باز هم جنایت!

اهواز: روز جمعه هفتم آذر ماه در محلی بنام "دروازه" پاسداران جهل و سرمایه با اتومبیل زن و بچه ای را زیر میگیرند. در این حادثه زن مزبور بشدت زخمی میشود و پوی کودک میشوند. پاسداران بیشرمانه قصد فرار از محل حادثه را داشتند که مردم با تجمع و اعتراض مانع شده و آنها را وادار میکنند که آن دورا به بیمارستان ببرند. گروهی از مردم نیز به همراه آنها به بیمارستان میروند. ما در کودک در راه فوت میکند. پاسداران با وقاحت تمام ادعا میکنند که خمپاره به آنسو اما مت کرده و بعد هم علیه غم اعتراض مردم حاضر در هفت بیمارستان را با خیال راحت ترک میکنند

بقیه از صفحه ۳ هسته های...
"تضعیف دولت سرکوب کنند، آنها همچنین وظیفه دارند کارکنان مبارز و انقلابی را تحت عناوینی چون "فدا انقلاب"، "سایه بردار"، "شون" به بنحدم دشمن "و... تحویل پاسداران سرمایه و زندانهای اسلامی دهند. وظیفه سرکوب کارکنان انقلابی تا بدان حد است که "هسته های مقاومت" میبایست به شناسایی و تعقیب کارکنان مبارز در خارج از کارخانه نیز بپردازند. آنها همچنین با بدتمایمی سعی خود را بکار بر بردن شوراهای زرد و کارفرمایان ایجاد کنند و شوراهای واقعی را منحل نمایند.

یکی دیگر از وظایف هسته های مقاومت "با لایردن تولید در کارخانه نجات است. بدین منظور حزب جمهوری اسلامی شعار میدهد که: "هسته های نظامی و مقاومت را در کارخانه در آماده باش کامل قرار داده و هر چه بیشتر گسترش دهیم" آری، آنها میخواهند از طریق این هسته ها، با فشا آوردن بر کارکنان تولید را به حد اکثر خود برسانند. آنها که میداند کارکنان مبارز حاضر نیستند به قیمت فقر و فلاکت روز افزون خسود، تولید را برای بردن بیشتر جیب سرمایه داران افزایش دهند، خواهان گسترش و "ماده ساتن" هسته های مقاومت میباشند.

در جلسه ای که بهشتی نیز حضور داشت، یکی از اعضای واحد کارخانه نجات سپاه پاسداران میگوید: "عوامل خارجی بیگانه نباید که رننشسته اند، خطر ضد انقلاب داخلی را تهدید میکنند ما باید سعی در بسیج کارکنان تحت یک برنامه منظم و سیستماتیک جهت سرکوب فدا انقلاب داخلی کنیم." اینجاست که خیلی آنگاه هدف رژیم از ایجاد این دسته های شبه نظامی و سرکوبگرانه، بوضوح بیان میشود. رژیمی که با نعل و ارونه زدن، ماهیت فدا انقلابی خویش را انقلابی جا میزند، معلوم است که منظورش از "سرکوب فدا انقلاب داخلی"، در واقع چیزی نیست جز سرکوب انقلاب و برای آنهم یک "برنامه منظم و سیستماتیک" لازم دارند! آنگاه بیستی در ادامه سخنان پاسداران میگوید: "در حقیقت هسته های مقاومت هستند که عنداللزوم (در هنگام لزوم) میتوانند سنده هسته های حمله هم تبدیل شوند، بخشی از نیروهای حمله به دشمن با بدیدانند که در بسیاری از جاها که آدم میروند، میشوند که گروهکهای کوچک (منظورش نیروهای انقلابی است - بیکار) در برخی از نقاط کشور یک چنین تدارکاتی را فراهم دیده اند. دو کار باید کرد و اولاً باید سریعا جلوی آنها را گرفت و ثانیاً باید متقلاً برای کارخانی که در خطر انقلاب (بخوان فدا انقلاب - بیکار) باشد آماده شد." در اینجا بهشتی به ما هیت متجا و زور سرکوبگرانه این هسته ها اعتراف میکند و هدف و اقیعشان را در دو چیز خلاصه میکند: ۱ - مقابل به با کمیونست ها و نیروهای انقلابی ۲ - بسیج نیروهای ناآگاه و دامن زدن به توهم آنها نسبت به رژیم. ضمناً بدینوسیله بخيال خودشان هم انقلابیون را سرکوب کنند و هم پشتیبان و حامی برای خود بوجود آورند.

تعهدنامه ارتجاعی، شرط بازگشت بکار!

خمبارها توافق افتاد خودبهترین گواهی ارزی جان توده‌ها برای رژیم‌سرمایه‌داری است *
کارگران و کارکنان مبارزان آبادان
برای مقابله با توطئه‌های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی لازمست که:

- ۱ - کلیه کارکنان نیکه‌بها آبادان برگشته‌اند از برگردن تعهدنا مه‌مزبور خودداری کنند
- ۲ - تا مشخص شدن وضعیت آبادان، بیعت عدم تضمین جانی، از رفتن به آنجا خودداری کنند، چرا که رژیم هیچگونه مسئولیتی در قبال خسارات جانی و مالی زحمتکشان قبول نکرده است، تنها با حفظ اتحاد و یکپارچگی است که میتوانیم مبارزه خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان ادامه دهیم

بسمه تعالی

تاریخ:

ریاست اداره

اینجانب

کارگر/کارمند شماره

کذا تاریخ

با استفا ده از مرخصی

اضطرابی، بدون اطلاع قبلی از کار رغبت نموده

و بمنظور رسیدگی به وضعیت خانواده ام که بیعت

جنگ تحمیلی عراق و آواره سرگردان شده‌اند

آبادان را ترک نمودم، در بازگشت مواجه با

انسانداجاه ما شهر آبادان شدم که در نتیجه

تا قبل از این تاریخ مراجعت بکار براساس

مقدور نبوده است، اینک آمادگی خود را جهت

ادامه خدمت اعلام میدارم.

نظر به اینکه غیبت مورد بحث برخلاف میل

باطنی اینجانب صورت گرفته و در حقیقت در

برابر با ده غیر منتظره ای قرار گرفتیم لذا بدین

وسيله تقاضا دارم دستور فرمائید اینجانب رابه

طور موقت بکارگمارند تا تکلیف قطعی وضعیت

خدمت همه کارکنان تا پب از جمله بنده از طرف

کمیسیون مربوطه روشن شود، بدیهی است هر

تصمیمی که کمیسیون مزبور اتخاذ نماید مورد

قبول اینجانب خواهد بود.

ضمناً تعهد مینمایم بدکه منسعدتحت هیچ

عنوان از کار رغبت ننموده و روزانه حضور خود را

برای انجام هر نوع خدمتی که شرایط جنگی

آبادان ایجاب مینماید اعلام دارم.

ستادپرست پالایسگاه آبادان و خدمات

با توجه به تعهد فوق و با در نظر گرفتن

ضرورت حداکثر ارفاق به کارکنان جنگ زده

موافقت میشود که تا سیرده بالا از تاریخ

جزو کارکنان حاضر خدمت منظوروسی خواهد

شدا از خدمات ایشان جهت تامین نیروی انسانی

مورد نیاز ستادهای فعال در منطقه جنگی آبادان

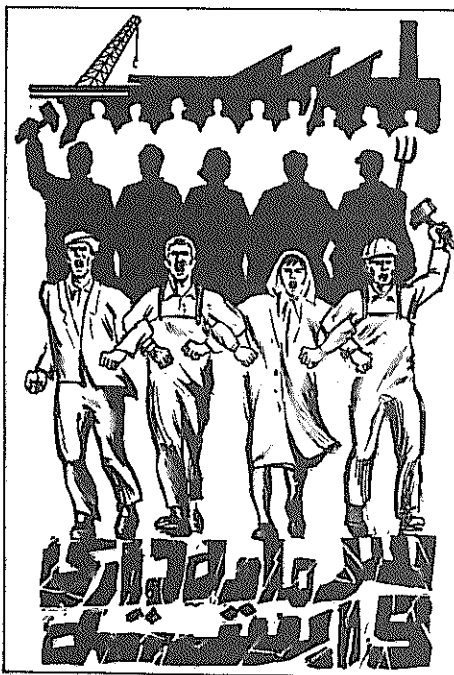
استفاده شود.

نام و نام خانوادگی سرپرست مجاز

سمت: امضاء تاریخ

مسئولین پالایسگاه آبادان اخیراً تعهد نامه‌ای تهیه کرده‌اند که هر کارگر و کارکنی که بر اثر جنگ شهر را ترک کرده است، بجز برای بازگشت مجدد به سرکار میبایست آتراً اضا کند. در این تعهدنا مه کارگران و کارکنان اولاً از ترک اجباری شهر (که برای حفظ جانشان بوده است) ا ب سراز پشیمان می‌کنند، ثانیاً از شرکت نفت میخواهند که بطور موقت آنها را ب س ر کار بازگرداند، ثالثاً به شرکت نفت این اختیار را میدهد که هر تصمیمی که خواست در موردشان اجرا کند، رابعاً کارگران باید تعهد کنند که دیگر آبادان را ترک نکنند و هر کارگر که رژیم تحت شرایط جنگی بداندان محول کرد انجام دهد!

رژیم با گرفتن این تعهدنا مه ضد کارگری میخواهد که هم ز کارکنان در جنگ ارتجاعی بیعتوان گوشت دم‌توب استفاده کرده با شوهم اینکه بها خراج آنا ن رسمیت ببخشد. همچنین دست رژیم برای هرگونه تحت فشار قرار دادن کارکنان (اخراج، جریمه و...) کاملاً باز میشود رژیم مدعی است که بدینوسیله میخواهد بین آنها بی که شهر را ترک کرده‌اند با آنها بی که در شهر مانده‌اند تما یز بکذا رددرا لیکه ولا این کارچیزی جز تفرقه اندازی در میان کارکنان نیست و ثانیاً کارگران و کارکنان زحمتکشی که شهر را ترک کرده‌اند تنها از روی ناچار ی بوده و برای نجات جان شان چاره‌ای جز این نداشته‌اند ثالثاً مگر رژیم چه دفاعی از جان زحمتکشان کرده که از آنها میخواهد در شهر بمانند، شهید شدن دهها کارگر زحمتکش همچون عسکریان "که بر اثر ترکش



بقیه از صفحه ۳ راهپیمایی...

خمسهر روز دوشنبه ۱۰/۱ نیز در مقابل وزارت کار اجتماع میکنند. کارگران پلاکاردی داشتند که روی آن نوشته شده بود: "حقوق کارگران پرداخت باید گردد." عوام رژیم و پاسداری که به آنجا آمده بودند، ابتدا سعی داشتند طبق معمول با بلند کردن چکان تکفیر و "ضد انقلابی" خواندن تظاهرات و اجتماعات، کارگران را متفرق کنند اما پس از آنکه با مقاومت کارگران زحمتکش مواجه شدند، سعی کردند جلوی پیوستن مردم به صفوف کارگران را بگیرند و میگفتند که "ضد انقلاب میخواهد در میان شما رخنه کند!" اما کارگران برای مردمی که در آنجا جمع شده بودند و با آن محل عبور میکردند، خواسته‌های بحق خویش را توضیح داده و ما هیت ضد کارگری رژیم را افشا میکردند.

سرانجام کارگران که نتیجه‌ای از اعتراضات خود نمی‌دیدند، تصمیم به راهپیمایی میگرفتند در مسیر خیابانهای آزادی، انقلاب و مصدق راهپیمایی کرده و فریاد اعتراض خود را بگوش توده‌ها میرسانند، مبارزه این کارگران همچنان ادامه دارد.

اعتصاب در دخانیات

اخیراً کارگران کارخانه دخانیات تهران با بستن درب انبارها، اجاز خروج جنس از کارخانه را ندادند. علت این عمل کارگران، اعتراض آنها به کم شدن ۲۵٪ حقوقشان بود. چندی پیش قرار بود که ۲۵٪ به حقوق کارگران اضافه شود ولی آنرا بعنوان پاداش به کارگران پرداختند و زمانیکه بدستور شورای انقلاب "کلیه پاداشها را قطع کردند، این قسمت از حقوق کارگران نیز قطع گردید. در اعتراض کارگران مسئولین کارخانه جنگ را بپا نه کرده و پیرداخت این مبلغ را به بعد از جنگ موقوف میکنند ولی کارگران که فشار ناشی از گرانی و مشکلات زندگی، روز بروز بیشتر کمشان را خ می‌کند، خواهان پرداخت فوری بقیه حقوق خود میشوند که مسئولان با زهم به وعده و وعید متوسل گردیده و پرداخت آنرا به شنبه ۹/۲۹ محول میکنند.

نکته قابل توجه اینست که زمانیکه کارگران نما یندگان خود را نزد وزیر صنایع و معادن و رئیس دخانیات میفرستند آنها از پذیرفتن نما یندگان خودداری میکنند. "انجمن اسلامی" کارخانه هم بر علیه خواسته‌های کارگران سمپاشی عمل میکنند که موجب افشای هر چه بیشتر آن در نزد کارگران میگردد. کارگران مبارز دخانیات همچنان به مبارزه خود جهت رسیدن به خواست برحقشان ادامه داده و تا رسیدن به حق خود در پانبارها را بسته نگه داشته‌اند.

فان، مسکن، آزادی

فشار رژیم به کارگران مناطق جنگزده و مبارزات آنها

آبادان :

* رژیم به بهانه جنگ و کمبود بودجه پرداخت حقوق کارگران را به ۵۰٪ تا ۶۶٪ تقلیل داده است. و بکارکنان صنعت نفت در خارج از آبادان بعد از مدت‌ها سردواندن فقط بین ۳ تا ۴ هزار تومان پرداخت کرده است. و این درحالی است که رژیم برای تطمیع ارضتشان حقوقها و یاداشهای کزاف میپردازد. تنها در آبادان یک پاسبان میگفت که ۱۲ هزار تومان گرفته است. بنابراین روشن است که مقامات بالای نظامی چه جوسوه کزافی میکنند. در صورتیکه کارکنان صنعت نفت که حتی حقوق خود را هم نمیگیرند، در مناطق جنگی هستند و هر لحظه جانشان در خطر است

* - روز چهارشنبه ۹/۱۳ کارگران حمل و نقل صنعت نفت بعلت آنکه به آنها بجای ناهار، نان و خرمای گندیده میدهند، برای اعتراض بمدت ۲ ساعت دست به اعتصاب میزنند. کارگران بخصوص از آنجهت خشمگین بودند که میدیدند چگونه با ساران و ارضتشان از بهترین غذاهای گرم و میوه و ... استفاده میکنند.

آغا جاری :

* - روز ۹/۹ به کارگران بیمانی مستغلات و تنظیمات مقیم آغا جاری که در میان نکو کا میکنند ابلاغ میشود که بدلیل نزدیک بودن آغا جاری به میان نکو کا، از فردا بدستور رئیس منطقه، سرویس ایاب و ذهاب نخواهد بود. کارگران بدین عمل اعتراض میکنند و به کمیته و شهربانی شهر مراجعه میکنند ولی رئیس منطقه به افسر شهربانی آغا جاری میگوید که کارکنان "مدا انقلابی" و کمیته هم از خود سلب مسئولیت میکند. بنا اینک سرانجام بر اثر فشار کارگران رئیس منطقه مجبور می شود به محل بیاید. او برای آنکه به کارکنان نشان دهد که فاطمه محل کارکنان تا شهر کونسا است. همراه آنها بیاید به سمت آغا جاری راه می افتد. ولی در بین راه آنقدر عرق میریزد که مورد تصحیر کارکنان قرار میگیرد. در این هنگام افسر شهربانی بدو رئیس منطقه سردوسا مانتین او را میبرد! از فردای آنروز (۹/۱۱) ترار میشود به کارکنان سرویس بدهد.

اخراج کارگران :

* - احوار: روز ۹/۲۶ چهار تن از کارکنان تعمیرات مارون در جلوی اداره بهره برداری شرکت نفت اهواز، توسط پاسداران بازداشت و پس از اخراج می شوند. این عمل بدین خاطر انجام میشود که این چهار کارگر زحمتکش بخاطر سرزدن به خانوادهاش که بعلت جنگ به شهرهای دیگر کوچ کرده اند، خند و ورع میبندد. این امر بنیادای مسودنا سرپرست فدکارکنان ایامی آنها را از لیست حقوقی کارکنان حذف

کند. این عمل با اعتراض شدید کارکنان مزبور مواجه میشود. اما مرتجعین کارخانه به سردستگی معاون امور اداری شرکت به کارکنان حمله ور میشوند که در نتیجه کارکنان نیز به دفاع از خود میپردازند. طبق معمول پاسداران سرما به سر میبرند و کارکنان زحمتکش را بزور سوار ما شین کرده و میبرند. بلانامه از طرف شرکت بخشنامه ای صادر میشود که حکم اخراج چهار کارگر مذکور را صادر میکند و در آن وقیحانه کارکنان را "ستون پنجم" خوانده اند

مصادره انقلابی خوابگاه دانشگاه شیراز :

* - بدنبال مدت‌ها تلاش نمایندگان کارکنان جنگ زده صنعت نفت ساکن شیراز برای تهیه مسکن و عدم پاسخگویی رژیم به این خواست کارکنان، روز ۹/۲۵ عده ای از کارکنان جنگ زده به همراه خانواده‌هایشان، یکی از چند خوابگاه بدون استفاده دانشجویان را مصادره نموده اند. بدنبال این عمل انقلابی ابتدا رئیس شهربانی منطقه همراه چند پاسبان، سپس رئیس ستاد ساکنان همراه با چند پاسدار، برای بیرون راندن خانواده‌های جنگ زده در محل حاضر شدند. آنها هر چه وعده دادند و هر چه تهدید کردند، هیچ نتیجه ای نگرفتند. سرانجام با یاری و مبارزه خانواده‌های زحمتکش و جنگ زده نمره‌ها دو مقام رژیم را مجبور کرد تا یکی از خوابگاهها را برای اقامت آنها آماده کنند و بعد از آن خانواده‌های کارکنان صنعت نفت به آنجا نقل مکان کردند.

لاوان :

* - کارکنان شرکت نفت فلات قاره در جزایر بحر خا رنگ، لاوان و سد در شرایط دشوار آب و هوای بد بکار مشغولند. بعد از قیام آنها موفق شدند در اثر مبارزات خود طرح اقماری کار خود را که ۱۴ روز و ۷ روز استراحت بود، به ۷ روز کار و ۷ روز استراحت تغییر بدهند. کارکنان بیمانی شرکت قبلا ۲۱ روز کار و ۷ روز استراحت داشته‌اند و ۱۴ روز کار و ۷ روز استراحت را بدست آورده اند. بعد از جنگ رژیم روزهای کار را به وضع سابق برگرداند. این عمل موجب اعتراض همه جانبه کارکنان گردید. آنها طی نامه‌های متعددی رضایتی خود را از این طرح نکوش تمام مملکتی مقامات مملکتی رسانند ولی طبق معمول هیچ نتیجه ای در بر نداشت. روز ۹/۱۸ رئیس اداره کار استان هرمزگان و معاونش برای تهیه گزارش "به لاوان" میروند. آنها از کارکنان خواستند تا نمایندگان خود را انتخاب کنند ولی کارکنان صراحتا به بیکاری خود، مطرح کردند که نمایندگان واقعی قبلیشان را "بیکار"

سازی کرده اند!

در این شرایط که تمامی کارکنان بیکار چه خواهان ادامه مبارزه تا رسیدن به خواستشان بودند، روی بی‌نیستی و وظیفه دافع رژیم را دنبال کرده و با آمریکا شی خواندن مدیریت است سعی داشتند رژیم را بیکنا جلوه دهند آنها را دشمنان کارکنان را از اعتصاب و مبارزه منع می کردند. اما مبارزات کارکنان همچنان ادامه دارد.

اعتصاب در اهلا بشگاه :

* - کارکنان بیمانی مجتمع تقطیر لاولان وابسته به لایشگاه شیراز، روز ۹/۲۲ بمدت سه ساعت دست به اعتصاب زدند. خواستهای کارکنان پرداخت حق مسکن و جیره خوار با بودجه آنها شیکه این اعتصاب میتوانست با لایشگاه لاولان را که از مراد کریم سوختگیری کشتی های نفتی است، فلج کند، رئیس با لایشگاه شیرازی تمام تلفنی با پرداخت خواست کارکنان فوراً موافقت کرد.

* - کارکنان خدمات رفاهی (ایمپونکوسا بق) شرکت نفت فلات قاره در جزیره لاوان، اخیرا طبق حکمی از جانب این شرکت عملا اخراج میگردند در این حکم از کارکنان خواسته شده که خود شرکت تعاونی تشکیل دهند و برای خود بیمه تکمیل انتخاب کنند. کارکنان بعد از مدتی که بطور براهکننده بدنبال کسب حق خود بودند و نتیجه ای ندیدند، سرانجام بصورت یکپارچه اقدام کرده، از زمین خود ۳ نماینده انتخاب کردند و به نهران فرستادند. نمایندگان بعد از مذاکرات بسیار با روسای شرکت متوجه شدند که آنها نه تنها حق کارکنان را نمی دهند بلکه بیمه تکمیل سابق شرکت در زمان رژیم سابق را که کارکنان بخوبی چهره ضد انقلابی او را شناختند میخواهند دوباره سرکار بیاورند. این واقعات اراده کارکنان را در بیشتر مبارزه شان استوارتر کرد. امید است در حکمی است که طبق آن کارکنان را تحت فشار قرار داده اند :

شرکت ملی نفت ایران

تاریخ: ۱۳۰۹/۲۲/۲۰۱
شماره: ۱۰۰۱/۱۰۰۱
پوسته: ۱

مکتب کارکنان

رئیس منطقه لاوان (شیراز)

برای اطلاع اسامی به گزیده کارکنان هرگز تکلیف در لاوان ابلاغ نماند که با توجه به ممنوعیت هرگز استفاده در صنعت نفت، ادامه خدمت آنان در منطقه با شرایط فعلی امکان نخواهد داشت لذا اینگونه افراد میتوانند به تعیین خود یا تعیین یک کارکنان نمایان "رئیس" اداره خدمات خود از منطقه و پس از توجه به فواید کار در اداری هرگز میباید از هر گونه ویا بکنسه دست بردارند. مدیر بکار مشغول گردند.

مکان: شیراز

۲۲/۱۰/۵۹

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

یک خبر از کارخانه پوشاک

نزد سرما یه داران، کارگران هیچگاه از ارزش انسانی برخوردار نبوده و نیستند، آنها فقط برای پرکردن جیب‌ها یا نشان به کارگران نیا زدا رند، برای سرما یه داران جان یک کارگر چه ارزشی میتوان دادا شته با شد، یک نمونه از عملکردها تو این بیرحم سرما یه دارای راکه بطور حتم، مشابه آن هر روز در کارخانه های مختلف دیده میشو، در کارخانه پوشاک ببینیم، روزشنبه ۸ آذر، در این کارخانه یکی از کارگران دچار ناراحتی قلبی میشو دکا اتفاقا همزمان با آمدن خلخال به کارخانه است. وقتی سرپرست برای گرفتن اجازه جهت بردن کارگر بیمار به بیمارستان به رئیس حسابداری کارخانه مراجعه میکنوی میگوید: "علا صبر کنید، سرپرست در جواب میگوید: "هر لحظه ممکن است بمیرد، آنوقت شما میگویید صبر کنید؟" خلاصه بعد از کلی سروکله زدن ایشان اجازه می دهند که کارگر بیمار را به بیمارستان ببرند، تازه بعد از این همه مکافات هیچ وسیله نقلیه ای برای رساندن مریض به مریضخانه در کارخانه پیدا نمی شود! سرپرست از دونفر از چهار دی که دم در کارخانه ایستاده بودند میخواست که کارگر بیمار را به شهر برسانند، آنها اول امتناع میکنند ولی بعدا در شرفش را میپذیرند، خوب اگر کارگری در حال مرگ هم باشد مسئولین کارخانه چه مربوط! بنزین نیست کاری نمی شود کرد؟ والبته این در حالی است که با این وضعیت بی بنزینی "جنا ب آقای خلخال" آن هم با چند ما شین که وی را اسکور ت میکردند به کارخانه تشریف فرما شدند، رژیم سرما یه داری بهشت مرتجعین وجهنم کارگران است.

جنگ، فرصتی برای بازنشستگی اجباری!

فوق فشا ریشتری را بر کرده کارگران و زحمت - کشان و ارده وارد، جمله خیرا چند مورد از این - گونه اعمال فشا رها بر کارکنان مناطق جنگ - زده وارد آورده اند که در زیر به ذکر آنها میپردازیم:
۱ - برای گروهی از کارکنان صنعت نفت - آبان ماه فرم بازنشستگی ارسال داشته اند که بر طبق آن اولاً "تصفیه حساب نهایی" کارکنان به فرصت مناسب" (که معلوم نیست اصلاحین فرصتی پیدا شود!) نوکول کرده اند و ثانیاً بجای پرداخت حقوق کامل کارکنان تنها وجهی را "بطسور علی الحساب" می پردازند.
۲ - از حدود ۱۵۰ نفر از دانشگانی شرکت نفت خواسته اند که تا تاریخ اول بهمن ماه ۵۹ تقاضای بازنشستگی بکنند و گرنه اخراج خواهند شد، و بدین منظور فرمهایی را برای این عده ارسال داشته اند.
۳ - در منطقه میدیه حکم بازنشستگی اجباری را به همه کارکنان ابلاغ کرده اند ولی در اکثر مقاطع کارکنان و اعتراضات و فشا گریه های آنان، مقامات مجبور شده اند، اجرای این طرح را بصورت دا و طلبانه قبول کنند.
اعتراضات و مبارزات کارگران و کارکنان صنعت نفت جنوب برای خنثی کردن این طرح ضد کارگری همچنان ادامه دارد.

رژیم برای تخفیف شدت بحران اقتصادی جامعه، مدتی است که در صد راه چاره ای است، اما از آنجا که بنا بر ما هیت سرما یه داران نشانیست و انداز هزینه ها بی چون خریدار سلحه برای سرکوب زحمتکشان (مانند ۲۰۰ میلیون تومان که اخیراً رفسنجانی خرج کرده) حیف و میل پولها توسط وابستگان رژیم (با تندر داخت ۲۲ میلیون تومان به روحانیون سنی و ۲۵ میلیون تومان برای روحانیون شیعه) و... خودداری کند، لذا مانند تمام رژیمهای سرما یه داری فشا را بر کلوی زحمتکشان وارد میسازد، یک نمونه از اینگونه اعمال فشا رها، سیاست بازنشستگی اجباری کارکنان ادارات دولتی است، این برای اعتراضات کارکنان مناطق مختلف بصورت اجباری عملی نگردیده بود و در اغلب سازمانهای دولتی بشکل دا و طلبانه عنوان میشد که به استقبال کم کارکنان دولتی مواجه گردید، چرا که با بدی وضع اقتصادی کشور، کم شدن حقوق کارکنان در اثر بازنشستگی و نبود تضمین برای پرداخت آنها، بیگاری و گرانی سرسام آور موجود در جامعه و... بازنشستگی کارکنان آنان را با وضع بدتری مواجه میگرداند.
اما با آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رژیم فرصت یافت تا به بهانه جنگ در بسیاری از زمینه ها و از جمله در مورد اجرای طرح اجباری

اتحاد کارگران اخراجی شرکت فلور علیه تفرقه اندازی رژیم

بسرکار فرستادن همین سیمد تفرقه بعد از طریق را دیو- تلویزیون اعلام خواهد شد!
این گفته مسئولان با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه گردید آنها میگفتند که: "اولا با پسند همگی ما را بسرکار بفرستند و ثانیاً همین حالا تکلیف ما را روشن نکنند چرا عده سرخرمن میدهند؟ کارگران بد رستی در یافتند که هدف مقامات رژیم از اینگونه اعمال فقط ایجاد تفرقه در صفوف آنهاست، از اینرو قاطعانه این توطئه رژیم را محکوم کردند، کارگران تصمیم گرفتند روز سیدهم در محل اجتماع کنند و در صورت بی توجهی مجدد مسئولان، دست به اقدامات قاطعتری بزنند، مبارزات کارگران اخراجی فلور برای بازگشت بکار همچنان ادامه دارد.

بدنبال اخراج بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران شرکت فلور مغان و بکار گرفتن تعداد کمی از این کارگران در قسمت بخش شرکت نفت، بقیه کارگران اخراجی با اجتماعات متعدد، متحد و یکپارچه فریاد اعتراضات را بلند کردند، این امر که موجب وحشت رژیم گشته بود، مسئولان شرکت را بر آن داشت تا با استفاده از شیوه های همیشگی سرما یه داران در صدد ایجاد تفرقه در میان کارگران بیافتند، به همین منظور روز ۹/۱۰ که کارگران مبارز فلور برای شنیدن پاسخ نهایی مسئولان در مقابل اداره کار اجتماع کرده بودند روسای شرکت به نمایندگان کارگران گفتند که فعلاً ۳۰۰ نفر را به سرکار خواهند فرستاد و در آینده تکلیف بقیه روشن خواهد شد، علاوه بر این زمان

"طبق این قانون ما با شما کاری نداریم و باید شما مدیر عامل داشته باشید تا از طریق اوستا بتوانیم حقوق شما را پرداخت کنیم"

معاون مسئول دیگر دعوت کرده ام که بیایند و راجع به کار شما صحبت کنیم شما بروید و فرستاد بیاید "بهر حال" نمایندگان "بعد از دو روز سرگردانی روز سه شنبه ۹/۱۸ به کارکنان میگویند:

نماینده مجلس فقط سرما یه داران را به رسمیت میشناسد

عده ای از کارگران شرکت بازنویسی بندر - خرمشهر که مدت دو ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند، به نمایندگی از تمامی کارکنان به تهران آمده و بسراغ نمایندگان شهرستان به محل مجلس میروند، اما "محمدی" یکی از نماینده - گان خرمشهر در جواب کارگران میگوید: "ما هیچگاه ره هستم شما یک نامه از وضعیتان بنویسید تا ما مطرح کنیم" و بعد به اتفاق "معرفی زاده" نماینده دیگر خرمشهر به داخل مجلس میروند و بعد از اینکه از مجلس بیرون میآیند معرفی زاده خطاب به کارکنان میگوید "من از وزیر کار و دو

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

«ملاحظات کوتاه»

تلویزیون و مشاطه‌گری
استعمار انگلیس!

دوشنبه شب گذشته تلویزیون فیلمی نشان داد بنام "شمین منتر لگه"، تا با اصطلاح فداکاریها و انسانیت و تمدن و خدمات رایه‌های انگلیسی به توده‌های "عقب مانده و وحشی" چینی را به "ملت قهرمان و بیباک" ایران معرفی نماید.

ببینید و قاحت تا کجا است؟ استعمارگران وحشی و جنایتکار انگلیسی که در طول تاریخ، خونخوارترین کم نظیر است، همانها که در چین جنگ تریاک را بر راه انداختند، همان دیوهای که در راه حفظ آرمندبهای استعمارگران نشان در چین، سرهند، در کشورهای عربی و آفریقای، در خاور میانه و... از هیچ جنایتی دریغ ننمودند در تلویزیون جمهوری اسلامی بصورت "فرشته‌های نجات"، "بیام آوران تمدن و انسانیت" معرفی میگردند.

ساله چیست؟ آیا با زهم امیربالیستهای فرستوت انگلیسی نوکران بی جیره و مواجیبی برای خود دست و پا کرده اند تا اینچنین مودیانه به مشاطه‌گری چهره زشت آنان بپردازند؟ آینا همسویی طبقاتی بین هیات حاکمه ایران و امیربالیستها موجب بیرون زدن این دم‌خروس - هاست؟ و از اینها گذشته آیا تبلیغ مذهبی-که مضمون اصلی فیلم را تشکیل میداد برای گرداندگان تلویزیون خوش آیند بوده و یا "انقلاب فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی" منطبق بوده است؟

"مجلس شورای اسلامی" و
مقام زن

برخوردهای ارتجاعی مجلس نشینان "اسلامی" و "مکتبی" آنچنان ابعادی پیدا کرده که صدای "خام عظمی لقا نی" لیبیرال را هم در آورده، او در سخنرانی اش در "جامعه زنان انقلاب اسلامی" (۲۲ آبانماه) میگفت که "خام گوهر الشریعه دستغیب" در اعتراض بیکی از "آقا" های مجلس حرفی زده که آن "آقا" نتوانسته تحمل کند و بلافاصله گفته است که "زن چه کار دارد به کار مرد". از چنین مجلسی نباید انتظار بیشتر از این داشت، بیس از ارتجاعی اینان آنچنان عقب مانده است که حتی به "زنان" خودی نیز حق صحبت قائل نیستند، چه برسد به وضع قوانین عادلانه در مورد "حقوق زنان". چنین "جمهوری" را چنان "مجلسی" و "چنان" مجلسی را آنچنان نمایندگان مرتجع زیننده است!

بقیه از صفحه ۲۲ نیمی صدر...

به عقب برگرداندن کشور به قرنهای قبل، مزد خدمت به زمینداران بزرگ و سرمایه داران، مزد ساکت کردن کارگران و دهقانان، مزد مبارزه با انقلاب و کمونیسم را دریافت میدارند.

اگر کارگران برای نان بخور و تمیر خود و زن و بچه‌شان معطل هستند،

اگر ۳ میلیون بیکار در کشور وجود دارد، اگر هزاران تن از آوارگان بیش از ۱۰ روز بی غذا مانده اند و برخی به گدائی گشته شده اند (کیهان ۱ دی ماه)،

اگر نبودن دوا و دکتر و بیماران بسیار از بیماران را به مرگ رسانده است، اگر در این سرمای زمستان نه جای گرم و نه لباس گرم برای میلیونها تن از کودکان خانوادهاهی زحمتکش نیست،

غمی نداشته باشید!

مهم این است که آقایان روحانیون و مروجین مذهبی با این بولهاشی که میگیرند در "ایسن دنیا" همدر "بهشت برین" هستند!

چهره مزورانه آنها بر زحمتکشان ماهر روز بیشتر و بیشتر آشکار میگردد. کارگران و زحمتکشان مانده تشنه روحانیون و حزب جمهوری اسلامی را میشناسند بلکه بنی صدر، این رویاها مگسار لیبیرال را هم که همواره همدست حزبها بوده و یکی از باجهای او به روحانیون همین ۳۶ میلیون تومان است بخوبی می‌فهمند و گوشتش را نمی‌خورند. درسند اول، شورای انقلاب ۳۶ میلیون تومان به تقاضای سازمان برنامہ (!؟) در اختیار سازمان اوقاف میگذازد تا صرف روحانیون کند، و در سند دوم سازمان اوقاف ۹ میلیون تومان از اعتبار قبلی را دریافت میکنند تا بوسیله آیت الله منتظری صرف روحانیون شود!

دشمنان خلق را در هر چه که باشند افشا کنیم!

مرکز امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۹/۱۰/۶

بقیه از صفحه ۲۷ نماینده...

یعنی کارکنان و شورای شرکت مورد قبول ما نیستند و سرمایه دار، فقط سرمایه دار میثنا سد قابل توجه است که قبلاً شورای شرکت طی بیک حرکت انقلابی از طرف کارگران مدیرعامل شرکت را اخراج کرده بود و این جواب نمایندگان مزدورانه تشنه حرکت انقلابی قبلی کارگران را نفی کرده بلکه پیرداخت حقوق کارکنان را موکول به با زکشت "مدیرعامل" اخراج شده کرده اند. کارکنان شرکت بعلت عدم آگاهی کافی از ماهیت رژیم و مجلس فرمایشی اش موقتاً برانگیزه میشوند اما خواستشان که کارکنان بقوت خود باقیست آنها تنها در صورتی میتواند آید که خواستهای خود بر سرند که متحد و یکپارچه و متکی به نیروی خود به اعتراضات و مبارزات خود ادامه دهند.

کمکهای مالی دریافت شده

شهران:	الف	ب	ج
۲۳۰۰	۳۰۰۰	۶۲۰۰	۲۳۰۰
۲۸۰۰	۲۸۰۰	۴۳۰۰	۲۳۰۰
۷۷۵۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۶۲۰۰
۴۳۰۰	۱۰۶۰۰	۶۳۰۰	۶۲۰۰
۶۰۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۶۰۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۲۸۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
(همراه)	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
(بانامه)	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۲۴۵۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۱۵۰۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۸۴۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۱۰۰۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۸۶۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۱۵۰۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۶۲۵۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۳۲۸۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۹۵۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۲۳۲۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰
۶۱۰۰	۲۲۰۰	۲۴۵۰	۲۳۰۰

شهران: ۱۰۰۰۰
آ- ر ۱۰۰۰۰
ب- س ۱۳۰۰۰
م س ۵۰۰۰
ن- ج ۲۶۰۰۰
م- ۶۰۰۰
غیرم- ۵۰۰۰
م از محلات ۵۰۰۰
ب کتابدار ۱۰۰۰۰
ر- مینا ۶۰۰ ریال
مهدی ۵۰۰۰
جواد ۵۰۰۰
زکا رکر ۵۰۰ ریال
ک و ج ۵۰۰۰
مصطفی - ی ۱۰۰۰
رفقای پرستار ۲۵۰۰۰
پارچه فروش ۱۵۰۰
رفقای کارگرم- ۵۰۰۰
مادرین- ۱۰۰۰
بزرگان هوادار ۲۵۰۰۰
بیشمرگان ۶۲۰۰۰

کردستان:
نا مرالف ۱۰۰۰- ۸۰۰۰
دهقان (آویهنک) ۲۰۰۰- خانواده بیشمرگه ۱۵۰۰
رفیق هوادار ۲۰۰۰- رفقای هوادار ۲۰۰۰
قا میل بیشمرگه ۳۵۰۰- دهقان (آویهنک) ۱۵۰۰
بیشمرگه سازمان ۱۰۰۰- بیشمرگه سازمان ۱۰۰۰
اهالی آبادیهای کامیاران ۱۷۰۰- خانواده بیشمرگه ۵۰۰۰
رفقای هوادار در سند ج ۱۵۰۰

زاهدان:
م- س ۵۰۰۰ ریال
ع- ی ۱۰۰۰
س- ب ۵۰۰۰
ه- ن ۵۰۰۰
رفقای دانش آموز ۲۰۰۰
رفیق آواره جنگی ۲۰۰
ف آواره جنگ ۵۱۵۰
سراوان:
ر ۱۳۵۰
ع ۱۲۴۰
بدون کد ۱۰۰۰

همدان: ا- ح ۴۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۶۰۰۰ ریال
چاه پیلار- رفقای چاه پیلار ۹۳۰۰۰ و ۲۰۰۰۰
کرمانشاه- م الف تا مهات رسید.
داما ونذ- الف- ک ۶۰۰
بوشهر- ز- ۵۰۰۰
سبزوار- مادر مبارز ۱۵۰۰
کرج- م- ۲۲۰۰
اهواز- ن- ۵۱۰۰- ک- ۵۱۰۰
ماهشهر- م- ۴۲۰۰- م- ۱۲۴۰
جنوب- مادر آواره جنگ ۵۰۰۰
ریال همراه با مهر رسید.

آغا جاری:
دانش آموز ۶۰۰
دانش آموز پرستان ۴۰۰
ک (کارگر) ۱۰۰۰۰
بدون کد ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ ریال

شیراز:
دندانپزشک ۱۰۰۰
دانش آموزان هوادار ۶۰۰
ع ۵۰۰۰

تفتیش عقاید در رادیو - تلویزیون ادامه دارد

اخیرا مقامات "مکتبی" رادیو تلویزیون برای شناسایی کارکنان مبارز و مشهود دست به توطئه دیگری زدند که در اثر هشدار و اعتراض وسیع کارکنان با شکست مواجه شد.

مقامات رژیم با بخش پرسشنامه ای در میان کارکنان مشخصات دقیق آنها و نزدیکان نشان را خواسته و با طرح سئوالاتی نظیر "بنظر شما در مورد کارمندان اضافی سازمان چه اقداماتی باید کرد؟"، "فکر میکنید چند نفر از همکاران درواحد شما اضافی هستند؟"، "به نظر همکاران واحد خود راکه بیش از همه متفقد به انقلاب و دارای کارایی و علاقمند به کار هستند نام ببرید" و... مذبح خانه تلاش نمودند که "حکم" اخراج کارکنان را بدست همکاران نشان "صادر نمایند".

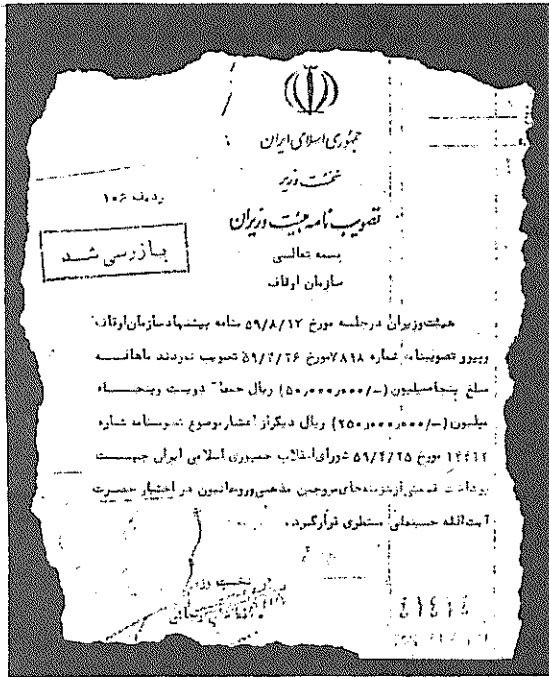
کارکنان با خود داری از پاسخ به تفتیش عقاید به روشهای جدید و داشتن کارکنان به جاسوسی علیه همکاران نشان شدیداً اعتراض کردند و مقامات سریعاً پرسشنامه ها را جمع آوری کردند.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ

شکوفه تبلیغی آنچنان بمیان توده ها میروست که غیورانه ترین احساسات را برای عالیتوین جا نیا زینها در راه انقلاب در توده ها برمی انگیزت در دوران موقعیت انقلابی، علاوه بر انواع پیشین تبلیغ، میتوان از تبلیغ مسلحانه نیز برای برانگیختن توده ها استفاده کرد مثلا اکتسون در کردستان از نوع تبلیغی خاصی بنام جوله (گشت سیاسی - نظامی) استفاده میشود.

تجربه نشان میدهد که بیعت وجود موقعیت انقلابی، توده های کرد از شعارها و سخنرانیهای سیاسی در "جوله" ها زمانها بیشتترین استقبال را میکنند، که پیشمرگه ها، بتازگی از ایستک عملیات نظامی پیروز و مندبا زکشته با شندویسا در زمان شاه خاشن، پس از ۱۷ شهریور با طر داریم که جنگ کوچک مولوتف های توده ها با ارتش مسلح چه تا شیر برانگیزاننده تبلیغی میبخشید، دورانهای اعتلا، و موقعیت انقلابی عدم استفاده از این انواع پیشرو تبلیغی، نشانه درکی عقب مانده و اکونومیستی از مقوله تبلیغ است، بهمانگونه که استفاده از ایستک انواع در دورانهای رکود، چیزی جز آثار رژیم نیست. مشی چریکی در زمانها که میبایست تبلیغ را حول افشاگریهای سیاسی - اقتصادی در دوران رکود سازمان دهد، به تبلیغات مسلحانه که هیچ ربطی به سطح جیش توده ای نداشت می - برداخت و از توده ها جدایی افتاد. در حالیکه همین تبلیغ مسلحانه و حتی ترور سرخ، در دوران موقعیت انقلابی، تا نیرات شیبی بسیاری در برانگیختن بیشتر توده ها بجا میگذارد (برای درک بهتر نسبت به این مسئله میتوان به فیام مسکوا تزلزلین رجوع کرد)، بدین ترتیب ضمن فراموش نکردن انواع دیگر تبلیغ در دوران اعتلا و موقعیت انقلابی و بخصوص بیشتر و بیشتر

آقای بهزاد نبوی دودروغ و یک راست! ۱۴۰۰،۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!



بهزاد نبوی سخنگوی دولت و وزیر مکتبی جمهوری اسلامی طی مصاحبه مطبوعاتی خود که در روزنامه جمهوری اسلامی اول دیماه چاپ شده در باره رسندی که ما منتشر کردیم در آن از جابجایی "بیت المال" عمومی توسط روحانیون برده برداشتم سخن گفته است. در اینجا آقای نبوی مرتکب دودروغ شده که اگر آنرا "گناه کبیره" میدانم معلوم نیست با پیدا و "حشری" زدیاته!

اولا در رسندی که افشا کرده ایم از ۲۵ میلیون تومان دیگر "اسم برده شده که بخوسی نشان میدهد قضیه برداخت پول به آیت الله منتظری منحصر به این ۲۵ میلیون نبوده است.

ثانیا در این سند هیچ ذکری از علمای شستن نرفته و آنچه مربوط به روحانیون سنی نبود مبلغ دیگری است که خود آیت الله منتظری آنرا در نامه ای به سازمان اوقاف مندرج در روزنامه... ذکر کرده است، آیت الله منتظری در این نامه میگوید که برای روحانیون سنی ۸ میلیون از دست ما ۱۴۰۰ میلیون از اوقاف دریافت کرده یعنی جمعا ۲۲ میلیون! اما آقای بهزاد نبوی که میخواهد به "ماستمالی" قضیه ببرد از موضوع را "قاطی" میکند!

ضمن جلب توجه هموطنان مبارز به این سند کردن تراکتها و اعلامیه ها و حتی انتشار نشریات روزانه تبلیغی، به اهمیت شکوفه سخنرانیها و بحثهای توده ای و نظایرات پرشور سیاسی توده ها بایستی بیشترین اهمیتها را قائل شد. بی گمان تا شیری که تظاهرات انقلابی توده های مبارز در سال گذشته در آنزلی بجا گذاشت با هزاران اعلامیه هم نمیشد بدست آورد. ادا مده ارد.

کمک به برادران اهل تسنن

در پاسخ به سئوال معنی خبرنگار در ارجاع به پرداخت ۲۵ میلیون تومان سوسپله دولت به حضرت ابوالفضل العظمی منتظری آقای سوسی شرح داد: سازمان پیکار در راه آزادی هفته کارگری طی اعلامیه با استناد این مورد ادعا کرده است که بیت المال به جیب روحانیون می رود ولسی اصل ماجرا این بود که سنا به تصویب قسلی شورای انقلاب و برای کمک به مخارج تبلیغاتی علمای اهل تسنن در سبستان و سلوچستان کردستان، ترکمن صحرا و بعضی مناطق جنوب کشور باید در اختیار آنها قرار میگرفت منتهی تصویب نامه مشکلی تنظیم شده بود که پس از آن شه امریکرد که مبادا باخی باشد که به عده ای داده میشود. ما اگر ادعا میکنیم که معالمتان در جهت تبلیغ و پیشبرد اهداف اسلامی است باید هر کسی که در این زمینه قدمی بر میدارد کمک کنیم. طبیعی است که برادران اهل تسنن برادران ما هستند و امکانات تبلیغی آنها سببه شرایط خاص ارتباطشان با مردم ضعیف است و بالطبع اگر از این بیشتر هم بخواهند اختیارشان قرار خواهیم داد و این ۲۵ میلیون تومان در اختیار آقای منتظری قرار گرفته تا با نظر ایشان به علمای اهل تسنن داده شود و صرف تبلیغات اهل تسنن گردد البته نظیر این مورد بر پیش آمده بود که امکان داشت مورد استفاده تبلیغاتی گروههای مخالف قرار گیرد و آن تصویب نامه ای بود برای مخارج سفر آقای رجائی و همراهان به آمریکا، لیبی، الجزایر که مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان قید شده بود در حالیکه ما حتی تا صد لیره آری را که از ایران برده بودیم تصویب کردیم. موضوع این تصویب نامه این بود که برای گراه هواپیمای شرکت هواپیمایی ملی ایران که یک هواپیمای ۷۰۷ بود ما میتوانستیم تنها گراه یازده نفر اعضای هیئت را سدهی سکه بایم. گراه یک هواپیمای درست را میدادیم و لذا دولت مجبور شد یک میلیون و چهارصد هزار تومان به هواپیمایی ملی بپردازد که این البته از ایستک است. آن حسب رخت است.

اذا فیه میکنیم که آیت الله منتظری چند روز پس از افشای سند ۲۵ میلیونی از طرف ما، از مسئولیت در یافت و خرج آن پولها استعفا کرد. آیا ترس از افشای اسناد بیشتر موجب این استعفا بوده است؟ اما حرف راستی که آقای بهزاد نبوی از ترس افشاکری کمونیستها و انقلابیون زده است که در سفر "خدا میریایستی" و "خدا میریایستی" رجائی به نیویورک ۱۴۰۰/۰۰۰ تومان را با بت گراه یک هواپیمای جا مبعوث ۲۴۷ برده است تا در رجا ش و چند نفر از همراهان را به آمریکا ببرد از آری یک میلیون و چهارصد هزار تومان از درآمدنا چیز کارگران و زحمتکشان ما می بردارند تا آقای رجائی به نیویورک برود و بگوید آمریکا عملا توبه کرده است و فقط کافی است آزار و ی کاغذیا ورد و اینک آمریکا با این "توبه"، نکا مل معنوی "می یابد! آری خرج سفر رجائی به نیویورک برای سازش با امپریالیسم جنایتکار آمریکا کارکنان و زحمتکشان خیانتهای رژیم را نخواهند بخورد، کمونیستها و انقلابیون رژیم را افشا میکنند، برده های توهم را از پیش چشم توده ها کناری زنند، با آنان بیوند برقرار نمی کنند، از آنها می آموزند و به آنها یاد میدهند و انقلاب را بیکبار نه تا برپا می کنند. جمهوری دمکراتیک خلق به پیش میبرند.

مجاهدین خلق: پارتنریاتن صدپاره؟!

در حالیکه نیروهای انقلابی هوادار و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در کوه و کنسار کشور در معرض تهاجم و جنبانها رتاج قرار دارند و دشنامها، افتخامها و تبلیغات دروغین در روزنامهها و رسانه های گروهی رژیم آنها تراسد ف قرار داده است، در حالیکه حزب جمهوری اسلامی و گروههای جیره خوار آن، چنانچه قدیمی را به ز - ۳ و نارنجک تبدیل کرده به مراکز تجمع مجاهدین حمله میبرند، آنها را میزنند و میکشند...

آری درست در حالیکه درگیری های خیابانی میازان، از طرف باسلاح "گروه های نامعلوم" (توبکودا رودسته های حزب جمهوری اسلامی)، محل انجمن کارمندان مسلمان هوادار مجاهدین را به صحنه کارزار خونینی بدل کرده است و حداقل یک کشته و دهها زخمی بجا گذاشته بود آیت الله دکتر بهشتی رئیس همین حزب معلوم الحال گفت:

"ما مجاهدین را با ره تن خود میدانیم!" (مما حبه را دیوتلو بیونی ۳ دی ماه) آیا مجاهدین خلق که در تهران و شهرهای مختلف از حملات مداوم حزب آقای بهشتی با رها تشنگان باره باره شده است بباره تشنگان آقای بهشتی هستند؟ هیکس این دروغ و نرنک رانمی پذیرد بلکه بدان میخنده، حقیقت این است که بهشتی و حزب او کلیه مرتجعین و ضد انقلابیون از این وحشت دارنده که نیروی انقلابی و بوده ای مجاهدین در کنار ریجیرترین نیروهای انقلابی یعنی کمونیستها قرار بگیرد لذا برای جدا کردن مجاهدین از این مسلف سیاست دانها شنیدن از یک طرف و کار رتیز کردن از طرف دیگر را بر کرده اند. آیت الله منتظری در هفته گذشته در مورد مجاهدین گفت که آنها مسلمان اند! ماههاست که "مرگ بر منافقین" را مثل ردتسیح بر سر زبان نوده های نسا - آگاه انداخته اید، مجاهدین را با اصطلاح خودتان "بدتر از کفار" میدانید ولی حالا چنانکه گوئی مردم در خواب بوده اند مجاهدین را مسلمان می شمارید! حزیبها بخاطر سیاست دوگانه مسه مجاهدین نه تنها از نزدیک شدن آنها به کمونیستها و ماندن در صف انقلاب وحشت دارند بلکه از نزدیک شدن سیاست رهبری مجاهدین به لیبرالها و بنی صدر هم میترسند. آقای بهشتی و حزب او میکوشند مجاهدین را در وسط نکه داشته تضییف و سرکوب نمایند.

اما مجاهدین باید بدانند که لیبرالها هم در میان حزب اند و سربیک در جنبان آنها نماند. مجاهدین باید بدانند که همیما نمانند استراتژیک آنها جز نیروهای انقلابی کمونیست کسی نیست، این حقیقتی است که بارها در عمل ثابت شده و منطق بر ما هیت انقلابی و مسند امپریالیستی هردو میباید شد.

بقیه از صفحه ۱ آقای رفسنجانی

برای زحمتکشان که لقمه را از دهنشان گرفت و آن را بصورت پول به حسابهای گدر زیمبار کرده و ابرینموده اند، معلوم نیست چه کسی مسئول آن بولهاست (روزنامه های اول دی - مذاکرات مجلس)
- برای کارگران کارخانه های کشور که بخاطر کمک به جنگزدگان بجای همان ساندویچ معمولی ناهار، ناگزیرند بانان سیبزمینی شکمشان را سیر کنند،

کارساده ای نبود.

توجه قضیه خرید ۲۰۰ میلیون تومان اسلحه ۱۰ روز طول کشید و آقای رفسنجانی در مباحثه ای که در دومی ماه در روزنامه ها چاپ شده با صلاح به پاسخ اقدام کرد، او به بیوجه نعتوانست مثل بسیاری از حقایق دیگر، این رسوائی را انکار کند، او به هیچیک از نکاتی که در تراکت مابدها اشاره شده بود یعنی گران، سرسام آور، فقر شدید روستا ثن، ۳ میلیون بیگار، بیش از بیست میلیون آوار هجنگ با سخ نداد، آقای هاشمی به مصرف این سلاحها که کشتار ما در روستا هسای کردستان و کشتار انقلابیون و کمونیستها در سراسر کشور است سبز نپرداخت.

فقط گفت که این بدستور امام بوده ولی نگفت که این مبلغ از بیت المال" و حاصل رنج و زحمت کارگران و زحمتکشان یکدم حقی در اختیار ایشان بوده است؟ آقای رفسنجانی ما را که افشاگران بین خیانتها هستیم طبق معمول "ضدانقلابی" نامید و لسی نوده های آگاه بخوبی و افند که ضدانقلابی چه کسانی هستند، آنها میداند که کسی ما نند آقای رفسنجانی که در نقطه مقابل مناقج نوده های زحمتکش ایستاده و انقلاب دمگراتیک مینماید امپریالیستی خلق را با ناکامی (هر چند موقت)

روبرو کرده اند، ضدانقلابی هستند. آقای رفسنجانی مسئولیت را بگردن بانک مرکزی انداخت و برای کسانی که چنان سنسدی را تنظیم کرده و بعد آن را به بیرون در زده اند خط و نشان کشید، او خواست از این مساله علیه رقبای لیبرال خود "بل" بگیرد ولی وانمود میگرد که نمیدانند که هدف ما نه تنها افشای جنایتهای حزب جمهوری، بلکه خیانتهای همپالکی ها شان یعنی لیبرالها هم هست. سر - انجام ما بعد از این افشاکاری نه تنها دم حزب را گرفت، بلکه به لیبرالها نیز ما بت نمود. بانک مرکزی آقای نوبی هم اعلامیه داد (۳ دی ماه) و گوشید به توده ها بقیولانده که مرا خلاقی صورت نگرفته و "کسب اجازه از محضرا ما" را ملاک کار خود قرار داد، اتفاقا برای کارگران و زحمتکشان و آوارگان و کلیه ستمدیدگان مینمان ما مبارزه با هرگونه ضدانقلابی - حلالی عامل آن هر کسی که با شد مطرح است، برای این توده ها که هر روز آگاه و آگاهتر میشوند افشای دشمنان خلق در هر چه ای که باشند از شماست.

ما کمونیستها تعهد و وظیفه خود در قبال خلق را از یاد نمیبریم و هیچ درنگی در دیدن ماسک های فریب که دشمنان خلق به چهره میزنند روا نخواهیم داشت، حالا برای اینکه گوشه بسیار کوچک دیگری از خیانتهای کسانی ما نندها شمی - رفسنجانی روشن شود معلوم کرد که حیثیت و میل اموال عمومی از ایشان امر عیبی نیست و او تا چند "اصول قوم خویش با زی" را بنام انقلابیگری به مردم قالب میکنند به این سنسد و افشاکاری توجه کنید:

سندرو پرو نشان میدهد که محمد هاشمی رفسنجانی (یکی از برادران حجت الاسلام رفسنجانی) که ۱۲ - ۱۰ سال در آمریکا راحت تحصیل میگردد و چنان رفتار با سیو و مشکوکی داشته که از کنفدراسیون دانشجویان اخراج شده بود و جدا کتر جز ودا رودسته دکتری زدی در انجمن اسلامی بوده است، پس از قیا مبهمن به شغلها شئی نظیر "عضو هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی" منصوب شده و مبلغ ۱۲۷۵۰ تومان حقوق ماها ندها ش بوده است، او حالا هم "زبرکت" را در رئیس مجلس بودن و "مکتبی بودن" معاون وزارت کشاورزی است، و عضو هیات سیاسی ایرانی که اخیرا برای سروصورت دادن روابط ایران با امپریالیستهای اروپائی به انگلیس فراتسه و T لمان سفر کرد نیز بود.

تاریخ
ضمیمه
شماره
ممنوع است در پاسخ باین شماره اشاره شود

آقای محمد هاشمی رفسنجانی
مقر هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی

پرو حکم شماره ۲۵۲۱۷ مورخ ۵۸/۲/۲۲
و با استناد اخبارات حاصله از مجمع عمومی سازمان، بموجب این حکم حاقق و مزایای نا دانه شما بر اساس دستورالعمل شماره ۲۲/۱۱۰۰/۱۱۰۰ مورخ ۵۷/۹/۲۲ - سازمان امور اداری و استخدامی، مبلغ یکمصد و سی و هفت هزار و پانصد (۱۲۷۵۰۰) ریال تعیین میگردد که از تاریخ انعام طبق مقررات قابل پرداخت میباشد.

طیحه سید آزادی
وزیر کشاورزی، عمران و روستائی

رونوشت به: اداره کل امرائی
رونوشت به: اداره کل تارکوبی

بقیه از صفحه ۳۲ آیت الله ...

کسی نگفته ما زمان مجاهدین خلق کافرند برای اینکه اسلام به این اصل، کسی شهادتین راه قرآن و پیغمبر اسلام را قبول داشته باشد، این میشود اسلام ولی اشتباهات در عقاید آنها هست... به برادران و خواهران دیگر توصیه میکنیم که آنها را با آغوش باز بپذیرند، چون آنها بچه های خودمانند، جوانان خودمانند، از خراج که نیستند بچه های این کشورند، ما به ایشان علاقه داریم، بچه های مسلمانند... (کیهان اول دیماه، نظرات آیت الله منتظری درباره زمان مجاهدین خلق)

سخنان اخیر آیت الله منتظری با ردیگر هراس زدن انقلاب را از او جگیری جنبش انقلابی نشان داد. ضد انقلاب برای مقابله با نیروهای انقلابی دست به کشتار و سرکوب وحشیانه آنها میزنند، اما زمانیکه از مقابل انقلاب عاجز شدیدیکبار گریه با بد میشود دست نوازش دراز میکنند و از این فرصت برای بهسازی کشاندن نیروهای انقلابی و تجدید قوا برای سرکوب مجدد استفاده میکنند.

سخنان شاد و غلاظ خمینی و منتظری و قطعنامه راهپیمایی کذائی را ملاحظه کردید، حال آنرا با سخنان اخیر منتظری مقایسه کنید، بوی تعفن عوام فریبی سردمداران رژیم آشکار میشود. آن هنگام که احساس نیرومندی میکنند، با سخنی و نیروهای انقلابی شکنجه و کشتار است و در هنگام ضعف بدون اینکه از سرکوب نیروهای انقلابی صرف نظر کنند برای کشیدن آنها از صف انقلاب نقش "پدمهریان" را بازی میکنند. اما مگر همین اکنون حدود هزار نفر از این "جوانان مسلمان" که بقول آیت الله منتظری بچه های این کشورند، در سیاه چالهای رژیم جمهوری اسلامی زندانی نیستند، مگر همین اکنون رهبران مجاهدین تحت تعقیب نیستند و اعلامیه هایشان نیز حجتی غیر قانونی نیست، آقای منتظری بعنوان یک تاکتیک موقتی برای جذب مجاهدین، سخنان ملاطفت آمیز بر زبان میآورد (انگار سخنان دیروزیش یا دمان رفته است!) تا شاید آنان را وادار به سازش با هیئت حاکمه بکشاند. ما ضمن افشای دورویی و دغل سازی منتظری اذعان میداریم که این سخنان فریبی بیش نیست و سرکوب مجاهدین از سوی جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. این سخنان فریب کارانه تنها موضع ضعف رژیم را در مقابل جنبش توده ها آشکار میکند، مضافاً بر اینکه جناح حزب جمهوری میخواد هدر دعوایش با لیبرالها چسکی نیز به مجاهدین زده باشد (چسکی کم و موقتی که هرگز نمیتواند ما تع از سرکوب مجاهدین بگردد، توهین به مجاهدین حتی پس از سخنان منتظری نیز کاشان نیا فته است، صفحه کثیف "چپ اندر چپ" ارگان مرتجعین جمهوری اسلامی در هفته گذشته نیز همچنان بر لجن پراکنی در مورد مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی ادامه داده و رجائی نیز در سخنانیش در "سمینار" جمعیه "با ردیگر به آنها حمله میکند و خلاصه همه

سردمداران حزب کماکان حملات خویش را بر "منافقین" ادامه میدهند و در حمله با سداران ارتجاع در خیابان مبارزان تهران، حداقل یکی از هواداران مجاهدین خلق را میکشند و چندین نفر را زخمی مینمایند.

بدین ترتیب بی آنکه سرکوب نیروهای انقلابی حتی بطور مقطعی متوقف شده باشد، سخنان منتظری، تنها یک معنی دارد، منزوی شدن بیش از پیش ارتجاع! او جگیری جنبش توده ای، کاشی توهم توده ها نسبت به رژیم، آنها را سخت وحشت زده کرده است چنین است که آقای منتظری، برای جلوگیری از منزوی تر شدن بیشتر حزب جمهوری اسلامی به نیرنگ جدیدی جنگ میزنند و نهادهای آشتی با یکی از نیروهای مهم جنبش دموکراتیک ایران سر میدهد.

با سخ مجاهدین به نیرنگ بازی کنونی حاکمان و سردمداران حزب جمهوری اسلامی، بایستی افشای واقعی مواضع ضد انقلابی آنان و توضیح اینکه چرا رژیم چنین عجزی رسیده است باشد. دوستان مجاهد باید بدانند که موضع انقلابی و تعرضی است که ضد انقلاب هراسناک به عقب وادار میشود. در اوج مماشانات مجاهدین و عقب نشینی های آنها در وقتیکه در دستگاه، عدم افشای جنایات رژیم در کردستان و... دیدیم که چگونه آیت الله خمینی و منتظری به آنها یورش آوردند و در حالیکه اکنون که ضد انقلاب، ادامه آشتی را بر سرپه مجاهدان علی رغم غیر قانونی شدن آن و برخورد های انقلابی هواداران مجاهدین در آمل و لاهیجان و... را شاد گردیده، دست به عقب نشینی زده است. از سگ اگر بگریزی، بتوپا رس میکند و هجوم میآورد اما اگر به آن حمله کنی ممکنست دم هم تکان دهد! اما اینجا سئوالی که از دوستان مجاهد میتوان پرسید اینست که بچه ها چه خاطر چندگانه ای مورد التفات این پاتان نیروی ضد انقلابی واقع میشوند. چرا زمانی لیبرالهای مرتجع برای کشیدن مجاهدین بسوی خود میکوشند و زمانی نیز توده ایهای خائن، پدران آنها را نصیحت کرده، خواهان ترک آنان از مواضع انقلابیشان میگردند و اکنون نیز آقای منتظری به نقی سخنان پیشینش برای جذب آنها می پردازد. آیا این التفات به مجاهدین، بخاطر این نیست که امید های این نیروهای ضد انقلابی برای منصرف کردن مجاهدین از انقلاب در سراسر پروا نند؟ آیا این امیدها بخاطر تزلزلات متعدد مجاهدین در مقابل انقلاب نیست؟ یا اگر مجاهدین در مبارزه طبقه ای، تزلزلات وسیعی را که تا امروز شاهد آن بودیم از خود نشان نمیدادند، باز هم ارتجاع میتوانست به آنان امیدوار باشد و از لیبرالها و توده ایهای مزدور تا حزبیهای فالانژ و سرسخت برایشان دندان تیز کنند؟ بر مجاهدین خلق است که با قاطعیت بخشیدن به مواضع انقلابی، تمام ضد انقلاب را دلسرد و دل افسرده سازد.

بقیه از صفحه ۳۲ سمینار ...

ثانیا: "اٹمه جمعه" زیر چتر بوروکراسی!

پس از دادن قدرت و اختیارات وسیع به اٹمه جمعه "مسئله اساسی دیگری که برای حزب مطرح میشود کنترل و هدایت این "اٹمه" در یک بوروکراسی منظم و هدایت شده است. ما منتهای بیوضوح به لزوم این سیستم اداری اعتراف میکنیم: "اگر این نمازهای جمعه با عبادت دویست نوع خط در سراسر کشور برگزار شود نه تنها مفید نخواهد بود بلکه زیان آور نیز میباشد و سبب رفع این مسئله احتیاج به تکرار اینگونه سمینارها میباشد." (جمهوری اسلامی، ۳ دی) و آیت الله مشکینی نیز ضرورت تشکیل این سمینار را از جمله درها هنگ کردن "اٹمه جمعه" میداند، اما "حزب" تمیخواهد تنها از طریق سمینارها، ایجاد هماهنگی کند بلکه میخواهد تشکیلات اداری منظمی بهمین منظور ایجاد نماید. بهمین خاطر "دفتر مرکزی نماز جمعه در شهر قم"، بهمنابه ارگان اداری "اٹمه جمعه" تاسیس میگردد (ما ده ۱۱ قطعنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ دی) البته "اٹمه جمعه هراسناک" لااقل هر یکماه یکبار جلسه هماهنگی خواهند داشت و سمینار سراسری "اٹمه"، هر شش ماه یکبار برگزار خواهد شد و حتی برای این بوروکراسی "اٹمه جمعه" ایجا دیگ با زرسی ویژه نیز پیشنهاد میشود: "بهتر است زیر نظر امام مرکزی برای رسیدگی به شکایاتی که از اٹمه جمعه میرسد، رسیدگی کند." (سخنان آیت الله منتظری در سمینار، جمهوری اسلامی ۲ دی) بدین ترتیب "اٹمه جمعه"، در یک سازمان بوروکراتیک تحت رهبری و کنترل حزبیها متشکل میشوند و بهمنابه یک ارگان قدرت حزب عمل خواهند کرد. بعنوان اولین قدرت نمایی میتوان به سخنان خامنه ای اشاره کرد، که در خط دادن به اٹمه جمعه، کوبیدن لیبرالها و مجاهدین (خط نفاق) را در رأس کارهای آنها قرار داد (همانجا ۳ دی) و بدین ترتیب بعنان مشخص کرد که "اٹمه جمعه" مبلغ منافع کدام جناح از قدرت هستند و حتی بطور مشخص به "بنی-صدر بعنوان یک جریان ضعیف که مخالف نماز جمعه است" (جرا که بنی صدر گفته بودند نماز جمعه با یکاه تفرقه افکنی شده و منظور این بود که به آلت دست حزبیها تبدیل شده است.) حمله کرد (همانجا ۲۰ دی) و لیبرالها نیز که با شمشیر طبقه ای - شان در یافتن بودند، متشکل شدن اٹمه جمعه در یک تشکیلات بوروکراتیک بسود حزب عمل میکند نصیحت نامه پیرالتماسی در انقلاب اسلامی، ۳ دی چاپ کردند (نوشته سلامتیان) که در آن خواسته بود "اٹمه جمعه" از هیچ گروهی دفاع نکنند، اما سخن آخر ما، اینست که حزب ننواهد توانست با استفاده از هزارم قدرتی ایجا دستکلیات اداری برای "اٹمه جمعه" به تثبیت خویش بپردازد و او جگیری انقلاب چنان عرصه را بر آنها تنگ خواهد کرد، که بایستی "اٹمه جمعه" از ترس انقلاب نماز وحشت برپا دارند!



سمینار ائمه جمعه: گامی دیگر در جهت تحکیم حزب از طریق ایجاد تشکیلات بوروکراتیک

حزب جمهوری اسلامی از نظر طبقاتی، در تطابق با بخش وسیعی از روحانیت ایران قرار دارد و به همین نامیمون همین رابطه نزدیک توانسته است، خود را سریعاً بصورت گسترده و سراسری سازمان دهد، در این سازمان نهدی، روحانیون بمنابر و روشنفکران سنتی و نیز تشکیلات سنتی - شان، یعنی شبکه گسترده روحانیت و بخصوص حوزه علمیه قم، کمالات بی حد یافته است. یکی از همین ابزارهای سنتی که اکنون بطور بسیار با رزی در خدمت اهداف حزب جمهوری اسلامی قرار دارد، خطبه های نماز جمعه، سخنرانی های پیش از آن و سازمان نهدی ستاد نماز جمعه است. حزب با توسل به اعتقادات مذهبی توده ها آنها را به نماز جمعه فرا میخواند و آنگاه به تبلیغ مواضع ارتجاعی سیاسی می پردازد، بدین ترتیب نماز جمعه بخاطر امکان تبلیغ گسترده در میان توده ها، بعنوان یک ارگان مهم قدرت بشمار میرود و از اینرو حزب کوشیده است اعضاء و هواداران نشر را به امامت جمعه شهرها و روستاهای سراسر ایران بگمارد، سمینار ائمه جمعه در هفته گذشته نشان میدهد که حزب اکنون میخواهد از یکسوا ائمه جمعه را در یک سازمان بوروکراتیک

پاداشتهای سیاسی هفتگانه

زیر کنترل و رهبری خویش در آوردن زسوی دیگر با سپردن اختیارات متعدد، قدرت آنها را افزایش داده و بدین ترتیب تشکیلات بوروکراتیک ائمه جمعه را که زیر کنترل و هدایت خویش دارد، به یک ارگان قدرت نیرومند تبدیل سازد. هر دو نکته فوق را بطور آشکار میتوان در گفتارهای سمینار گذاشتی فوق نشان داد.

اولاً: "ائمه جمعه" رهبران ملت!

حزب میگوید اختیارات وسیعی برای ائمه جمعه، دست و پا کند و از این طریق، یک ارگان نیرومند قدرت را خدمت گیرد، در این سمینار آیت الله منتظری در پی همین سیاست گفت: "نماز جمعه امر تشریفاتی نیست، بلکه اداره ملت و رهبری ملت به دست امام جمعه ها است." (جمهوری اسلامی ۲ دیماه) و خاتمه ای بطور مشخص شریفه هدایت دولت را نیز در حیطه وظایف امام جمعه میداند: "نماز جمعه برای رسیدگی به جزئیات امور نیست بلکه برای هدایت جامعه و دولت میباشد." (هما بخا) این مسئله در ماده اول قطعنامه سمینار رد و روزه ائمه جمعه نیز گنجانده شد. (جمهوری اسلامی ۳ دی) بقیه در صفحه ۳۱

"آیت الله منتظری و مجاهدین خلق: فریبکاری از ترس جنبش توده ها

د پروز "اگر یک دزدی را کشتند و زاپه نما بود (منتظر شهدای انقلابی مجاهدین خلق است - پیکار) آتوقت شما میشوید انقلابی". "اینها خدا سلام هستند، خدا انقلاب هستند... منافعها هستند که بدتر از کفار رند... ما سوره منافقین داریم، اما سوره کفاره نداریم." (جمهوری اسلامی ۵ تیر ۵۹) هشدار امام درباره مجاهدین خلق

نظر آیت الله خمینی درست است. "مکتب منتظر مکتب مجاهدین است. پیکار، مکتب باطنی است." (نظر آیت الله منتظری در مورد مجاهدین، جمهوری اسلامی ۹ تیر ۵۹) "آیت الله منتظری برای اعتراض به سازمان منافق!" مجاهدین و تقاضای انحلال آن در روز ۱۳ تیر مردم را به راهیمائی دعوت میکنند (جمهوری اسلامی ۱۲ تیر ۵۹)، در این راهیمائی شاعر "مرگ بر مجاهدین" داده میشود و برگزار کنندگان در قطعنامه آن خواستار انحلال سازمان مجاهدین میشوند. (جمهوری اسلامی ۱۴ تیر ۵۹)
اما امروز "نظر دکتر بیخشتی در مورد مجاهدین: ما این عزیزان را پاره تن خود میدانیم" (انقلاب اسلامی ۴ دی) بقیه در صفحه ۳۱

بنی صدر و باج ۳۶ میلیون تومانی به روحانیون!

در یک سند افشاگرانه گفتیم چرا "۲۵ میلیون تومان دیگر" برای مروجین مذهبی به آیت الله منتظری داده است. در یک سند افشاگرانه بعدی بنقل از بیانیه ۲۰۰۰ آیت الله منتظری گفتیم که ۲۲ میلیون تومان هم به روحانیون سنی داده شده است، حالا سندی دیگر با مضای بنی صدر را ملاحظه کنید که طبق آن مبلغ ۳۶ میلیون تومان برای روحانیون و مروجین مذهبی اختصاص یافته است یعنی تا آنجا که با اطلاع داریم مجموعاً ۸۲ میلیون تومان در چند ماه گذشته به جیب روحانیون و مروجین مذهبی سرازیر شده است. این رقم بسیار رکوچی است از پولهایی که به جیب روحانیون میرود! آنها مزد شاغجهل، مزد تحمیق توده ها، مزد بقیه در صفحه ۲۸

جمهوری اسلامی ایران
وزارت اطلاعات
تاریخ: ...
موضوع: ...
مبارز با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

شماره ...
تاریخ ...
پیرمست ...
سازمان آروان
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳/۲/۵۹ تصویب نمود که: ...
سند شماره ۲

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست